

آموزشی کنفرانس رشد

- دوره سی و دوم
- شماره بی دربی ۲۵۹
- آذر ۱۳۹۵
- ۱۰۰۰۰ ریال
- ۴۸ صفحه

ISSN:1606-9099

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

یادداشت سردبیر

تقویت تدریس و یادگیری با فناوری آموزشی / عادل یغما ۲

تکنولوژی آموزشی، یادآوری و علوم یادگیری

- نقش تکنولوژی در آموزش و کلاس درس / مترجم: مینا سلیمی ۱۰
- فناوری‌های نوین آموزشی و فرصت‌های یادگیری / سیدمحمد فاطمی، فاطمه ابوالحسنی ۱۶
- سواد رسانه‌ای و توسعه تفکر / فرهاد کریمی ۴۲

کاربرد تکنولوژی آموزشی

- نگاهی به نقش تکنولوژی آموزشی در پرورش ذهن کنجکاو و فعال / لیلا سلیقه‌دار ۴
- ضرورت گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس / حمیدرضا محمدبیگی ۲۰

طراحی و تولید برنامه‌ها، مواد و وسایل آموزشی

- روش‌های نوین تدریس - تجربه‌ای در کلاس چندپایه / فاطمه میرکی ۷
- بازی شناخت خواص آهن‌ربا / فاطمه شهزادی ۱۹
- درس‌پژوهی - راهکارها و راهبردهای ترویج / نوید کاظمی‌آسکی ۳۰
- دندان‌پزشکان کوچک - ایفای نقش، روشی برای آموزش بهتر / معصومه آرنی ۳۳

پژوهش و نوآوری

- کاربرد نظریه‌های یادگیری در کلاس درس / احمد شریفان ۲۶
- تبریزگردی در کلاس - پشت میز و نیمکت کلاس / حسن رضاترابی ۲۸

تکنولوژی و مدیریت یادگیری

- شناخت ماهیت و تنوع هیجان‌های دانش‌آموزان / مترجم: پروین عینی، اکرم عینی ۱۲
- مشارکت دانش‌آموزان در امور مدرسه - موانع و راهکارها / نوید کاظمی‌آسکی ۳۷
- نقش معلم و دانش‌آموز در مدیریت یادگیری / غلامرضا یادگارزاده ۴۰

خبر و اطلاع‌رسانی

- مطالعه ۱۲ کتاب برای پاسخ به یک سؤال دانش‌آموز / گفت و گو با اعظم خیرخواه / محمدحسین دیزجی ۳۴
- از تیل‌های رنگی تا تدریس روی خط / نشست با مهین طهرانیان و حورا کاتبی / محمدحسین دیزجی ۴۴
- معرفی کتاب: یادگیری معکوس / فرناز بابازاده ۴۷

آموزه‌های تربیتی و فرهنگی

- نکوکاری / جعفر ربانی ۲۴

ما و خوانندگان

- پاسخ تصویر و تفسیر / مهرنوش لطفعلی، معصومه حدادی قره‌قیه ۴۸
- نامه‌های رسیده ۴۸

مدیرمسئول: محمد ناصر
سردبیر: عادل یغما
شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی:
دکتر فرخ لقا رئیس دانا (مشاور سردبیر)،
دکتر علیرضا مقدم، دکتر محمود تلخایی،
احمد شریفان، دکتر غلامرضا یادگارزاده،
فاطمه شهزادی، سیدسعید بدیعی، یدا... کریمی،
محمدحسین دیزجی
مدیرداخلی: فرناز بابازاده
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: شاهرخ خره‌غانی
تصویرگر: میثم موسوی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، شماره ۲۶۶
نشانی پستی مجله:
تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام‌نگار: roshdmag.ir
technology@roshdmag.ir
تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ (داخلی ۴۲۸)
۸۸۳۰۹۲۶۱-۴ و ۸۸۸۴۹۰۹۸
دورنگار: ۸۸۳۰۱۴۷۸
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیرمسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۰
کد امور مشترکین: ۱۱۴
امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۵۱۱۰
صندوق پستی امور مشترکین:
۱۶۵۹۵/۱۱۱
شمارگان: ۲۵۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

در خور توجه نویسندگان و مترجمان گرامی

- مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با موضوع تکنولوژی آموزشی مرتبط و در جای دیگر چاپ نشده باشند.
- منابع مورد استفاده در تألیف را بنویسید. مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و چنانچه مقاله‌ها را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید کنید. در هر حال، متن اصلی نیز باید با متن ترجمه شده ارائه شود. مقاله‌ها یک خط در میان، بر روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شوند. نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌ها و اصطلاحات علمی و فنی دقت شود. محل قرار دادن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن، با علامتی در حاشیه مقاله مشخص شود.
- مجله در رد، قبول، ویرایش، تلخیص و اصلاح مقاله‌های رسیده مختار است و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با پدیدآورنده است.

تولید انبوه وسایل و مواد
کمک آموزشی معرفی شده در
این مجله، با اجازه کتبی صاحب
اثر بلا مانع است.

تقویت تدریس و یادگیری با فناوری آموزشی

در شماره قبل به اختصار توضیح دادیم که بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری در آموزش می‌تواند از یک سو معلم و فرایند آموزش و از سوی دیگر دانش‌آموز و شیوه‌های یادگیری را متحول سازد. در این شماره می‌خواهیم بدانیم فناوری آموزشی چگونه این کار را انجام می‌دهد.

برای آگاهی از این موضوع، توجه معلمان عزیز را به دو نکته مهم جلب می‌کنم:

۱. دانش‌آموزان چگونه یاد می‌گیرند؟ یعنی سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان کدام‌اند؟ هر سبکی چه ویژگی‌هایی دارد و فناوری آموزشی چگونه این سبک‌ها را تقویت می‌کند؟
۲. معلمان با چه روش‌هایی آموزش می‌دهند و فناوری آموزشی برای بهسازی و ارتقای کیفیت آموزش چه تدابیر و پیشنهادهای عملی دارد؟

الف) سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان

نتایج تحقیقات علمی نشان می‌دهد که همه دانش‌آموزان، به یک سبک یاد نمی‌گیرند، ولی به‌طور کلی سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان سه نوع‌اند: دیداری^۱، شنیداری^۲ و جنبشی یا عضلانی^۳

سبک‌های یادگیری	تدابیر و پیشنهادهای عملی تکنولوژی آموزشی
یادگیرندگان دیداری	اطلاعات و مفاهیم درسی را با استفاده از تصویر، نمودار، کارت‌تون، فیلم و سایر انواع وسایل دیداری ارائه دهید
یادگیرندگان شنیداری	برای توضیح مطالب درسی از صدا و گفتار و داستان بیشتر استفاده کنید
یادگیرندگان جنبشی یا عضلانی	برای درک مفاهیم درسی فعالیت‌هایی تنظیم کنید که دانش‌آموزان بتوانند اشیا را دستکاری کنند

ویژگی‌های یادگیرندگان دیداری

- وقتی می‌بینند بهتر یاد می‌گیرند.
- از طریق بینایی بهتر ارتباط برقرار می‌کنند.
- برای بازخوانی اطلاعات بیشتر از تصاویر و رنگ‌ها کمک می‌گیرند.

ویژگی‌های یادگیرندگان شنیداری

- با شنیدن بهتر یاد می‌گیرند.
- مهارت‌های زبانی آن‌ها قوی است.
- از طریق صدا و گفتار مطالب را عمیق‌تر درک می‌کنند.

ویژگی‌های یادگیرندگان جنبشی یا عضلانی

- با انجام دادن کارهای عملی بهتر یاد می‌گیرند.
- در محیط‌های عملی، آزمایشگاهی و کارگاهی بهترین نتیجه را می‌گیرند.
- معمولاً محیط خود را به‌طور عینی بررسی می‌کنند.
- کارهای عملی را با علاقه و انگیزه بیشتری انجام می‌دهند.
- دیرتر دست از کار می‌کشند.
- اغلب افرادی کاملاً مهارتی هستند.

ب) روش‌های تدریس معلمان

روش تدریس معلم به خاطر ارتباط مستقیم و تنگاتنگ آن با اهداف آموزشی، محتوای درس، سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان و انتخاب فناوری‌های مناسب و مورد نیاز با شرایط کلاس درس، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ضرب‌المثل معروفی می‌گوید: «سؤال خوب نیمی از پاسخ است.» این ضرب‌المثل در انتخاب روش‌های تدریس بیش از نصف پاسخ هم صادق است؛ یعنی انتخاب روش تدریس مناسب، گاهی کل پاسخ را در برمی‌گیرد. از این رو، تسلط معلم بر کاربرد روش‌های تدریس و آگاهی از ویژگی‌های هر یک در ارائه بهتر مطالب درسی و به تبع آن در تسهیل یادگیری، بسیار مؤثر و کارساز است. در جدول زیر، انواع روش‌های تدریس، فنون و فعالیت‌های مناسب هر یک را یکجا معرفی می‌کنیم تا معلمان عزیز به راحتی بتوانند روش تدریس مناسب با هر سبک یادگیری را انتخاب کنند و برای کارایی و بهبود آموزش خود اقدام کنند. در این جدول، تدابیر پیشنهادی فناوری آموزشی برای تقویت روش تدریس، به صورت فنون و فعالیت‌های آموزشی ارائه شده است.

روش‌های تدریس	فنون آموزشی	فعالیت‌های آموزشی
روش همیارانه	تمرکز بر سؤال‌ها	انجام فعالیت‌های انگیزشی
روش اکتشافی	برجسته‌کردن نکات اصلی درس	انجام فعالیت‌های جهت‌دار
روش مشکل‌گشائی	مقایسه، تشبیه، همسانی	انجام فعالیت‌های اطلاعاتی
روش بازی‌های آموزشی	روش‌ها و مهارت‌های تقویت حافظه	انجام فعالیت‌های عملی
روش وانمودسازی	ایجاد تصویر ذهنی	انجام فعالیت‌های ارزشیابی
روش بحث و گفت‌وگو	استفاده از نقشه‌های مفهومی	
روش تمرین و تکرار	طرح سؤال‌های محکم و تثبیت شده	
روش توضیح، سخنرانی	بررسی موردی	
روش نمایشی	ایفای نقش	

در پایان، یک سؤال در واقع یک سؤال مهم مطرح می‌کنیم و از معلمان و کارشناسان علوم تربیتی و تکنولوژیست‌های آموزشی درخواست می‌کنیم پاسخ‌های خود را برای درج در مجله و استفاده معلمان عزیز کشورمان، به دفتر مجله ارسال کنند.

● **سؤال:** با توجه به تنوع سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان، معلمان در ارائه مطالب درسی در کلاس از چه تبدیری استفاده کنند تا همه دانش‌آموزان به گونه‌ای مطلوب و عادلانه از تدریس بهره‌مند شوند. به کلامی دیگر، معلم هر روش تدریسی را مطابق سبک‌های یادگیری انتخاب کند، فقط یک گروه از یادگیرندگان از آن بهره‌مند می‌شوند و حق دو گروه دیگر ضایع می‌شود. پس چه تبدیری باید اندیشید تا تدریس معلم برای همه دانش‌آموزان سودمند باشد؟

عادل یغما

* پی‌نوشت‌ها *

1. visual learners
2. auditory learners
3. kinesthetic learners

* منبع *

Educational Technology for Teaching and Learning, (2011) Timoty J. New by... Pearson, Boston, USA

یادآوری: اولویت درج پاسخ‌ها در مجله:

تدابیر و پیشنهادهای عملی که استفاده از فناوری‌ها و نگرش‌های جدید آموزشی را در بر گیرند و کاربرد آن‌ها در مدارس ما امکان‌پذیر باشد، از اولویت خاصی برخوردار خواهند بود.

نگاهی به نقش تکنولوژی آموزشی در پرورش ذهن کنجکاو و فعال

اشاره

از جمله اهداف مشترک در تمامی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش، کمک به فرد در رشد و گسترش ذهن فعال و کنجکاو است. چنین دانش‌آموزی می‌تواند در آینده به یادگیرنده‌ای مستقل تبدیل شود که تا پایان عمر به دنبال یادگیری باشد و دانستن و تلاش برای توانستن را، نه تنها یک نیاز بلکه یک ضرورت و بالاتر از آن، یک لذت درونی تلقی کند. بر این اساس، علوم و فنون گوناگون به معلم و مدرسه کمک می‌کنند تا شرایطی برای پرورش ذهنی کنجکاو و فعال فراهم آورند. نقش تکنولوژی آموزشی در این باره بسیار است. این نقش محور نوشته پیش‌روست.

کلیدواژه‌ها: ذهن فعال، ذهن کنجکاو، تکنولوژی آموزشی

یادگیرنده فعال

در دهه حاضر، مطالعات گوناگونی در حوزه تعلیم و تربیت انجام شده‌اند تا شیوه‌ها و موقعیت‌های تأثیرگذار در یادگیری دانش‌آموزان را شناسایی کنند. از آن جمله می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که حاکی از این است که تحرک و فعالیت‌های فیزیکی دانش‌آموزان می‌تواند در روند یادگیری آنان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. تحقیقات ۴۰ سال گذشته نشان می‌دهند، در صورت نبود تحرک، ممکن است یادگیری هوشمندانه و مطلوب صورت نگیرد، در حالی که اگر در آموزش به بازی و تحرک توجه شود یادگیری به بهترین وجه صورت می‌گیرد.^۱

با این همه، فعال بودن ذهن و یادگیری فعال صرفاً به تحرکات فیزیکی دانش‌آموزان محدود نمی‌شود و اساس آن به آنچه در ذهن یادگیرنده روی می‌دهد مرتبط است.

از جمله مشخصات انسان، کنجکاو و جست‌وجوگری ذهن اوست که او را به اکتشاف و اختراع و فلسفیدن و در نتیجه صاحب فرهنگ شدن برانگیخته است.^۲ با این شرح، تلاش معلم برای ایجاد زمینه پرسش‌گری و جست‌وجوی پاسخ برای دانش‌آموزان می‌تواند موجبات پرورش ذهنی فعال را فراهم آورد.

یک یادداشت سردبیر، یک نظریه یادگیری

بدیهی است، از جمله خدمات و کاربست‌های مهم تکنولوژی آموزشی در مدرسه و در کلاس درس، غنی‌سازی فرصت‌ها و منابع آموزشی در اختیار دانش‌آموزان است تا آن‌ها بتوانند کنجکاوانه در محتوا و مفاهیم آموزشی مورد نظر غور کنند و با هدایت معلم، فرضیه‌سازی کنند و در نهایت به پاسخ دست یابند. در یادداشت سردبیر شماره ۴ رشد تکنولوژی آموزشی ۳ سال ۹۵-۱۳۹۴ آمده بود، از جمله نشانه‌های تدریس خوب و اثربخش، ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و ارائه محرک‌های گوناگون به آن‌ها، به منظور ایجاد یادگیری فعال است که از طریق مشارکت در بحث و گفت‌وگوها، پیگیری مطالب جدید از طریق مطالعه آزاد و تکمیل مطالب درسی در خانه صورت می‌گیرد. همچنین، ایجاد فرصت و شرایط لازم برای آزادی در فعالیت‌های فردی و گروهی، احترام به عقاید دانش‌آموزان و استقبال از پیشنهادها و ابتکاراتی است که دانش‌آموزان ارائه می‌دهند. بر این اساس، کار معلم تنها به ایجاد زمینه‌های یادگیری فعال در کلاس درس محدود نمی‌شود و دیگر فرصت‌های آموزشی و پرورشی را مانند تکالیف یادگیری در خانه دنبال می‌کند و از سوی دیگر، آزادی عمل دانش‌آموزان محور یادگیری



معلمانی که همواره به پرورش کنجکاوی ذهنی خود توجه می کنند بیش از سایرین می توانند کنجکاو و فعال داشته باشند

نمونه‌های زیر به ویژگی‌های مرتبط با ذهن باز اشاره می‌کنند.

غنی‌ت شمردن فرصت‌های یادگیری

ساعت تفریح برای استراحت دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است و غالباً در این زمان گروه‌هایی از معلمان نیز در دفتر مدرسه تشکیل می‌شوند. این زمان آن قدر طولانی نیست که به انجام پژوهش یا مطالعه مفصلی منجر شود یا این امکان وجود داشته باشد که بحث و سؤال‌های معلمان درباره مشکلات آموزشی و پرورشی در کلاس درس به نتیجه قطعی برسد و جمع‌بندی شود. به همین دلیل، لازم است معلمان در دیگر ساعات حضور در کنار یکدیگر به پیگیری گفت‌وگوی خود بپردازند و به طور مداوم این قبیل فرصت‌ها را برای رشد حرفه‌ای خود فراهم کنند و آن‌ها را به سادگی از دست ندهند. این در حالی است که ساعت تفریح برای برخی معلمان فرصتی است برای بیان شکایات و ذکر نامناسب بودن شرایط آموزشی یا اخلاقی عده‌ای از دانش‌آموزان.

قرار می‌گیرد تا جایی که آن‌ها بتوانند خود را فردی تأثیرگذار در یادگیری خود و حتی دیگران بدانند.

برای ایجاد چنین زمینه‌ای در تدریس، تکنولوژی آموزشی، طراحی حرفه‌ای تدریس را پیش روی معلم قرار می‌دهد. در طراحی آموزشی بر این اساس، معلم باید به همه فرصت‌های آموزشی و پرورشی توجه و تلاش کند از هر فرصتی برای فعالیت ذهنی دانش‌آموزان خود بهره‌گیرد. ممکن است این مهم تنها با طرح ساده یک پرسش چالشی توسط معلم ایجاد شود و گاهی نیز بهره‌گیری از تجهیزاتی مانند فناوری‌های نوین نیاز است تا اشتیاق دانش‌آموز به طرح پرسش و جست‌وجوی پاسخ آن را در کلاس ایجاد کند.

با این نگاه به تکنولوژی آموزشی است که معلمان می‌توانند با ذهنی باز و فعال، شرایطی را در کلاس ایجاد کنند که در آن دانش‌آموزان نیز کنجکاوانه و با فعالیت ذهنی، به یادگیری مشغول شوند. این قبیل معلمان، مطابق سند برنامه درسی ملی، افرادی یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی هستند. به عبارت دیگر، آن‌ها نقطه‌ای برای پایان یادگیری خود نمی‌شناسند و همواره در تلاش‌اند تا با به‌روز بودن در علم و مهارت حرفه‌ای خود، فعالانه به پرورش کنجکاو ذهن خود بپردازند و هرگز خود را از یادگیری و پژوهش بی‌نیاز ندانند.

ذهن باز، چاره یادگیری فعال

اما آیا تنها یادگیرنده بودن معلم برای پرورش ذهن دانش‌آموزان کافی است؟ در کنار دیگر ضروریات مربوط به این مهم، ذهن باز معلم و تلاش وی برای تقویت و گسترش ذهن باز دانش‌آموزان اهمیت بسیاری دارد. منظور از ذهن باز ذهنی است که در برخورد با مسائل و ارزشیابی اوضاع، خوش‌بینی و یا بدبینی غیرواقعی نمی‌کند، و واقع‌بینانه به شرایط می‌نگرد و هرگز، به ویژه در زمانی که اطلاعات لازم را در اختیار ندارد، دست به پیش‌داوری و قضاوت نمی‌زند.

افراد دارای ویژگی ذهن باز برای تبدیل شدن به یادگیرنده مادام‌العمر و مستقل‌آمادگی بیشتری دارند، زیرا همواره داوری علمی و مبتنی بر اطلاعات را بر داوری عاطفی و احساسی ترجیح می‌دهند و اظهار نظر قطعی درباره هر چیز را به دانستن و توانستن بیشتر منوط می‌دانند. تربیت این‌گونه افراد نیاز به معلمانی با ذهن باز دارد.

هنگامی که ذهن باز محور ارتباط بین معلم و دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد، در این صورت، آزادی لازم برای یادگیری فراگیر همه دانش‌آموزان فراهم می‌شود و آن‌ها می‌توانند در محیطی امن (امنیت روانی و ذهنی) به ارائه نظر و پیگیری راه یادگیری خود اقدام کنند.

احترام به عقاید دانش آموزان و اعطاء آزادی عمل به آنان برای مشارکت در فعالیت‌های فردی و گروهی در مسیر یادگیری، موجب تقویت فعالانه یادگیری می‌شود



ع مطلق گرا نبودن

معلمانی که در گفت‌وگو و برخورد با دانش‌آموزان خود از قیدهایی مانند همه، همیشه، تماماً، کلاً، کاملاً، اصلاً، ابداً و مطلقاً که معنای مطلق بودن دارند استفاده نمی‌کنند، از ذهنی بازتر برخوردارند. یادگیرندگان در چنین شرایطی احساس می‌کنند با منطق بیشتری قضاوت می‌شوند و به همین دلیل یک اتفاق نمی‌تواند بیانگر کلیت وجود آن‌ها باشد. با این حال، معلمی که با ورود به کلاس و به منظور تنبیه دانش‌آموزان صفتی را به همه آن‌ها نسبت می‌دهد و برای مثال می‌گوید: «شما همه تان بی توجه هستید» و یا به دانش‌آموزی می‌گوید «تو همیشه نسبت به این درس کم‌کار بوده‌ای»، اولین حسی که به مخاطب خود منتقل می‌کند، ناتوانی، ناامیدی و نبود رغبت برای پیگیری یادگیری است. همین شرایط موجب می‌شود انگیزه دانش‌آموزان برای مشارکت فعال در کلاس کاهش یابد و با وجود آنکه معلم از ابزارها و موقعیت‌های متنوع آموزشی بهره می‌گیرد، تعداد کمی از دانش‌آموزان فعالانه و به انتخاب خود دست به یادگیری بزنند.

ع خواهیم دانست!

معلم دارای ذهن باز هرگز گفتن «نمی‌دانم» را نشانه جهل نمی‌داند و درست در نقطه مقابل، زمانی را که فردی تلاش می‌کند پاسخ سؤال دانش‌آموز را بدون درنگ اظهار کند و برای هر پرسشی پاسخ آماده داشته باشد از جمله نشانه‌های جهل می‌داند. هر قدر به گذشته برمی‌گردیم، این ویژگی را از جمله صفات یک معلم موفق می‌یابیم که همه چیز را بداند و بتواند به سؤالات دانش‌آموزان خود پاسخ دهد، اما امروزه نشانه معلم موفق و مؤثر این است که بتواند در برابر پرسش دانش‌آموز خود پرسشی متناسب و راهگشا بیان کند تا او را برای رسیدن به پاسخ هدایت کند و در ضمن عطش و میل به دانستن و پرسیدن را در او زنده نگه دارد. در چنین حالتی، معلم هر پرسش را به پرسش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کند و دانش‌آموز را

برای یافتن پاسخ‌ها و تحلیل سؤال راهنمایی می‌کند.
ع شواهد لازم!

داوری شتابزده نه تنها در کلاس درس، بلکه در تمامی روابط انسانی آفتی تمام عیار است که از مهم‌ترین آسیب‌های آن در کلاس درس، وازدگی دانش‌آموز از یادگیری و همراهی در تربیت و پرورش خواهد بود. برای پرهیز از این ویژگی، لازم است هرگونه قضاوت به بررسی اسناد و مدارک کافی موقوف شود و هر نقد و نظری بدون مدارک ناقص و غیرقابل استناد لحاظ شود. این ویژگی برای معلمان به واسطه حساسیت ارتباط با کودک و نوجوان اهمیت بسیاری دارد، زیرا گاهی قضاوت نابه‌جای آنان ممکن است به تغییر مسیر زندگی دانش‌آموز ختم شود و گاهی امکان جبران آن فراهم نشود.

در این باره، داستان‌ها و تجربه‌های فراوانی در ادبیات ایران و به ویژه متون تعلیم و تربیت دنیا وجود دارد، اما نباید فراموش کرد که قضاوت کردن معلم یک داستان نیست، بلکه از جمله مهارت‌های حرفه‌ای و بایدهای وابسته به حرفه اوست که لازم است در این خصوص توجه لازم را داشته باشد و با تمرین کردن، ذهن خود را از قضاوت پیش‌هنگام و بدون دلیل و مدرک لازم در خصوص اتفاقات اطراف خود و به خصوص دانش‌آموزان خالی کند.

کوتاه سخن

هنگامی که از فعال و کنجکاو بودن ذهن دانش‌آموز سخن به میان می‌آید، برخی آن را عبارتی شعاری و غیرقابل دسترس تلقی می‌کنند و یا ممکن است آن را به اندازه گذران معمول و روزمره کلاس درس خود محدود کنند و به اندازه‌ای که خود در دوره تحصیلشان کنجکاو دریافت کرده‌اند بسنده کنند. امروزه، به‌دادن به کنجکاو یادگیرندگان، از ضروریات یادگیری محسوب می‌شود و تلاش معلم در این مسیر یک توانایی حرفه‌ای است که نیازمند توجه و پرورش است. نباید فراموش کرد که هر چند معلم نتوانسته باشد در طول دوران تحصیل خود از فعالیت ذهنی لازم بهره‌گیری کند، اما لازم است در مقام معلمی، ابتدا به پرورش ذهن خود اقدام کند و در کنار آن شیوه‌های تقویت و به‌کارگیری فعالیت ذهنی دانش‌آموزان را شناسایی و فرایند یاددهی یادگیری را در این مسیر هدایت کند.

برای حصول به چنین مقصودی، علاوه بر اینکه لازم است معلم با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین تدریس تلاش کند تا میزان مشارکت دانش‌آموزان را در یادگیری افزایش دهد، باید برای پرورش ذهن باز در خود و در یادگیرندگان بکوشد تا با تکیه بر آن، دانش‌آموزان بتوانند در محیطی آرام و آزاد یادگیری را تجربه کنند و در آن مشارکت داشته باشند.

* پی‌نوشت‌ها.....

۱. یادگیری فعال، بریان، جی، کرتسی، ترجمه فروغ تن‌ساز، انتشارات مدرسه
۲. روان‌شناسی تربیت و تدریس، علی‌اکبر شعاری‌نژاد، انتشارات اطلاعات، ص ۱۰۰
۳. رشد تکنولوژی آموزشی، دی ماه ۱۳۸۷، نشانه‌های تدریس خوب
۴. سند برنامه درسی ملی، بخش ۴، رویکرد و جهت‌گیری کیفی بند ۴-۲ معلم (مربی)

روش‌های نوین تدریس

تجربه‌ای در کلاس چندپایه



اشاره

یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزش و پرورش که علاقه دانش‌آموزان را به تحصیل و سطح کیفیت آموزش کم می‌کند، به کار نرفتن روش‌های نوین تدریس در موقعیت‌های گوناگون آموزشی توسط بعضی معلمان است. پیشرفت روزافزون علوم و تحقیقات در حیطه‌های گوناگون حاکی از آن است که اطلاعات بشر روز به روز افزایش می‌یابد و مطالب جدیدی به خزانه دانش بشری اضافه می‌شود. امروزه هر فرد ناچار به استفاده از یافته‌های جدید علمی و اطلاعاتی است. در این راستا، معلم نیز باید با روش‌های متعدد تدریس آشنا باشد و بداند در هر موقعیت آموزشی، از چه روشی استفاده کند. آنچه در این مقاله خواهد آمد، نگاهی است کوتاه و گذرا به روش‌های نوین تدریس و ذکر ضرورت و اهمیت کسب مهارت‌های لازم از جانب معلمان.

کلیدواژه‌ها: روش تدریس، طرح و برنامه، روش‌های نوین، کلاس درس

مقدمه

روش محوری

فرعی نامیده می‌شوند.

در این روش نکات زیر مورد توجه است:

الف) ترتیبی باید اتخاذ شود که برای کلیه درس‌های هر پایه، طبق برنامه مصوب، درس محور مورد توجه قرار گیرد.

ب) پایه‌های اول و دوم به مدت ۲۰ دقیقه و پایه‌های بالاتر، با توجه به تعداد مواد درسی، بیش از ۲۰ دقیقه در محور قرار می‌گیرند.

ج) برنامه باید طوری تنظیم شود که وقت معلم کاملاً تقسیم و از بلا تکلیفی دانش‌آموزان جلوگیری شود.

د) تمرینات هر درس بلافاصله بعد از دروس محور گنجانده شوند تا دانش‌آموزان بتوانند برای تثبیت مطالب آموخته شده به تمرین بپردازند و بی‌نظم و بی‌کار نمانند.

در این روش، برای هر پایه درس معینی پیش‌بینی می‌شود؛ به طریقی که حداکثر سه گروه از دانش‌آموزان با فاصله پیش‌بینی شده مستقیماً با معلم کار می‌کنند و برای گروه‌های دیگر درس‌هایی از قبیل خط، نقاشی، املا، انشا، تمرین ریاضیات، تمرین کلمات دارای ارزش املائی و... که نیاز کم‌تری به نظارت مستقیم آموزگار دارند، منظور می‌شوند.

بنابراین، چون اساس کار معلم در هر ساعت با یک یا دو و احتمالاً سه پایه است و پایه‌های معینی در محور کار قرار می‌گیرند، این طریقه را روش محوری می‌نامیم. بقیه پایه‌ها که با تعیین تکلیف به انجام کارهای تمرینی مشغول می‌شوند، گروه خودآموز یا گروه

اگر چه برای اداره و تدریس کلاس‌های چند پایه راه‌های متعددی وجود دارد و هر کدام محاسن و معایبی دارد، اما به گفته یکی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، «همه روش‌ها فقط وسیله هستند». این ما هستیم که باید در صورت ملاحظه شیوه‌های بهتر، خود را در قالب خاصی قرار ندهیم.

در این قسمت، ضمن بررسی ویژگی‌های شیوه‌های مرسوم تدریس در کلاس‌های چندپایه به معرفی روش‌های جدید آموزش در کلاس‌های چندپایه خواهیم پرداخت. در این صورت، ضمن افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری، مهارت‌های اجتماعی آنان نیز رشد قابل توجهی خواهد یافت.

روش گروهی

شیوه دیگری که می‌توان در تدریس کلاس‌های چندپایه به کار گرفت، تدریس درس و موضوع واحد به کلیه پایه‌های موجود در کلاس، در یک جلسه است که روش گروهی نامیده می‌شود.

این روش به دو صورت قابل اجراست:

الف) تدریس ماده درسی واحد به تمام پایه‌ها در یک زمان. در این صورت، معلم درس معینی را یک بار برای کلیه گروه‌های موجود در کلاس درس ارائه می‌کند. پس از ذکر کلیات درس به‌طور مشترک، به تناسب توانایی، اطلاعات قبلی و نیاز دانش‌آموزان هر پایه، توضیحات اختصاصی را جداگانه در گروه‌ها مطرح می‌سازد. این روش برای درس‌هایی مانند نقاشی، خط، هدیه‌های آسمان، قرآن و ورزش در سه پایه نزدیک، مثلاً سوم، چهارم و پنجم قابل اجراست. کاربرد این روش مستلزم رعایت مراحل سه‌گانه اجرای تدریس ماده درسی واحد به صورت هم‌زمان به تمام پایه‌هاست:

۱. انتخاب مفاهیمی که در ماده درسی مورد نظر در همه پایه‌ها ارتباط عمودی داشته باشند.

۲. استخراج اهداف مشترک که جداول توالی عمودی موضوعات درسی و جدول اهداف مشترک را برای استفاده و سهولت در تدریس شامل می‌شود.

۳. تدوین برنامه فعالیت‌های هر یک از گروه‌های دانش‌آموزی.

در روش ترکیب مواد درسی می‌توان موضوعات درسی معین شده در برنامه وزارتی را در چند گروه ترکیب و جزئیات برنامه را در قالب هر گروه درسی تدریس کرد.

ب) تدریس ماده واحد به کلیه پایه‌ها در یک جلسه و به ترتیب نوبت. در این روش، کلیه پایه‌ها در یک جلسه، ماده درسی معینی را به ترتیب نوبت فرا می‌گیرند.

به این ترتیب که معلم در پایه «مثلاً اول»، برای تمام پایه‌ها طرح درس ریاضی را آماده می‌سازد و ابتدا برای یکی از پایه‌ها به صورت محور تدریس می‌کند و پس از تعیین تکلیف، به پایه بعدی می‌پردازد.

محاسن ذکر شده در شیوه گروهی

۱. از آنجا که در یک ساعت درسی همه دانش‌آموزان درس واحدی را آموزش می‌بینند، معلم می‌تواند از برخی وسایل جنبی برای چند

گروه استفاده کند.

۲. با این روش می‌توان دانش‌آموزانی را که در بعضی از درس‌ها عقب‌ماندگی دارند، در پایه پایین‌تر قرار داد تا کمبودشان جبران شود. به دانش‌آموزانی که قوی‌تر هستند نیز فرصت استفاده از درس پایه بالاتر را خواهند داشت.

۳. تدریس ماده واحد در یک جلسه، شانس توجه به همه پایه‌ها را به یک نسبت افزایش می‌دهد، زیرا که زمینه کار معلم در محدوده‌ای است که هر دانش‌آموز می‌تواند به پاره‌ای از نکات مورد علاقه خود گوش فرا دهد. معلم هم فرصت رسیدگی بیشتر را پیدا می‌کند. آنچه در مجموع قابل ذکر است، اینکه معلم باید برنامه را طوری تنظیم کند که قادر باشد هر یک از این روش‌ها را مدتی به تجربه بگذارد و پس از ارزیابی از میزان پیشرفت کار، در صورت نیاز، در شیوه تدریس خود تجدید نظر کند.

شیوه مشترک محوری و گروهی

در این روش، بعضی از درس‌ها به‌صورت گروهی و بعضی با روش محوری تدریس می‌شوند. لذا این روش را مشترک گروهی و محوری نامیده‌اند.

راهنمایی بیشتر برای استفاده از برنامه:

۱. برای کلاس‌های غیرمحور باید قبلاً تکالیف و تمریناتی را به‌صورت کپی روی چند برگ یا نوشتن آن روی تخته یا گفتن به وسیله معلم‌یار و غیر آن پیش‌بینی کرد تا دانش‌آموزان در فاصله تدریس کلاس‌های محور بی‌کار نمانند و کلاس هم بی‌نظم نشود.

۲. بهتر است تخته کلاس را در همه ساعات به دو یا چند قسمت تقسیم کرد (با کشیدن خط) تا



در روش ترکیب مواد درسی می‌توان موضوعات درسی معین شده در برنامه وزارتی را در چند گروه ترکیب و جزئیات برنامه را در قالب هر گروه درسی تدریس کرد

تیم را می توان
گروهی دانست
که در آن هیچ
فردی به اعضا
دستور نمی دهد.
هیچ کدام بدون
توافق سایر اعضا
تصمیم گیری
نمی کند و همه
اعضای مسئولیت
دارند



انجام فعالیت در بچه‌ها ایجاد خواهد کرد.

- تشکیل تصادفی گروه‌ها زمانی صورت می‌گیرد که معلم تشخیص دهد در انجام فعالیت مورد نظر هیچ فرقی ندارد چه کسانی در کنار هم قرار گیرند (همه از عهده کار برمی‌آیند). این روش گروه‌بندی به بچه‌ها یاد می‌دهد که بتوانند با هر کسی خوب کار و ارتباط برقرار کنند. البته توصیه می‌شود تا زمانی که بچه‌ها در کار گروهی مهارت کافی پیدا نکرده‌اند، از این نوع گروه‌بندی استفاده نشود.

برای گروه‌بندی تصادفی روش‌های بسیار زیاد و متنوعی وجود دارد. برای مثال، زمانی که شما ۱۲ دانش‌آموز کلاس دومی دارید و قصد دارید گروه‌های سه نفره تشکیل دهید، می‌توانید ۱۲ مقوای کوچک رنگی را که هر سه تا از آن‌ها به یک رنگ است، در یک قوطی کوچک بریزید و از بچه‌ها بخواهید هر کدام یک کارت بردارند و کسانی که مقواهایشان به یک رنگ است در یک گروه قرار بگیرند. بعد هم برای گروه خود اسم بگذارند و یک نماینده انتخاب کنند. (می‌توان اسم گیاهان، جانوران و گل‌ها را انتخاب کرد).

اعضا تصمیم‌گیری نمی‌کند و همه اعضا مسئولیت دارند. بچه‌ها در تیم به خوبی با هم همکاری و برای رسیدن به موفقیت به هم کمک می‌کنند. در تیم، بچه‌ها موفقیت دوستانشان را موفقیت خودشان می‌دانند و یکدیگر را تشویق می‌کنند.

چگونگی تشکیل گروه‌ها

۱. معلم اعضای گروه را تعیین می‌کند.
 ۲. بچه‌ها به انتخاب خودشان گروه تشکیل می‌دهند.
 ۳. گروه‌ها به طور تصادفی تشکیل می‌شوند.
- چنانچه آموزگار برای انجام فعالیتی خاص تشخیص دهد اگر دانش‌آموزانی با توانایی‌هایی متفاوت در یک گروه قرار بگیرند، کار زودتر پیش خواهد رفت و بچه‌ها سریع‌تر به هدف خواهند رسید، خود شخصاً اعضای گروه را مشخص می‌کند. البته شرایط خاص کلاس‌های چندپایه بیشتر اوقات این روش گروه‌بندی را طلب می‌کند.

- گاهی اوقات معلم از بچه‌ها می‌خواهد خودشان اعضای گروه خود را انتخاب کنند. این روش گروه‌بندی انگیزه بیشتری برای

محل نوشتن تمرینات هر پایه مشخص باشد. اگر امکان تهیه و نصب دو تخته در کلاس وجود داشته باشد، کمک مؤثری به حفظ نظم کلاس و صرفه‌جویی در وقت می‌شود.

۳. قرار دادن دانش‌آموزان کلاس محور در ردیف‌های اول در موقع تدریس، کمک مؤثری به حفظ نظم و سکوت کلاس می‌کند.

۴. در فاصله‌ای که معلم برای کلاس محور تدریس می‌کند، سایر دانش‌آموزان باید تکالیف روز قبل را انجام دهند و یا نگاهی به درس روز بکنند تا نوبت تدریس به آن‌ها فرا برسد.

مزایای یادگیری از طریق همیاری

- حواس دانش‌آموزان بیشتر به درس جلب می‌شود.
- دانش‌آموزان در سطوح بالاتری از یادگیری درگیر می‌شوند.
- اعتماد به نفس دانش‌آموزان تقویت می‌شود.
- حس محبت دانش‌آموزان به معلم بیشتر می‌شود.
- علاقه دانش‌آموزان به مدرسه افزایش می‌یابد.
- دانش‌آموزان برای حل مسائل زندگی توانمندتر می‌شوند.
- معلم از حالت سخنران به یک مدیر یادگیری شاداب تبدیل می‌شود.
- به جای حافظه، نیروی تعقل و تفکر بچه‌ها رشد می‌یابد.
- مطالب درسی مدت بیشتری در ذهن دانش‌آموزان می‌مانند (ضرب یادسپاری افزایش می‌یابد).
- رابطه دانش‌آموزان براساس صمیمیت استوار می‌شود.

فعالیت در تیم و گروه

تیم را می‌توان گروهی دانست که در آن هیچ فردی به اعضا دستور نمی‌دهد. هیچ کدام بدون توافق سایر



نقش تکنولوژی در آموزش و کلاس درس

فن و روش تدریس جدید است. با این نگاه به هدف (هر چند ممکن است برخی هنوز با چنین نگاهی موافق نباشند، اما در کل به صورت گسترده‌ای پذیرفته شده است) اینک می‌توانیم نقش تکنولوژی را بررسی کنیم:

نقش تکنولوژی در کلاس‌های درس حمایت از الگوی جدید آموزش است.

در واقع، نقش تکنولوژی - تنها نقشی که دارد - حمایت از دانش‌آموزان است تا بتوانند با راهنمایی معلم خودآموزی کنند.

تکنولوژی نمی‌تواند و نباید فقط از فن و روش تدریس قدیمی، یعنی گفتن و سخنرانی کردن - مگر در موارد معدودی از قبیل نمایش فیلم و اسلاید - پشتیبانی کند،

گوناگون می‌توان آن را بیان کرد، اما مسیر اصلی از روش تدریس قدیمی یعنی صحبت کردن یا سخنرانی فاصله گرفته و به طرف فن و روش تدریس جدید، یعنی خودآموزی کودک با راهنمایی معلم (ترکیبی از یادگیری دانش‌آموز محور، یادگیری موضوع محور و حضور معلم به عنوان راهنمایی در کنار دانش‌آموز) حرکت کرده است. (آموزش تلفیقی)^۲.

البته این نوع فن و روش تدریس در واقع جدید نیست، اما از نظر بسیاری از معلمان ما^۳ جدید است. هر معلم و مجری آموزشی در حال حاضر در زنجیره‌ای بین الگوهای قدیم و جدید آموزشی در حرکت است. وظیفه دشوار ما سوق دادن هر چه سریع‌تر معلمان به طرف

مدتی طول کشید، اما در نهایت به تعریفی کاربردی، جامع و واحد از تکنولوژی در کلاس درس رسیدیم. دست یافتن به چنین تعریف واحدی مهم است، زیرا تنوع رویکردها و شیوه‌های متفاوت بحث در مورد نقش تکنولوژی، سردرگمی و سرخوردگی اغلب آموزش دهندگان را به دنبال دارد. هر چند شیوه‌های آموزش از کودکان گرفته تا دبیرستان هنوز هم در قرن بیست و یکم به بررسی بیشتری نیاز دارد، اما به عقیده من، یکی از اهداف آموزش مشخصاً پرداختن به فن و روش تدریسی است که کودکان باید بر آن اساس آموزش ببینند. همان گونه که هدف دیگر، تولید برنامه‌های درسی مناسب در قرن بیست و یکم است. هر چند به شیوه‌های

در واقع، وقتی معلم در کلاس درس از الگوی قدیمی «گفتن» و «سخنرانی» بهره می‌گیرد، غالباً نمی‌تواند از تکنولوژی استفاده کند.

ابزاری جدید برای دانش‌آموزان

یکی از دلایل اینکه روش خودآموزی دانش‌آموزان به شیوه اصلی آموختن تبدیل نشد، با وجود داشتن طرفداران بسیار، به خصوص از زمان دیویی^۵ و احتمالاً سقراط^۶، این است که ابزار لازم برای استفاده یادگیرندگان، به قدر کافی فراهم نبود. تقریباً تا این اواخر، تمامی بچه‌ها مجبور بودند با استفاده از کتاب‌های درسی، دایرةالمعارف‌ها، کتابخانه، و پرسش کردن آموزش ببینند. البته این رویکرد برای دانش‌آموزان باهوش مفید بود، اما برای همه دانش‌آموزان خیر.

با اینکه امروزه، تکنولوژی جدید، انواع ابزارهای مفید و جدید را در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار می‌دهند و معلم می‌تواند و باید از آن‌ها استفاده کند و راهنما باشد، ولی این دانش‌آموزان هستند که غالباً از این ابزارها به بهترین شکل استفاده می‌کنند، نه معلمان. از این زاویه، بخشی از مسائلی که قبلاً عجیب به نظر می‌رسیدند، معنا پیدا می‌کنند. در بعضی از مناطق آموزشی آمریکا، تکنولوژی را به سیستم آموزشی خود افزودند (مثلاً با دادن لپ‌تاپ به همه دانش‌آموزان)، اما متوجه شدند که تکنولوژی کمکی به یادگیری کودکان نکرد و در نتیجه آن‌را پس گرفتند. به این ترتیب، این مسئله که چرا معلمان از همان آغاز در مناطق آموزشی مجبور به تغییر روش آموزشی خود نشدند، معنا پیدا می‌کند.

بسیاری از معلمان، در برابر آموختن نحوه استفاده از تکنولوژی مقاومت کردند. این نیز درک شدنی است، باید هم مقاومت کنند، چون قرار نیست آن‌ها از تکنولوژی برای تدریس به دانش‌آموزان استفاده کنند، بلکه این دانش‌آموزان هستند که باید از تکنولوژی به عنوان ابزاری برای آموزش خود بهره بگیرند. نقش معلم نباید فنی و تکنولوژیکی باشد، بلکه معلم باید نقشی روشن‌گرانه بازی کند تا بتواند متن در اختیار دانش‌آموز قرار دهد، او را از کیفیت مطمئن سازد و به دانش‌آموز

کمک اختصاصی برساند.

عموماً دانش‌آموزان (از نظر معلمان) از تکنولوژی در کلاس درس «سوء استفاده» می‌کنند، آن‌گونه که معلمی می‌گوید «آن‌ها از تکنولوژی به عنوان یک وسیله بازی و سرگرمی استفاده می‌کنند». این مسئله نیز درک شدنی است. کودکان در دست‌ان خود ابزار آموزشی قدرتمندی دارند، اما فرصتی برای آموختن نحوه استفاده از آن به آن‌ها داده نمی‌شود. دانش‌آموزان سراسر جهان در برابر الگوی

استفاده کند: «سه علت برای ... وجود دارد. شما ۱۵ دقیقه فرصت دارید که با استفاده از تکنولوژی در اختیار، آن‌ها را بیابید. سپس درباره یافته‌ها بحث می‌کنیم.»

اگر در این باره به توافق برسیم که نقش تکنولوژی در کلاس‌های درسی ما حمایت از فن و روش تدریس جدید است، روشی که براساس آن کودکان با بهره‌گیری از راهنمایی‌های معلم، خودآموزی می‌کنند، می‌توانیم سریع‌تر در مسیری که به هدف منتهی می‌شود، گام برداریم. اما اگر تعاریفی



که افراد از نقش تکنولوژی دارند متفاوت باشد، رسیدن به هدف زمان بیشتری را می‌طلبد. این‌ها بخشی از تلاش عظیمی است که امیدوارم بتوانیم در کنار سایر متفکران آموزشی، به منظور یکسان‌سازی زبان فن و روش تدریس در ارتباط با تکنولوژی، انجام دهیم تا بتوانیم به طرف هدفی واحد حرکت کنیم و انتظارات یکسانی از معلم و دانش‌آموزمان داشته باشیم. البته سخنان من لزوماً بهترین‌ها نیست، اما اگر قرار باشد تغییرات مورد نظرمان را در بازه زمانی معقولی اعمال کنیم، قطعاً کلید این کار سخن گفتن به زبانی مشترک است.

* بی‌نوشت‌ها

1. Marce Prensky
2. Pedagogy (فن و روش تدریس)
۳. ترکیبی از یادگیری دانش‌آموز محور و ...
۴. منظور نویسنده معلمان آمریکایی هستند.
5. Dewey
6. Socrates

قدیمی «سخنرانی» با تمام قدرت مقاومت می‌کنند. زمانی که معلمشان سخنرانی می‌کند، آن‌ها سرشان را پایین می‌اندازند، با دوستان خود نامه رد و بدل می‌کنند و به طور کلی از گوش دادن سر باز می‌زنند. اما همین دانش‌آموزان مشتاق‌اند از فرصتی که در کلاس دارند، برای آموزش خودشان استفاده کنند؛ درست مانند زمانی که بعد از مدرسه، به تنهایی از تکنولوژی برای یادگیری مطالب مورد علاقه‌شان بهره می‌برند.

بنابراین، قبل از وارد کردن تکنولوژی به مدارس، باید قدمی مهم برداریم. لازم است در ابتدا معلمان را مجبور کنیم از سخنرانی دست بردارند؛ و به تدریج به دانش‌آموزان اجازه دهیم خودشان یاد بگیرند. به جای حضور در کلاس درس با طرح درسی آماده که این‌گونه شروع می‌شود «در اینجا سه علت برای ... وجود دارد. لطفاً یادداشت کنید»، معلم باید از این جملات

شناخت ماهیت و تنوع هیجان‌های دانش‌آموزان

اشاره

دکتر راينهارد پکرون^۱ (۲۰۱۴) استاد شخصیت و روان‌شناسی آموزشی دانشگاه مونیخ، در کتابچه آموزشی انجمن بین‌المللی آموزش و پرورش، بیست و چهارمین جزوه که دفتر بین‌المللی یونسکو منتشر و توزیع کرده، به هیجان‌های مربوط به یادگیری اشاره کرده است. پکرون در ۱۰ اصل با عنوان «هیجان‌ها و یادگیری» رهنمودهایی برای معلم‌ها پیشنهاد می‌دهد تا آنان بتوانند از هیجان‌های مثبت برای یادگیری استفاده و از بروز هیجان‌های مضر جلوگیری کنند. از آنجا که شناخت این هیجان‌ها به مدیریت کلاس کمک خواهد کرد، این اصول در چهار بخش معرفی خواهند شد. در این مقاله به دو اصل مرتبط با ماهیت و تنوع هیجان‌های دانش‌آموزان اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت کلاس، هیجان یادگیری، هدایت هیجان‌ها، فنون تدریس، انواع هیجان

مقدمه

تأثیر بگذارند، نحوه انتخاب راهبردهای یادگیری را تعیین کنند و خود تنظیمی یادگیری دانش‌آموزان را نیز تحت تأثیر قرار دهند. هیجان بخشی از هویت فرد است و بر چگونگی شخصیت، سلامت روانی و سلامت جسمانی تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، از منظر تعلیم و تربیت مهم و ضروری است که سلامت هیجانی دانش‌آموزان به عنوان هدفی آموزشی در نظر گرفته شود.

این راهنما شامل ده اصل می‌شود که بر اساس شواهد تجربی تعیین شده‌اند. درجه اهمیت و ترتیب ارائه، بسته به نوع هیجان دانش‌آموزان نسبت به شرایط موجود، متفاوت است. اضطراب اولین هیجان دانش‌آموزان است که پژوهشگران آموزشی به آن توجه گسترده‌ای داشته‌اند؛ پژوهشگران، به خصوص روی اضطراب امتحان در دانش‌آموزان (یعنی اضطراب قبل و بعد از گرفتن آزمون)، تمرکز کرده‌اند. اولین تحقیقات تجربی اضطراب آزمون در دهه ۱۹۳۰ انجام شد. از آن زمان، بیش از ۱۰۰۰ گزارش پژوهش مطالعاتی درباره این هیجان منتشر شده است. در این مقاله، گزارش یافته‌های تحقیقاتی و راهنمای عملی

پکرون (۲۰۱۴)، کلاس درس مکانی عاطفی است و دانش‌آموزان در فضای کلاس غالباً هیجان‌هایی را تجربه می‌کنند. برای مثال، دانش‌آموزان در زمان درس خواندن هیجان زده می‌شوند، امید به موفقیت دارند، در انجام تکالیف احساس غرور و مباهات می‌کنند. در زمان کشف یک راه حل جدید شگفت‌زده می‌شوند. اضطراب مردودی در امتحان را تجربه می‌کنند، از کسب نمره ضعیف احساس شرمندگی می‌کنند یا در زمان ارائه درس خسته می‌شوند.

علاوه بر این، هیجان‌های اجتماعی مانند تحسین، همدلی، خشم، تحقیر و یا حسادت به هم‌سالان و معلمان، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. دانش‌آموزان هیجان‌هایی را به کلاس می‌آورند که به حوادث خارج از مدرسه مرتبط است؛ مانند آشفتگی عاطفی که از استرس درون خانواده ناشی می‌شود، اما تأثیری قوی بر کیفیت یادگیری آنان دارد. همه این هیجان‌ها می‌توانند بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر باشند، حس دقت و توجه دانش‌آموزان را کنترل کنند، بر انگیزه یادگیری آنان



معلم به هنگام تدریس باید از هیجان‌های آموزشی دانش‌آموزان آگاه باشد و از آن‌ها برای تسهیل آموزش و یادگیری استفاده کند

◆ **هیجان‌های معرفت شناختی:** این نوع از هیجان‌ها از مشکلات شناختی ناشی می‌شوند. برای نمونه غافلگیری با یک تکلیف درسی جدید، کنجکاوی، دستپاچگی و ناامیدی برای رفع موانع و لذت بردن در زمان حل مشکل در این گروه از هیجان‌ها قرار می‌گیرند. درک هیجان‌های معرفت شناختی، به ویژه در یادگیری تکلیف درسی غیر معمول و جدید، مهم است.

◆ هیجان‌های موضوعی به موضوعات درس‌های ارائه شده در کلاس مربوط می‌شوند. در این باره، برای نمونه می‌توان از همدلی با سرنوشت یکی از شخصیت‌های به تصویر کشیده شده در یک داستان، اضطراب و نفرت در هنگام برخورد با مسائل پزشکی و یا لذت بردن از یک نقاشی کلاس هنر نام برد. هیجان‌های موضوعی مثبت و منفی می‌توانند علاقه دانش‌آموزان را به مواد آموزشی بیشتر کنند.

◆ هیجان‌های اجتماعی به معلمان و همسالان در کلاس مربوط‌اند. در این باره می‌توان از هیجان‌هایی مثل عشق، همدردی، رحم و شفقت، تحسین، تحقیر، حسادت، خشم و یا اضطراب اجتماعی نام برد. این هیجان‌ها به ویژه در تعامل معلم / دانش‌آموز و در یادگیری گروهی مهم‌اند.

کاربرد در کلاس درس

هیجان‌هایی که ذکر شدند، تأثیر زیادی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دارند؛ بنابراین، مهم است معلمان انواع هیجان را بشناسند و با هیجان‌هایی که دانش‌آموزان تجربه می‌کنند نیز آشنا باشند. معلم

مربوط به اضطراب دانش‌آموزان که از پژوهش‌ها به دست آمده‌اند ارائه می‌شود. ده اصل ارائه شده در سه موضوع اصلی زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

◆ اصل‌های ۱ و ۲ با عنوان «ماهیت و تنوع هیجان‌های دانش‌آموزان» (شناخت هیجان‌ها؛ تفاوت‌های فردی و فرهنگی).

◆ اصل‌های ۳ تا ۶ با عنوان «عملکرد، سوابق، و تنظیم هیجان‌ها» (هیجان‌های مثبت و یادگیری)؛

هیجان‌های منفی و یادگیری؛ اعتمادبه‌نفس؛ ارزش تکلیف درسی و هیجان؛ تنظیم عاطفه).

◆ اصل‌های ۷ تا ۱۰ با عنوان نقش آموزش و پرورش در تعدیل هیجان‌ها، شامل تأثیر معلمان، کلاس‌های درس، مدارس، همسالان و خانواده (تدریس در کلاس و هیجان‌های معلم؛ ساختار هدف و استانداردهای پیشرفت تحصیلی؛ امتحان گرفتن و بازخورد؛ خانواده، همسالان و بهسازی مدرسه).

اصل ۱. شناخت هیجان‌ها

هیجان‌های یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهند. پس به تجربه‌های هیجانی دانش‌آموزان توجه کنید.

یافته‌های پژوهش

تحقیقات نشان داده است، دانش‌آموزان بسیاری از هیجان‌ها را در کلاس به هنگام مطالعه و زمانی که از آن درس آزمون گرفته می‌شود، تجربه می‌کنند. این هیجان‌ها می‌توانند مثبت یا منفی، شدید یا تکرار شونده باشند. برخی هیجان‌ها از محیط خارج از مدرسه به کلاس درس آورده می‌شوند، با این حال، منشأ بسیاری از هیجان‌ها، محیط آموزشی است. چهار گروه از هیجان‌های تحصیلی مربوط به یادگیری دانش‌آموزان عبارت‌اند از:

◆ **هیجان‌های پیشرفت تحصیلی:** این نوع از هیجان‌ها به فعالیت‌های پیشرفت تحصیلی، موفقیت و شکست حاصل از این فعالیت‌ها مربوط‌اند. برای نمونه می‌توان از لذت بردن از یادگیری، امید، غرور و افتخار حاصل از موفقیت، اضطراب و شرم مربوط به شکست در محیط تحصیلی، و از هیجان پیشرفت تحصیلی نام برد.

امری خصوصی در نظر می‌گیرند و نمی‌خواهند آن را به اشتراک بگذارند. به خصوص هیجان‌هایی که به اعتماد به نفس دانش‌آموزان مثل شرم از مردود شدن در امتحان مربوط است.

بنابراین، ممکن است شما به راحتی نتوانید هیجان‌های دانش‌آموزان خود را ارزیابی کنید. در واقع، تحقیقات نشان داده است، قضاوت معلمان از هیجان‌های دانش‌آموزان می‌تواند بسیار متفاوت‌تر از نظر خود دانش‌آموزان باشد.

برای مقابله با این مشکل، ایجاد رابطه اعتماد آموز با دانش‌آموزان آن‌ها را قادر می‌سازد هیجان‌هایشان را به اشتراک بگذارند. همچنین، می‌توان از گزارش‌های خود دانش‌آموزان که بی‌نام هستند استفاده کرد. برای مثال، در این باره می‌توان از برگه‌های خود گزارش‌دهی بدون نام و ناشناس برای دریافت بازخورد استفاده کرد تا متوجه شد آیا دانش‌آموزان از درس دادن معلم راضی هستند؟ برای مثال، زمانی که دانش‌آموزی نمی‌خواهد درباره آزمونی صحبت کند و دچار اضطراب زیادی است، می‌توان قضاوت دیگران مثل والدین دانش‌آموز را جویا شد. علاوه بر این، ارزیابی نظام‌مندتر می‌تواند توسط کارشناسان حرفه‌ای مانند روان‌شناسان مدارس، که برای انجام ارزیابی هیجان‌ها با کیفیت بالا آموزش دیده‌اند، انجام گیرد. به‌طور کلی، هنگام به کار بردن هر یک از این گزینه‌ها، باید مراقب باشید بین نیاز برای کمک شما به دانش‌آموزان و حق دانش‌آموزان برای خصوصی نگه داشتن هیجان‌ها، به تعادلی منطقی و معقول برسید.



اصل ۲. تفاوت‌های فردی و فرهنگی

یگانگی فرهنگی و فردی هیجان‌های دانش‌آموزان را در نظر بگیرید.

یافته‌های پژوهش

هیجان‌ها، شامل تجارب ذهنی می‌شوند که در افراد متفاوت‌اند. هر دانش‌آموز، حتی در موقعیتی مشابه، ممکن است هیجان‌های متفاوتی را تجربه کند. برای مثال، دانش‌آموزی ممکن است هنگام انجام تکلیف روزانه ریاضیات هیجان زده شود، در حالی که دانش‌آموز دیگری احساس ناامیدی کند. این تفاوت‌های فردی به فرهنگ، قومیت، جنسیت، عضویت در مدرسه و عضویت کلاس مربوط می‌شوند. تحقیقات نشان داده است، میانگین اضطراب آزمون، به طور نسبی در دانش‌آموزان برخی از کشورهای عربی و شرق آسیا، در مقایسه با دانش‌آموزان کشورهای

می‌تواند برای درک هیجان‌های دانش‌آموزان از تجربه‌های هیجانی خودش استفاده کند یا خاطراتی از هیجان‌هایی را که خود به عنوان دانش‌آموز تجربه کرده است یادآوری کند یا به طور متناوب سعی کند با دانش‌آموزانش درباره انواع هیجان آن‌ها صحبت کند. برای مثال، از بحث گروهی در کلاس می‌توان برای به اشتراک گذاشتن تجربه‌های عاطفی استفاده کرد. با ایجاد رابطه اعتماد آموز با دانش‌آموزان، آن‌ها می‌توانند هیجان‌هایشان را به اشتراک بگذارند.

با این حال، آگاه باشید هر گونه ارزیابی معلم از هیجان دانش‌آموزان می‌تواند به ایجاد تضاد بین نیاز به دانستن بیشتر درباره هیجان‌های دانش‌آموزان و حق آنان برای آشکار نکردن آن‌ها منجر شود. گاهی دانش‌آموزان تجربه‌های عاطفی خود را به عنوان

از برچسب زدن هیجانی به دانش‌آموزان خودداری کنید. بلکه به آنان کمک کنید که از دلیل هیجان‌های خودشان آگاه شوند



**هیجان‌ها، شامل
تجارب ذهنی
می‌شوند که در
افراد متفاوت‌اند.
هر دانش‌آموز،
حتی در موقعیتی
مشابه، ممکن
است هیجان‌های
متفاوتی را تجربه
کند**

قومیت، جنس، مدرسه و کلاس درس قرار می‌گیرد و به آن وابسته است.

چون واکنش‌های هیجانی می‌تواند حتی در میان دانش‌آموزان با جنسیت و عضویت در کلاس مشابه، متفاوت باشد، بهتر است از به کار بردن عبارات کلیشه‌ای مرتبط با عضویت گروهی، مانند ترس دختران از ریاضی، خودداری شود. هیجان ممکن است برای موضوعات درسی و در زمان‌های مختلف، حتی برای هر دانش‌آموز، متفاوت باشد، مثلاً اشتباه است فرض کنیم دانش‌آموزان همیشه برای هر موضوع درسی سطح مشابهی از اضطراب امتحان را تجربه می‌کنند. در واقع، ممکن نیست از اضطراب دانش‌آموز در ریاضیات بتوان پی برد که او برای زبان، نیز نگران است و یا برعکس. از آنجا که میزان اضطراب به طور قابل ملاحظه‌ای بین هر موضوع درسی در مدرسه متفاوت است، این می‌تواند گمراه کننده باشد از این لحاظ که فکر کنیم دانش‌آموزان به‌طور کلی اضطراب آزمون دارند یا اضطراب آزمون ندارند. به این دلایل، معلمان نباید از این کلیشه که هر دانش‌آموز برای موضوعات گوناگون درسی و موقعیت‌های تحصیلی همیشه با یک احساس مشابه واکنش نشان می‌دهد، استفاده کنند. برچسب زدن به دانش‌آموز با عنوان «مضطرب»، «خسته» یا «مشتاق» با توجه به واکنش‌های هیجانی او درباره موضوع درسی خاص کاملاً گمراه کننده است. در عوض، با شناسایی موقعیت و وظایف خاص دانش‌آموزان که به لذت بردن از درس می‌انجامد و به دانش‌آموزان کمک می‌کند ظرفیت و توانایی خود را برای تجربه هیجان‌های مثبت (با شناسایی نقاط قوت عاطفی خاص خود) افزایش دهند. از واکنش‌های هیجانی آنان به طور مثبت استفاده کنید.

غری، نسبتاً بالاتر است. همچنین، میانگین اضطراب امتحان در دانش‌آموزان دختر بالاتر از دانش‌آموزان پسر است. با این حال، تفاوت بین هیجان‌هایی که دانش‌آموزان دارای یک فرهنگ مشترک تجربه می‌کنند، خیلی بیشتر از تفاوت آن در فرهنگ‌های مختلف است. مشابه این نتیجه، تفاوت در بین یک جنس دانش‌آموزان دختر یا دانش‌آموزان پسر، بیشتر از تفاوت بین دو جنس دختر و پسر است. همین واقعیت برای قومیت، عضویت در مدرسه و عضویت در کلاس نیز صادق است، زیرا بسیاری از تفاوت‌های بین دانش‌آموزان، به یگانگی هیجان‌های فردی آنان مربوط است که نمی‌توان با عضویت در گروه آن را توضیح داد. همچنین، دانش‌آموزان در چگونگی واکنش هیجانی به موضوعات متفاوت درسی مدرسه نیز تفاوت‌هایی دارند. برای مثال، یک دانش‌آموز ممکن است از ریاضیات لذت ببرد، اما از آموزش زبان خسته شود، در حالی که دانش‌آموز دیگر ممکن است از ریاضیات خسته شود، اما از زبان لذت ببرد. هیجان‌هایی که در موضوعات مشابه (مانند ریاضیات و علوم) تجربه می‌شوند، غالباً مشابه‌اند، اما هیجان‌هایی که در موضوعات متفاوت (مانند ریاضیات در مقابل زبان) تجربه می‌شوند، می‌توانند کاملاً متفاوت باشند. تفاوت بین هیجان‌ها درباره موضوعات درسی در دوره‌های تحصیلی مختلف بیشتر می‌شود. هرچه دانش‌آموز به دوره‌های تحصیلی بالاتر می‌رود تفاوت بیشتر است. تفاوت‌ها در دانش‌آموزان دبیرستانی آشکارترند. دلیل آن در اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان و علاقه‌های آنهاست که غالباً در بین موضوعات درسی مختلف متفاوت است. بنابراین، هیجان‌هایی که تحت تأثیر اعتمادبه‌نفس و علاقه‌ها قرار دارند، مانند لذت بردن از یادگیری یا اضطراب، می‌توانند متفاوت باشند. در نهایت، هیجان می‌تواند در طول زمان تغییر کند. ثبات عاطفی نیز در طول زمان بین دانش‌آموزان متفاوت است.

در کلاس درس

مهم است بدانید، هیجان‌ها دو ویژگی جهانی و فردی یا یگانگی دارند. برای مثال، لذت بردن از یک درس، تجربه‌ای دلپذیر برای تمام دانش‌آموزان سراسر جهان است. با این حال، محتوا و مطالب درس، سختی درس، طول مدت کلاس و تناوب برگزاری کلاس و لذت بردن از درس می‌تواند بین دانش‌آموزان متفاوت باشد. معلم باید از این واقعیت آگاه باشد که تنها بخش کوچکی از این تفاوت‌های فردی در پوشش فرهنگ،

* پی‌نوشت

I.Pekron

مقدمه

معلم خوب در شرایط محدود هم می‌تواند مؤثر واقع شود. اما شکی نیست که فضا و تجهیزات آموزشی مناسب، در کیفیت تدریس معلم بسیار مؤثر است. دو مدرسه را در نظر بگیریم، اولی از فضای آموزشی، تجهیزات پیشرفته و فناوری مجهز روز بهره‌مند است و دومی از این امکانات محروم است. آیا فعالیت آموزشی و پیشرفت شاگردان در این دو محیط به‌طور یکسان انجام خواهد گرفت؟ بدیهی است، استفاده مناسب و بهینه از فناوری‌های جدید، مستلزم توجه به شرایط، محیط و اهداف آموزشی است.

اهمیت فناوری‌های نوین در آموزش

باید قبول کنیم، امروز در فضایی قرار داریم که تعاملات و خرید و فروش، گفت‌وگو، سرگرمی و بسیاری از امور بشری در فضای مجازی انجام می‌شوند. فضایی که خواه ناخواه دانش‌آموزان هم وارد آن می‌شوند و به عنوان شهروند باید از امکانات فناورانه آن استفاده کنند. فناوری اطلاعات از جدیدترین فناوری‌هاست که تقریباً در تمامی عرصه‌های بشری نفوذ کرده است. نمود آن را می‌توان در رادیو و تلویزیون، مطبوعات و اینترنت دید که جهانی به نام جهان مجازی، فضای دیجیتال و فضای سایبری را به‌وجود آورده است. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات قابلیت‌ها و امکانات فراوانی را در اختیار معلمان و برنامه‌ریزان درسی قرار می‌دهد و بستر مناسبی برای تعاملات بین فرهنگ‌ها و اقوام به‌وجود می‌آورد. تحقیقات نشان می‌دهند، وسایل آموزشی مناسب در انتقال و تفهیم و تأثیر مفاهیم نقش مؤثری دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. اساس قابل لمس برای تفکر فراهم می‌کنند و سبب می‌شوند شاگردان کمتر به مفاهیم انتزاعی متوسل شوند؛

فناوری‌های نوین آموزشی و فرصت‌های یادگیری

اشاره

هر نوع تغییر و تحول در عرصه‌های گوناگون، از جمله عرصه آموزشی و فرهنگی، آثار و تبعاتی را به دنبال خواهد داشت. یکی از اهداف تعلیم و تربیت در قرن بیست و یکم، بهره‌مندی از شیوه‌های مناسب آموزش و یادگیری در هر زمان و مکان است. استفاده از فناوری‌های جدید آموزشی، تأثیرات مثبتی در آموزش، تدریس، ارزشیابی معلم و روحیه پژوهشگری، تفکر و خلاقیت دانش‌آموزان دارد. هدف از نوشتن این مقاله، ذکر اهمیت فناوری‌های نوین در آموزش و تغییرات مثبت ناشی از کاربرد آن‌ها در روش‌های تدریس و ارزشیابی است.

کلیدواژه‌ها: فناوری نوین، اینترنت، اطلاعات و ارتباطات

فناوری اطلاعات از جدیدترین فناوری‌هاست که تقریباً در تمامی عرصه‌های بشری نفوذ کرده است

تفکر، تأمل، بحث و گفت‌وگو نیاز دارد. این کاری است که شاگرد به کمک معلم می‌تواند انجام دهد تا بتواند از میان انبوه اطلاعات به‌گزینش و انتخاب دست بزند و آن‌ها را به نحو مطلوب ترکیب و سازمان‌دهی کند. از طرف دیگر، حتی اگر فرد فقط به مطالب و اطلاعات مفید دست یابد که معمولاً چنین نیست، دیدن سایت‌ها، فیلم‌ها و مطالب آموزشی مفید نیز به تنهایی به تربیت منجر نمی‌شود، بلکه تربیت به تعامل بین مربی و متربی و توسعه آگاهی متربی و ارائه بازخورد احتیاج دارد (مظفری‌پور، ۱۳۹۳: ۱۴). بنابراین، باید در فضای آموزشی اهداف تدریس تحقق یابد و شاگردان به تفکر انتقادی، فهم شخصی، ارزیابی از خود، عزت نفس و مهارت‌های بالای شناختی و شخصیتی دست پیدا کنند. با ورود فناوری‌های نو در آموزش و پرورش، از جمله کسانی که باید خود را با این فناوری‌ها وفق دهند، معلمان هستند. آن‌ها باید تغییر کنند و شروع این تغییر باید در طرز تفکر آن‌ها صورت گیرد. فراموش نکنیم که آموزش‌های لازم را باید فرا گیرند. با این حال، فرصت‌هایی برای معلمان به‌وجود می‌آیند. از جمله اینکه اطلاعات آن‌ها افزایش می‌یابد و می‌توانند کنترل یادگیری دانش‌آموزان را به دست بگیرند و به‌عنوان راهنما، انسان‌هایی متفکر و آشنا به فناوری تربیت کنند.

♦ **تأثیر فناوری بر روش‌های تدریس:** فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس ما می‌تواند تدریس موضوعات



۲. سبب ایجاد علاقه در یادگیری می‌شوند؛
۳. ضمن فراهم ساختن پایه‌های لازم برای یادگیری تدریجی و تکمیلی، تجارب حقیقی و واقعی را در اختیار شاگردان قرار می‌دهند؛
۴. در توسعه و رشد معنا در ذهن شاگردان مؤثرند و به گسترش دامنه لغات آنان کمک می‌کنند؛
۵. تجاربی در اختیار شاگردان قرار می‌دهند که در نتیجه به تکامل و افزایش عمق و میزان یادگیری می‌انجامند. (شعبانی، ۱۳۸۱: ۱۸۹)

بنابراین، با ورود فناوری، فرهنگ یاددهی یادگیری در نظام آموزشی ما متحول می‌شود. سبک سنتی و تکیه بر محفوظات عوض می‌شود. روش‌های تدریس فعال می‌شود و با انعطاف لازم، دانش‌آموز در محور کار قرار می‌گیرد.

♦ **فناوری نوین و سند تحول آموزش و پرورش:** در فصل دوم از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر جایگاه و نقش رسانه و فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری‌های هوشمندانه از آن‌ها و مواجهه فعال و آگاهانه برای پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب آن‌ها تأکید شده است. در فصل ششم، بهره‌مندی از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، بیان شده است. بنابراین، در برنامه‌های درسی تربیت معلم باید به آموزش این فناوری همت گمارد. یعنی علاوه بر ارائه دانش محتوایی و تربیتی، از دانش فناورانه برای برقراری ارتباط و تسهیل یادگیری در تدریس استفاده شود تا معلمان با آمادگی لازم در کلاس درس حضور پیدا کنند.

♦ **تأثیر فناوری‌های نوین بر دانش‌آموزان:** خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و یادگیری دانش‌آموزان جهت‌دار و مداوم می‌شود. دانش‌آموزان به زبان انگلیسی تسلط پیدا می‌کنند و یاد می‌گیرند اطلاعات خود را از طریق شبکه‌های اطلاعاتی استخراج کنند، یافته‌های خود را برای حل مسائل و مشکلات زندگی خود و جامعه به کار برند، از منابع علمی جهان بهره ببرند و اطلاعات خود را به‌روز کنند. در عین حال، شرايطی فراهم می‌شود تا دانش‌آموزان در المپیادهای جهانی شرکت و موفقیت بیشتری کسب کنند.

♦ **تأثیر فناوری‌های نوین بر معلمان:** کار معلم کمک به تولید دانش در ذهن دانش‌آموز است. این کار با پر کردن ذهن دانش‌آموز از اطلاعاتی از منابع گوناگون حاصل نمی‌شود، بلکه به سازمان‌دهی، طبقه‌بندی،

دانش‌آموزان را برای عصر اطلاعات آماده کند. این مدرسه مشوق یادگیری است و ضمن ایجاد شرایط لازم، به نیاز دانش‌آموزان و تفاوت‌های فردی آن‌ها اهمیت می‌دهد و اطلاعات دانش‌آموزان را برای انتخاب رشته و شغل افزایش می‌دهد. در این مدارس، آموزش‌های چندرسانه‌ای شامل فیلم و اسلاید و صدا انجام می‌شود و تمرین‌های اضافی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود. دانش‌آموزان از فضای مجازی اینترنت استفاده می‌کنند و با آزاد بودن زمان کلاس از انبوه اطلاعاتی که آن‌ها را احاطه کرده است، به طرز معناداری استفاده می‌کنند، درگیر یادگیری می‌شوند و با احساس شایستگی و توانایی، در مسائل محاسباتی به دوستان، والدین و معلمان کمک می‌کنند.



نتیجه: استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش، فرصت‌ها، ارتباطات، قابلیت‌ها و امکانات فراوانی را در اختیار معلمان و برنامه‌ریزان درسی مدارس و دانش‌آموزان قرار می‌دهد. بر حس کنجکاوی، خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان می‌افزاید و فراگیرندگان را انسان‌هایی متفکر و آشنا به فناوری تربیت می‌کند. مدرسه بستر مناسبی برای تعاملات بین فرهنگ‌ها می‌شود و یادگیری معنی‌دار و پردوام می‌شود. روش‌های تدریس و ارزشیابی دگرگون می‌شود. برای همگام شدن با فناوری‌های نوین آموزشی و استفاده از فرصت‌های پیش‌رو، پیشنهاد می‌شود فناوری در خدمت آموزش قرار گیرد تا فرصت یادگیری برای کلیه دانش‌آموزان فراهم شود. هر چند آموزش را باید از زمان کودکی، به ویژه در دوره‌های ابتدایی، شروع کرد و دانش‌آموزان باید برای جمع‌آوری اطلاعات به رسانه‌های گوناگون مراجعه کنند، معلمان می‌توانند در نقش تشویق‌کننده عمل کنند. و می‌توانند آموزش‌های لازم را برای کار با فناوری ببینند تا ترس و واهمه‌ای از کاربرد آن نداشته باشند.

* منابع

۱. باقری، حسین (۱۳۹۴). «هفت نکته مهم برای استفاده از فناوری در مدارس». رشد تکنولوژی آموزشی، دوره ۳۱، شماره ۲۵۰.
۲. بصیری، منسوب (۱۳۹۱). «برنامه مدرسه آینده». رشد مدرسه فردا، دوره ۹، شماره ۶۵.
۳. سرکارزانی، محمدرضا (۱۳۸۳). یادگیری راهی به بسوی پر کردن شکاف دیجیتال، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
۴. شعبانی، حسن (۱۳۸۱). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت). تهران.
۵. قیسوندی، حمید؛ و نبی، سعادی؛ باغی، محمد (۱۳۹۳). «فناوری نوین و مدارس هوشمند». رشد تکنولوژی آموزشی، دوره ۳۰، شماره ۲۴۴.
۶. کاردان، علیمحمد (۱۳۹۲). سیرارای تربیتی در غرب. سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت). تهران.
۷. لری، روزن (۱۳۹۰). «آموزش به نسل آینده». ملک شیبا. رشد مدرسه فردا، دوره ۸، شماره ۶۰.

درسی را جالب‌تر و غنی‌تر سازد. امکان بیشتری برای مشاهده، بحث و تجزیه و تحلیل و فرصت‌های بیشتری برای برقراری ارتباط و همکاری مهیا سازد و به‌عنوان ابزار، استقلال بیشتری در تحقیقات علمی به دانش‌آموزان بدهد. با ورود فناوری‌های نوین آموزشی به مدارس، روش‌های تدریس دگرگون می‌شوند و با پرورش دانش‌آموزان پژوهنده، سرعت یادگیری افزایش می‌یابد. در این فضا، خلاقیت دانش‌آموزان بروز می‌یابد و از توانمندی اولیا استفاده می‌شود. ساعات یادگیری به مدرسه محدود نمی‌شود و روحیه پژوهشگری در دانش‌آموزان افزایش می‌یابد.

◆ تأثیر فناوری بر ارزشیابی دانش‌آموزان: هنگام

استفاده از فناوری در آموزش، ارزشیابی بر مبنای فرآورده‌های آموزشی و پیشرفت بر مبنای کوشش و رشد خلاقیت تغییر می‌یابد. معلمان به تهیه و توزیع آزمون‌های الکترونیکی و رایانه‌ای و ضبط و تجزیه و تحلیل مطالب با استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای می‌پردازند. یکی از راهکارهای ادغام و تلفیق فناوری‌ها و محیط‌های نرم‌افزاری با ارزشیابی، ارائه مجموعه‌ای از تکالیف مبتنی بر کاربرد فناوری‌هاست. نتایج تکالیف‌های فردی و گروهی می‌توانند روی محیط اکسل، ورد، پاورپوینت یا هر نرم‌افزار دیگری ذخیره شوند یا به صندوق الکترونیکی معرفی شده ارسال شوند و یا در همان جلسه به دانش‌آموزان بازخورد داده شود تا ارزشیابی به نوعی ترکیبی و تحولی باشد. به این ترتیب، اگر آنان در یادگیری قبلی خود نقصی داشتند، برطرف می‌کنند و سپس گام‌های بعدی را برای یادگیری برمی‌دارند.

◆ تأثیر فناوری بر ساختار مدرسه: مدرسه‌ای

که به فناوری‌های نوین آموزشی مجهز باشد، مؤسسه‌ای آموزشی است که می‌تواند فرایند یادگیری

استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش، فرصت‌ها، ارتباطات، قابلیت‌ها و امکانات فراوانی را در اختیار معلمان و برنامه‌ریزان درسی و دانش‌آموزان قرار می‌دهد

بازی شناخت خواص آهن ربا

مخاطبان: دانش‌آموزان دوره ابتدایی و آموزگاران ابتدایی

موضوع: فیزیک

هدف: درک خاصیت آهن‌ربایی آهن‌ربا - شناخت قطب‌های آهن‌ربا و میدان آهن‌ربایی

دارند، تفاوت کشش براده‌ها را در دو طرف مشاهده کرد که کدام قوی‌تر و یا ضعیف‌ترند. دانش‌آموز می‌تواند خودش این وسیله را در دست بگیرد و آزمایش‌های لازم را انجام دهد، بدون اینکه براده‌های آهن‌ربا در کلاس پخش شوند. همچنین براده‌ها به خود آهن‌ربا نمی‌چسبند.

دهید. خطوط نیرو و میدان مغناطیس را به آن‌ها نمایش و درباره‌شان توضیح دهید. با دور کردن آهن‌ربا، براده‌ها شکل نامنظم به خود می‌گیرند و می‌توان دوباره براده‌ها را به مخزن و جایگاه اولیه‌شان باز گرداند. حال می‌توان با نزدیک کردن آهن‌رباهایی که قدرت و نیروی آهن‌ربایی متفاوتی

مواد مورد نیاز

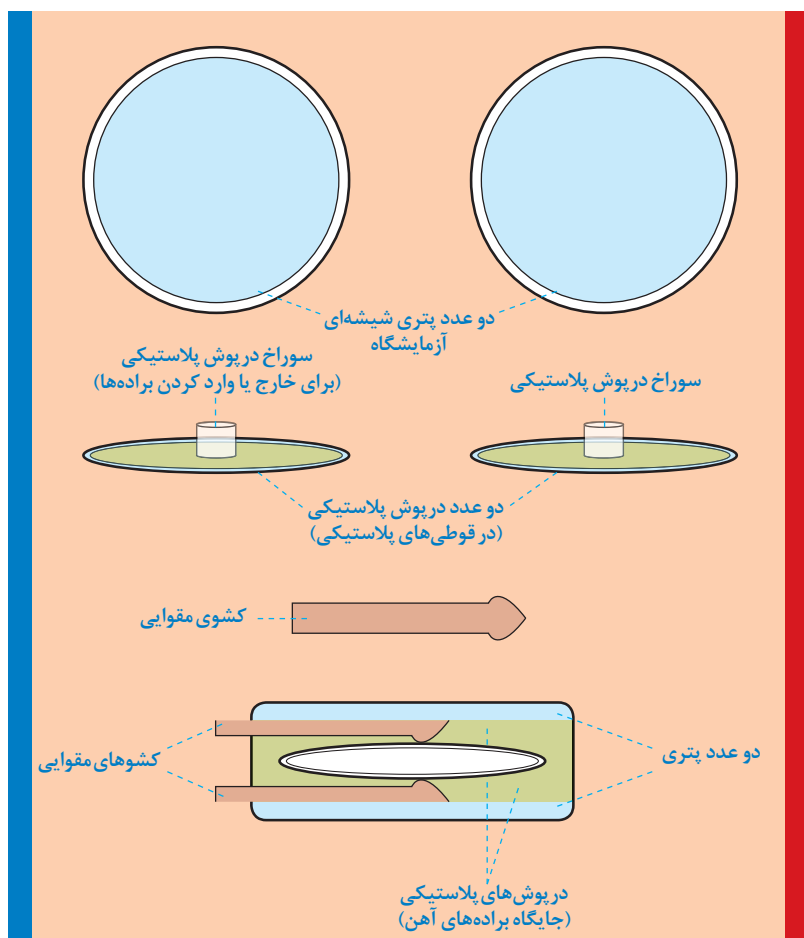
۱. دو عدد پتری شیشه‌ای آزمایشگاهی
۲. دو عدد در قوطی پلاستیکی (متناسب با اندازه قطر دهانه پتری‌ها)
۳. مقداری براده آهن
۴. مقداری مقوا
۵. تعدادی آهن‌ربا با قدرت‌ها و شکل‌های متفاوت

نحوه ساخت

۱. ابتدا سوراخی در وسط هر کدام از در قوطی‌های پلاستیکی ایجاد کنید.
 ۲. سپس با یک تکه مقوا برای پوشش این سوراخ (هنگام باز و بسته شدن آن) کشویی تعبیه کنید، به طوری که از خارج درپوش پلاستیکی قابل کنترل باشد.
 ۳. داخل درپوش‌های پلاستیکی براده آهن بریزید و آن‌ها را داخل پتری‌ها فرو ببرید و با چسب محکم کنید.
 ۴. هر دو پتری را روی هم بگذارید و چسب بزنید.
- کشوها را فقط در هنگام آزمایش باز می‌کنیم. وسیله آماده است.

نحوه استفاده

برای استفاده از این وسیله چند آهن‌ربا به شکل‌های متفاوت مثل ستاره‌ای، میله‌ای، U شکل، حلقوی، نیم‌دایره و با قدرت‌های متفاوت (ضعیف و قوی از لحاظ نیروی آهن‌ربایی) نیاز است. یکی از کشوها را بکشید تا باز شود. آهن‌ربا را به پتری بچسبانید. شکل زیبایی طیف آهن‌ربایی را به دانش‌آموزان نشان



ضرورت گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس

همسویی با سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی

اشاره

کشور ما در راستای تحولات جهانی، چشم‌اندازی را در برنامه ۲۰ ساله برگزیده است تا در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی) در منطقه به کشوری رشد یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی - علمی و فناوری، با حفظ هویت اسلامی و انقلابی، و الهام‌بخش در جهان اسلام، همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی، تبدیل شود. بنابراین، ضروری است نظام آموزشی براساس برنامه چشم‌انداز، سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی، و براساس رویکرد دانایی محور، حرکت خود را برای تبدیل کردن جامعه ایران به جامعه‌ای دانش بنیان و پیشرفته و مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات که محور توسعه همه‌جانبه است، آغاز کند. در این راه پر فراز و نشیب و برای رسیدن به پیشرفت و توسعه همه‌جانبه، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس همانند بستری است که راه رسیدن به اهداف نظام آموزشی را تسهیل و در نهایت جامعه را در رسیدن به سر منزل مقصود یاری می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فناوری اطلاعات و ارتباطات، تکنولوژی‌های نوین، آموزش تعاملی، آموزش الکترونیک، سند تحول بنیادین، برنامه درسی ملی

مقدمه

این‌گونه مدارس به کمک رایانه و از طریق شبکه‌هایی مانند اینترنت، اینترنت و اکسترانت و به صورت تعاملی و چند رسانه‌ای ارائه می‌شود. به عبارت دیگر، محتوای برنامه‌های درسی با استفاده از صدا، تصویر، متن، فیلم و ... ارائه می‌شود. با بهره‌گیری از تعامل و ارتباطات دوسویه و چندسویه بین معلم و شاگرد یا شاگردان و ... کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری به بالاترین سطح خود می‌رسد و این نیست مگر هدفی که آموزش و پرورش از بدو ایجاد به دنبال آن بوده و هست.

فناوری‌های نوین در بستر اسناد بالادستی

یکی از اهداف عالی نظام تعلیم و تربیت، افزایش کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و رشد علمی و فرهنگی آنان است. لذا جهت‌گیری برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت وزارتخانه آموزش و پرورش در راستای شعار حماسه اقتصادی می‌تواند در این مقوله قابل بحث باشد. آموزش و پرورش به دنبال سیاست‌های ابلاغی بالادستی

در عصر حاضر، فناوری اطلاعات و ارتباطات از مؤثرترین مؤلفه‌هایی است که ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده و سبک زندگی افراد را تغییر داده است. تعلیم و تربیت در معنای اخص خود بی‌تأثیر از این تغییرات نیست. رشد و گسترش این حوزه از دانش بشری مدیون نظام آموزشی است. همچنین، نظام آموزشی از این تکنولوژی بهره می‌گیرد. امروزه شکل سنتی کلاس‌های درس رو به افول است و روز به روز بر تعداد مدارس هوشمند افزوده می‌شود. مدارس هوشمند مدرسی هستند که با داشتن امکانات ارتباطی کافی و با اتصال به شبکه‌های ملی و جهانی، دسترسی معلم و دانش‌آموز را به منابع عظیمی از محتوای علمی و آموزشی فراهم می‌سازند.

اهمیت و ضرورت کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس که بستری است برای پیشرفت علمی آموزش و پرورش، از آن جا ناشی می‌شود که آموزش در

مدارس هوشمند
مدارسی هستند
که با داشتن
امکانات ارتباطی
کافی و با اتصال به
شبکه‌های ملی و
جهانی، دسترسی
معلم و دانش آموز
را به منابع عظیمی
از محتوای علمی
و آموزشی فراهم
می‌سازند



بر استفاده از ظرفیت چند رسانه‌ای تا پایان برنامه پنجم توسعه.

◆ **بند ۳/۱۷:** اصلاح و به روزآوری روش‌های تعلیم و تربیت با تأکید بر روش‌های فعال، گروهی و خلاق، با توجه به نقش الگویی معلم.

◆ **بند ۴/۱۷:** گسترش بهره‌برداری از ظرفیت آموزش‌های غیر حضوری و مجازی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی ویژه معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی در خارج از کشور، بر اساس نظام معیار اسلامی و با رعایت اصول تربیتی از طریق شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات.

مأموریت حوزه‌های درگیر در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی آموزش و پرورش همانند واحدهای فناوری، پژوهش و آموزش براساس این بخش از سند تحول بنیادین را می‌توان چنین توصیف کرد:

«فراهم آوردن امکان دسترسی مناسب همه اقشار جامعه به فناوری اطلاعات و آموزش فراگیر جامعه و تربیت منابع انسانی متخصص برای به کارگیری آن در همه ابعاد زندگی و ایجاد فضای رقابتی خلاق برای سازمان‌دهی جامعه شبکه‌ای و هوشمند که موجب تغییر الگو و روند توسعه ملی از منابع پایه به دانش پایه و شهروندان مسئولیت‌پذیر بالنده در تحصیل ارزش، جهت رفع شکاف دیجیتالی ملی با جامعه جهانی شد.» (کیارشی و دیگران: ۱۳۹۱).

فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه درسی ملی

برنامه درسی ملی نیز که حاصل سال‌ها مطالعه و تلاش صاحب‌نظران عرصه تعلیم و تربیت است، بر موضوع کار و فناوری، به عنوان یکی از حوزه‌های تربیت و یادگیری،

خود از جمله برنامه افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، سند تحول بنیادین در نظام آموزشی و برنامه درسی ملی، با رشد و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس، در جهت این هدف اصلی گام برمی‌دارد. دولت نیز در مصوبه‌ای وظایف و فهرست خدمات الکترونیکی نهادهای گوناگون از جمله آموزش و پرورش را مشخص کرده است. در این مصوبه، حرکت در جهت آموزش مجازی و گسترش تولید و کاربرد نرم افزارهای چند رسانه‌ای، دو حوزه کاری وسیع است که آموزش و پرورش باید در این جهت حرکت کند (ویژه‌نامه معرفی خدمات الکترونیکی دستگاه‌ها و سازمان‌ها، چهارمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال).

فناوری اطلاعات و ارتباطات در سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش نیز در همین راستا، بر ارتقای کیفیت فرایند تعلیم و تربیت با تکیه بر استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین، در چهار بند به شرح زیر تأکید کرده است.

◆ **بند ۱/۱۷:** توسعه ضریب نفوذ شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (اینترنت) در مدارس با اولویت پر کردن شکاف دیجیتالی بین مناطق آموزشی و ایجاد سازوکار مناسب برای بهره‌برداری بهینه و هوشمندانه توسط مربیان و دانش‌آموزان در چارچوب معیار اسلامی.

◆ **بند ۲/۱۷:** تولید و به کارگیری محتوای الکترونیکی متناسب با نیاز دانش‌آموزان و مدارس با مشارکت بخش دولتی و غیر دولتی و الکترونیکی کردن محتوای کتاب‌های درسی بر اساس برنامه درسی ملی با تأکید

کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش‌های الکترونیکی مستلزم زیرساخت‌هایی است که بتواند امکان ارتباط از طریق خطوط تلفن، امواج ماهواره‌ای، فیبر نوری و... را بین مدارس در شهرها و روستاها فراهم و تسهیل کند

تأکید کرده است. در این برنامه تأکید می‌شود که حوزه کار و فناوری شامل کسب مهارت‌های عملی برای زندگی کارآمد و بهره‌ور و کسب شایستگی‌های مرتبط با فناوری و علوم وابسته، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، به منظور تربیت فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی و نیز آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخش‌های گوناگون اقتصادی و زندگی اجتماعی است.

همچنین، تأکید شده است که سازمان‌دهی محتوای حوزه یادگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، علاوه بر تلفیق با سایر حوزه‌های یادگیری، می‌تواند به صورت مستقل نیز ارائه شود (بند ۶-۸ برنامه درسی ملی).

حرکت در این بستر و در راستای سیاست‌های سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی، از یک طرف نیازمند تلاش و همت والای مسئولان و کارگزاران نظام آموزشی است و از طرفی دیگر معلمان و دانش‌آموزان هستند که در عملیاتی‌ترین حوزه نظام تعلیم و تربیت می‌توانند با حرکتی جهادی پایه‌های تحول کیفی در نظام آموزشی و به تبع آن نظام فرهنگی-اجتماعی را پی‌ریزی کنند. البته به نظر می‌رسد در این فرایند نقش معلم و دانش‌آموز پررنگ‌تر باشد. آنان به عنوان نیروهای متفکر و کارآمد نظام آموزشی که در خط مقدم تعلیم و تربیت قرار دارند، با برنامه‌ریزی‌های مدیرانه می‌توانند دانش‌آموزان را به تعامل بیشتر با محتوای برنامه‌های درسی هدایت کنند.

البته همان‌طور که گفته شد، در صورت استفاده درست از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، تعامل آموزشی و تربیتی معلم و شاگرد با محتوای درسی به سطوح بالاتری می‌رسد. حاصل این تعامل تولید محتوای الکترونیکی است که می‌تواند ضمن تسهیل ارتباط دانش‌آموز با کتاب و ایجاد یادگیری پایدار، امکان اشتراک تجربه‌های آموزشی و پرورشی را فراهم سازد. محتوای تولید شده توسط دیگر دانش‌آموزان یا معلم استفاده، نقد و اصلاح و گام به گام بر کیفیت آن افزوده می‌شود و یادگیری به فرایندی مداوم، آرام و تدریجی و فزاینده تبدیل می‌شود. تنها در این حالت است که دانش‌آموز و معلم از فرایند یادگیری احساس لذت خواهند کرد. شوق آموختن در برق چشمان شاگردان، چشم معلم را روشن خواهد کرد و او را به سمت همتی والا و تلاشی مقدس در جهت اعتلای کیفی فرایند تعلیم و تربیت سوق خواهد داد. لذا ضرورت یادگیری الکترونیکی و استفاده از فناوری‌های نوین در نظام آموزشی، بیش از پیش احساس می‌شود.

مفاهیم آموزش الکترونیکی

اما مفهوم یادگیری و آموزش الکترونیک چیست و با شنیدن این کلمه چه مفهومی در ذهن

شنونده تداعی می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت، محققان و نویسندگان، آموزش و یادگیری الکترونیکی را در ترجمه معادل اصطلاح لاتین E-Learning به کار برده‌اند. حرف E نماینده کلمه Electronic است. اما به تعابیر دیگری از E نیز می‌توان اشاره کرد. از جمله می‌توان به کلمه Experience اشاره کرد که به معنای تجربه است. چرا که یادگیری هیچگاه از تجربه جدا نبوده است و طبق نظر بسیاری از روان‌شناسان، ایجاد یادگیری به وجود تجربه در فرد مشروط است. کار با محتوای الکترونیکی مناسب و تلاش در جهت تولید و استفاده از آن نیز یکی از تجربه‌های مفید و مؤثر آموزشی محسوب و به افزایش کیفیت یادگیری منجر می‌شود.

با برداشتی دیگر، می‌توان به کلمه Engagement به معنای سرگرمی اشاره کرد. اگر فرایند یادگیری با سرگرمی و لذت و جذابیت همراه باشد، هرگز دانش‌آموز را دفع نمی‌کند و حاصل این جاذبه، کاهش میزان افت تحصیلی است و از به هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی کاسته می‌شود. یادگیری الکترونیکی و همچنین محتوای الکترونیکی، همانند سایر کارکردهای رایانه، همواره برای نوجوانان و جوانان دانش‌آموز جاذبه بسیاری داشته و دارد. این امر فرصت مغتنمی برای معلم فراهم می‌سازد که از آن در جهت صحیح خود، یعنی تعلیم و تربیت، بهره گیرد که به تبع آن فرهنگ استفاده صحیح از این ابزار گسترش می‌یابد و از آسیب‌های اجتماعی حاصل از کاربرد نادرست این تکنولوژی نیز کاسته می‌شود.

Ease Of Use به معنی سهولت در استفاده، از ویژگی‌های دیگر آموزش‌های الکترونیکی است. امروزه فناوری‌هایی از قبیل دریافت کننده‌های دیجیتال، رایانه و لپ‌تاپ، موبایل، تبلت و سی‌دی و دی‌وی‌دی، سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی به وفور در اختیار سیل عظیمی از جوانان و نوجوانان قرار دارند و آن‌ها به راحتی محتوای مورد نظر خود را از طریق این ابزارها دریافت می‌کنند. پس خوب است از این فرصت موجود در جهت تعلیم و تربیت نیز بهره جست و با تولید وسیع محتوای جذاب و مناسب، فرایند یادگیری و یاددهی را از انحصار کلاس درس خارج و آن را به خانه، اتوبوس و قطار نیز اشاعه داد. اما مزایای استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در آموزش و پرورش به موارد بالا محدود نمی‌شود. چند مورد دیگر را می‌توان برشمرد:

♦ سایر مزایای کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و

ارتباطی در آموزش و پرورش

- کاهش استرس‌ها و فشارهای روانی در دانش‌آموزان، از طریق گسترش یادگیری‌های تعاملی و فردی و مجازی

**بهترین نظرات
و پیشنهادهای
خلاقانه و کاربردی
به نتیجه سریع
و مناسب منتهی
نمی‌شود. این
معضل با تفویض
اختیار به مدارس
و مناطق در برخی
از حوزه‌های برنامه
درسی و با سعه
صدر مسئولان و
بالا بردن ظرفیت
و قدرت ریسک
در مدیران ارشد
کشور قابل رفع
است**

*** منابع**

۱. کاظمی، مصطفی. فناوری اطلاعات و ارتباطات. انتشارات آستان قدس. مشهد. ۱۳۸۷.
۲. مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ. ویژه‌نامه معرفی خدمات الکترونیکی دستگاه‌ها و سازمان‌ها. چهارمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال.
۳. جمعی از نویسندگان. آموزش مجازی. انتشارات سروش. تهران. ۱۳۸۴.
۴. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی. آذر ۱۳۹۰
۵. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی آموزش و پرورش. شهریور ۱۳۹۱.
۶. کبارشی، وحید و دیگران. برنامه اجرایی مراکز وزارت آموزش و پرورش در برنامه پنجم توسعه. دفتر برنامه و بودجه. تهران. ۱۳۹۱.

فعالیت‌های بخش خصوصی نیز بیشتر بر جنبه کسب سود و تسخیر بازار مصرف متمرکز شده است و نظرات کاملی بر کیفیت محصولات الکترونیکی بخش خصوصی صورت نمی‌گیرد. در صورت وجود یک چارچوب مشخص و هدفمند، می‌توان جهت‌گیری‌های تولیدات بخش خصوصی را که توانمندی‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در این بخش را دارند، بر محورهای مورد نیاز آموزش و پرورش سامان داد و از اتلاف انرژی و سرمایه‌های مادی و معنوی مردم جلوگیری کرد.

۵) از دیگر موانع و محدودیت‌های موجود در راه توسعه آموزش‌های الکترونیکی، وجود نظام آموزشی متمرکز و یکسویه در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی است. اهداف آموزشی، رسانه‌ها و کتاب درسی، محیط فیزیکی، آموزش و به کارگیری معلمان اجزای نظام برنامه‌ریزی در حوزه تعلیم و تربیت هستند که مدیریت آن‌ها بر عهده بالاترین مقامات در سلسله مراتب اداری است. به عبارت دیگر، در سطوح فنی و اجرایی سازمان‌های آموزشی، یعنی مدارس، امکان مشارکت و تصمیم‌گیری و به تبع آن خلاقیت به کمترین حد ممکن کاهش می‌یابد. در سلسله مراتب اداری، حتی بهترین نظرات و پیشنهادهای خلاقانه و کاربردی به نتیجه سریع و مناسب منتهی نمی‌شود. وجود امکان تولید محتوای آموزشی بومی و منطقه‌ای متناسب با فرهنگ و زبان، از ضرورت‌های تحول بنیادین در نظام آموزشی است. این معضل با تفویض اختیار به مدارس و مناطق در برخی از حوزه‌های برنامه درسی و با سعه صدر مسئولان و بالا بردن ظرفیت و قدرت ریسک در مدیران ارشد کشور قابل رفع است که جز با حرکتی جهادی و کارشناسانه میسر نمی‌شود.

۵) نبود شبکه‌ای واحد در سطح کشور که به صورت اختصاصی از فرایند آموزش‌های الکترونیکی و مجازی حمایت کند، از دیگر محدودیت‌ها و مسائل پیش‌روست. تحقق اهداف نظام آموزشی در گسترش آموزش‌های الکترونیکی و مجازی نیازمند وجود چنین امکانی در سطح کشور است. شبکه‌ای که با اتصال مدارس به آن از دورترین نقاط کشور، امکان دسترسی به منابع عظیمی از محتوای آموزشی از قبیل عکس، فیلم، آزمایشات، کشفیات، تحقیقات و تجربه‌های آموزشی فراهم شود و از سرگردانی در اینترنت، اتلاف وقت و دسترسی به منابع نامناسب و سایر آسیب‌ها جلوگیری شود. البته در این زمینه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، گسترش شبکه‌ای تحت عنوان شبکه ملی مدارس ایران (رشد) را در دست اقدام دارد که امید است با تلاش همه دست‌اندرکاران این مجموعه، هرچه زودتر شاهد گسترش شبکه رشد و دسترسی آسان به منابع عظیم آن در سطح مدارس سراسر کشور عزیزمان باشیم.

- تحقق عدالت آموزشی از طریق گسترش دسترسی آحاد دانش‌آموزان به دامنه وسیعی از محتوای الکترونیکی سهل‌الوصول و مناسب
- افزایش مشارکت معلمان و دانش‌آموزان در فرایند تعلیم و تربیت و تولید محتوای بومی و محلی
- افزایش امکان نظارت و کنترل دقیق یادگیری دانش‌آموزان و ارزشیابی از آموخته‌های آنان از طریق آموزش و ارزشیابی الکترونیکی، مجازی و ...
- هم‌گرایی و یکپارچه‌سازی فعالیت‌ها
- کاهش هزینه‌های مادی

باید گفت، تحقق این اهداف با موانع و محدودیت‌هایی نیز همراه است که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

♦ محدودیت‌های کاربرد فناوری اطلاعات در مدارس

الف) کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش‌های الکترونیکی مستلزم زیرساخت‌هایی است که بتواند امکان ارتباط از طریق خطوط تلفن، امواج ماهواره‌ای، فیبر نوری و... را بین مدارس در شهرها و روستاها فراهم و تسهیل کند. این مقوله نیازمند همکاری و مساعدت مجموعه‌هایی نظیر وزارت فناوری ارتباطات، سازمان صدا و سیما و وزارت آموزش و پرورش است. عزم جدی و تلاش جهادی در جهت گسترش بسترهای ارتباطی، علاوه بر تأثیرگذاری در نظام آموزشی، بسترهای لازم برای رشد و تحول سایر کارکردهای جامعه از جمله فرهنگ، اقتصاد، تولید و تجارت را نیز فراهم خواهد ساخت.

ب) وجود امکانات سخت‌افزاری از قبیل رایانه و تخته‌های هوشمند در کلاس درس، به عنوان بستری برای تولید و عرضه و کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، ضرورتی انکارناپذیر است. در سال‌های اخیر تلاش گسترده‌ای در آموزش و پرورش صورت گرفته است و بسیاری از مدارس به این امکانات مجهز شده‌اند و تلاش در این عرصه باید تا تجهیز همه کلاس‌های درس در سراسر کشور ادامه یابد. اما موضوعی که در این زمینه از آن غفلت شده است، نبود محتوای الکترونیکی مناسب برای کار با این تجهیزات است. به طوری که بسیاری از مدارس مجهز به امکانات سخت‌افزاری، به دلیل در دسترس نبودن محتوای الکترونیکی مناسب و کارآمد، از این تجهیزات بهره‌چندانی نمی‌برند.

ج) با وجود تأکید سند تحول بنیادین در بند ۱۷/۲ بر الکترونیکی کردن محتوای آموزشی توسط بخش‌های دولتی و خصوصی (که بدان اشاره شد)، و با وجود تلاش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، بخش دولتی تاکنون موفقیت کاملی در این زمینه کسب نکرده است.

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ
وَأَيُّومِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ وَ ءَاتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي
الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ... وَ ءَقَامَ الصَّلَاةَ...

﴿بقره - آیه ۱۷۷﴾

نکود

آری، آنان‌اند که راست گفته‌اند و آنان‌اند
که پرهیزگاران‌اند.

- در سوره توبه (۱۹) نیز می‌فرماید: آیا
آب رساندن به حاجیان و آباد ساختن
مسجدالحرام را با کار کسی که به خدا
و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا
جهاد کرده است، یکسان می‌گیرید؟
این‌ها نزد خدا یکسان نیستند و خدا
مردم ستمکار را هدایت نخواهد کرد.

و بالاخره در سوره حجرات (۱۵-۱۴)
می‌فرماید: اعراب بادیه گویند ایمان آورده‌ایم.
بگو هنوز ایمان نیآورده‌اید. پس تا وقتی که
ایمان به دل‌هاتان راه نیافته است، بگویید
اسلام آورده‌ایم؛ و اگر از خدا و رسول او اطاعت
کنید، خدا چیزی از اعمال‌تان کم نمی‌کند.
خداوند آمرزنده‌ای مهربان است. بی‌شک
مؤمنان آنان‌اند که به خدا و رسول او ایمان
آورند، و زان پس - در آن ایمان - تردید به
خود راه ندهند و با مال و جان خویش در راه
خدا جهاد کنند. آنان راست‌گویان‌اند.

همان‌طور که ملاحظه کردیم، در آیات
فوق، مخاطب قرآن مسلمانان هستند که
ظواهر شریعت را رعایت می‌کنند و بدین
طریق پای‌بند بودن خود به اسلام را بدین‌گونه
نشان می‌دهند. با وجود این، قرآن به آنان
هشدار می‌دهد که مبادا با این اعمال و رفتار
ظاهری حقیقت ایمان و دین را فراموش کنید
و گمان کنید که شما، با صرف رعایت این

در واقع، این اعمال، که نامی جز
«ظاهرسازی فریبنده» ندارند، فرد و جامعه را
از درون می‌پوسانند، روابط اجتماعی را سست
می‌کنند، ساختارهای اجتماعی را می‌شکنند
و در نهایت هم فرد را به سقوط می‌کشاند و
هم جامعه را فرو می‌پاشند. در قرآن کریم، در
آیات متعدد، بر این معنا تأکید شده است که
در اینجا سه مورد از آن‌ها را می‌آوریم:

- در سوره بقره (۱۷۷) می‌فرماید: نکوکاری
آن نیست که روی خود را به جانب
مشرق و مغرب بگردانید (که اشاره
است به مجادلاتی که پس از تغییر
قبله در میان مردم و اصحاب پیغمبر
(ص) واقع شد و عده‌ای این موضوع را
مسئله عمده خود کرده و به آن مشغول
شده بودند)، بلکه نکوکاری آن است که
کسی به خدا و روز بازپسین و ملائکه و
کتاب‌های آسمانی و پیامبران ایمان آورد
و مال خویش را، از سر دوستی با خدا، به
خویشاوندان و یتیمان و بینویان و در راه
ماندگان و فقیران و برای آزادی بردگان
بخشد و نماز بر پا دارد و زکات دهد.
نیکان آنان‌اند که چون پیمان بندند، به
عهد خویش وفا کنند و به وقت تنگدستی
و سختی، در هنگامه کارزار شکیبا باشند.

هر امر معنوی ظاهری دارد و باطنی.
ادیان و مذاهب هم که اموری معنوی هستند
چنین‌اند و به طریق اولی دین اسلام چنین
است. دین حقیقت یا مجموعه‌ای وسیع از
حقایق است که می‌توان آن‌ها را با شعائر،
یعنی آداب و احکام و رفتار و ارتباطات و
نمادها و... نشان داد و جز این هم چاره نیست.
به‌عبارت دیگر، این شعائر هستند که امکان
ظهور دین را فراهم می‌کنند و وجودشان
نشانگر دین‌دار بودن فرد یا جمع است.
سؤال! آیا صرف وجود شعائر در فرد یا اجتماع
می‌تواند دلیل بر وجود حقیقت یا باطن آن
در آن فرد یا اجتماع باشد؟ روشن است که
جواب این سؤال منفی است. اظهار دین وقتی
پسندیده است که حاکی از حقیقت آن باشد،
و گرنه جز نفاق، و ریا و تظاهر یا ظاهرسازی
نخواهد بود. درست به همین دلیل است که
در همه ادیان و مکتب‌های اخلاقی، به‌ویژه
در مکتب اخلاقی اسلام، رفتارهایی چون
ریا، نفاق، تظاهر و دروغ از بزرگ‌ترین گناهان
شمرده می‌شوند و قرآن کریم سرشار از آیاتی
در این خصوص است.

نکوکاری آن نیست که روی خود را به جانب مشرق و مغرب بگردانید، بلکه نکوکار کسی است که به خدا و آخرت و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران ایمان بیاورد و مال خود را، اگر چه دوست دارد، به خویشاوندان و یتیمان و فقیران ... بدهد و نماز بگذارد و...

نکواری

اعمال و رفتار و مناسک و شعائر دین، حقیقت ایمان را دریافته‌اید. آنگاه توضیح می‌دهد که حقیقت دین چیست. اکنون در این خصوص اندکی توضیح می‌دهیم.

در فضای زیست مسلمانان، آنچه ممیز انسان از حیوان است (و استاد شهید مطهری بر این تعریف از انسان تأکید ویژه دارد)، ایمان و مکتب اخلاقی مترتب بر آن است.

در عین حال، یکی از لغزشگاه‌های بزرگ همه ادیان و مکتب‌های اخلاقی، از جمله دین اسلام، غلبه یافتن مناسک، شعائر و ظواهر دین بر حقیقت باطنی آن، یا همان ایمان است. در واقع، کمتر دینی را می‌توان یافت که در طی حیات خود از این آفت مصون مانده باشد و بخشی از پیروانش به تدریج ایمان خود را به مناسک ظاهری دین، و حتی رفتارهای وارد شده به دین، نفروخته باشند. این امر چیزی نیست که به شاهد و بیننده یا نشان دادن نمونه و مصداق نیاز داشته باشد. هم امروز در جامعه خود شاهد این گونه موارد هستیم و گاه می‌توان دید که (همان‌طور که در آیات فوق بیان شد) فرد یا جمعی، آن قدر که بر انجام یا رعایت صرف یک عمل و رفتار دینی اصرار دارد، به درک حقیقت آن توجه نمی‌کند. خوشبختانه پاره‌ای از رهبران دینی به این نکته توجه دارند و کسی که اهل بشارت باشد، از این اشارت‌ها حقیقت مطلب را در خواهد یافت.

با تأسی به مطلب فوق، اینک بپردازیم به یکی دیگر از مصادیق غلبه ظاهر بر باطن که از چالش‌های خودمان است و آن تعلیم و تربیت است. تعلیم و تربیت یا همان آموزش و پرورش نیز یکی از امور معنوی است که وظیفه‌اش تربیت فرد و اجتماع و ارتقای انسان از «وضع طبیعی» به «جایگاه انسانی» و به تعبیری که اخیراً در اسناد تحولی آموزش و پرورش رایج شده، به «حیات طیبه» است. اما با نگاهی اجمالی به وضعیت دستگاه‌های تعلیمی و تربیتی موجود - اعم از مدارس و دانشگاه‌ها - می‌توان دریافت که در اینجا نیز ما به نحوی، سال‌هاست شاهد ایجاد شکاف بین «ظاهر» آموزش و پرورش و «باطن» آن شده‌ایم.

یکی از مظاهر توسعه آموزش و پرورش در جامعه ما، طی حدود یکصد ساله اخیر، گسترش روزافزون (و البته مورد نیاز) مدرسه‌ها، آموزشگاه‌ها، دانش‌سراها، دانشکده‌ها، کلاس‌های کنکور، و فور رشته‌ها، انواع آزمون‌ها و... بوده است و نیازی به ارائه شواهد و بیان دلایل ندارد. با این حال، همواره و نه تنها امروز، همه شکوه داشته‌اند که بهره‌وری یا بازدهی دستگاه عظیم تعلیم و تربیت ما، در مقابل سرمایه‌گذاری عظیم‌تری که برای آن می‌شود، اندک

است و به اصطلاح دخل و خرج نمی‌کند؛ و درست می‌گویند. ما همین امروز، نسبت به گذشته، مدارس مجهزتر، ساختمان‌های بهتر و مستحکم‌تر و نوساز، تجهیزات کلاسی، وسایل حمل و نقل، امکانات گرمایش و سرمایش، تغذیه مناسب‌تر، کتاب‌های درسی فراوان و به روزتر و ارزان‌تر، و معلمانی بسیار آموخته‌تر و وظیفه‌شناس‌تر، پدران و مادرانی مسئول‌تر نسبت به فرزندان، و حتی دریافت یا پرداخت شهریه‌های بسیار سنگین‌تر و... داریم، با این حال، چگونه است که معدل کلی دانش‌آموختگان مدارس و دانشگاه‌های ما، در تقریباً همه حوزه‌ها، پایین است؟ از زبان فارسی و زبان خارجی بگریزید تا علوم پایه و دانش دینی تا ریاضی و فنی و...

نه تنها در عمل، که در تئوری و نظر نیز گویا ما به شعائر آموزش و پرورش بیشتر توجه کرده‌ایم تا به باطن و حقیقت آن. این «مسئله» بزرگی است و این رشته سر دراز دارد.

به همین بسنده می‌کنیم.

جعفر ربانی

کاربرد نظریه‌های یادگیری در کلاس درس

اشاره

یکی از نظریه‌پردازان بزرگ یادگیری در طول تاریخ شکل‌گیری و گسترش روان‌شناسی ادوارد لی ثرندایک^۱ است. او فعالیت‌های بی‌شماری در عرصه‌های گوناگون از جمله انتقال یادگیری یا آموزش^۲ انجام داده است. درباره این موضوع همواره یک سؤال اساسی و تعیین‌کننده مطرح بوده و آن این است: چه چیزی تعیین می‌کند که ما چگونه به موقعیتی که قبلاً هرگز با آن روبه‌رو نشده‌ایم، پاسخ دهیم؟ پاسخ ثرندایک به این سؤال این است که پاسخ ما به آن موقعیت، شبیه به پاسخ ما به موقعیت دیگر مشابه با آن موقعیت است که قبلاً با آن روبه‌رو شده‌ایم. این مطلب بیانگر نظریه معروف او با عنوان «عناصر همانند انتقال یادگیری یا انتقال آموزش» است. لذا در این مقاله، به کاربرد این نظریه در کلاس درس توسط معلمان گرامی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: انتقال یادگیری، یادگیری، کلاس درس، شرایط یادگیری، نظریه یادگیری، تدریس



از طریق پژوهش درباره گروه زیادی از دانش‌آموزان دریافتند که انتقال دانش از یک موقعیت به موقعیت دیگر تنها به میزان عناصر مشترک بین آن دو موقعیت صورت می‌پذیرد. به اعتقاد ثرندایک، این عناصر مشترک شرایط واقعی محرک یا روش‌های موجود در دو موقعیت هستند. برای مثال، دانش یا مهارت دانش‌آموز در یافتن یک واژه از فرهنگ لغت ممکن است طوری به موقعیت‌های مختلفی در خارج از کلاس درس انتقال یابد که هیچ شباهتی با واژه‌ای که دانش‌آموز در کلاس درس آموخته است، نداشته باشد. از آنجا که همه مدارس می‌کوشند بر رفتار دانش‌آموزان در خارج از چارچوب کلاس درس تأثیر بگذارند، موضوع انتقال آموزش برای معلمان و هر فردی که در مقام آموزش‌دهنده قرار می‌گیرد موضوعی اساسی و بنیادی است.

کشاورز آگاه از دانش کاربرد گیاه‌شناسی و شیمی، از کشاورز بدون این دانش موفق‌تر است، معلمی هم که می‌تواند یافته‌های روان‌شناسی، یعنی طبیعت انسان را در مسائل آموزشی به کار گیرد، از معلمی که از این دانش بی‌بهره است موفق‌تر خواهد بود (ثرندایک، ۱۹۰۶ به نقل از هرگنهان والسون ۱۹۹۷ ترجمه سیف، ۱۳۷۶).

یکی از اندیشه‌های اساسی ثرندایک که سهمی عمده و اثربخش در فرایند یادگیری دارد، نظریه او درباره «عناصر همانند انتقال یادگیری» است. او به کمک **وودورث** با استفاده از این نظریه، به نقد نظریه قدیمی انتقال یادگیری، یعنی انضباط صوری^۳ (ذهن آدمی از قوای مختلفی مانند استدلال، توجه، قضاوت، حافظه، ضبط و فراخوانی و... تشکیل شده است و می‌توان این قوا را از راه تمرین نیرومند ساخت) پرداخت. آنان

تأثیر نظریه ثرندایک بر آموزش و پرورش
ثرندایک به‌طور عمیق و آگاهانه بر این باور بود که فعالیت‌های آموزش و پرورش و هر آنچه را که مرتبط به آن است باید به شیوه علمی مطالعه کرد. ثرندایک درک کرده بود که بین دانش فرایند یادگیری و فعالیت‌های آموزشی باید رابطه درهم تنیده‌ای وجود داشته باشد. بنابراین، انتظار داشت هر چه دانش و آگاهی ما درباره ماهیت یادگیری بیشتر شود، به همان نسبت فعالیت‌های آموزشی هم بهبود یابند. او در این باره می‌گوید:

«کاربرد روان‌شناسی در آموزش بیشتر به کاربرد گیاه‌شناسی و شیمی در کشاورزی شبیه است. هر عقل سلیمی می‌تواند بدون دانش علمی کشاورزی کند و هر کسی با عقل سلیم می‌تواند بدون داشتن دانش روان‌شناسی و کاربرد آن آموزش دهد. با وجود این، همان‌گونه که

کاربرد نظریه انتقال یادگیری در کلاس درس

از نظریه انتقال آموزش یا یادگیری می‌توان در کلاس درس استفاده فراوانی کرد. به این منظور:

۱. موقعیت و شرایط آموزش و یادگیری را

به گونه‌ای آماده کنید که تکالیف و وظایفی را در برگیرند که شبیه آنچه دانش‌آموزان در زندگی واقعی با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند باشند. در این باره به مثال زیر توجه کنید:

معلمی که از علم روان‌شناسی آگاه است و می‌تواند یافته‌های علمی آن را در کلاس درس به کار بگیرد؛ در فعالیت‌های یاددهی-یادگیری موفق‌تر عمل خواهد کرد

همه ما روزانه در کلاس درس به دانش‌آموزانی برمی‌خوریم که معنای لغت یا اصطلاحی را نمی‌دانند. لذا به جای اینکه به طور مستقیم معنای لغت یا اصطلاح را به آن‌ها بگوییم، بهتر است آنان را تشویق کنیم معنای لغت را ابتدا از فرهنگ لغت یا متن درس پیدا یا کشف کنند و اگر نتوانستند، به سؤال آن‌ها به طور مستقیم پاسخ دهیم، چرا که آنان همیشه در زندگی روزمره به افراد حاذقی دسترسی ندارند که جواب سؤال‌هایشان را بدهند، اما می‌توانند به متن نوشتار یا گفتار رجوع و معنا را کشف کنند یا در این باره به فرهنگ‌های موجود مراجعه کنند. در واقع، از این طریق می‌توانیم آن‌ها را آماده کنیم تا در خارج از کلاس درس از عهده مسائل زندگی‌شان برآیند.

۲. محتوا و تکالیف یادگیری را تا آنجا که

می‌توانید به زندگی واقعی دانش‌آموزان نزدیک کنید. مثال زیر می‌تواند بیانگر این اصل باشد:

در آموزش مفهوم مخلوط و انواع آن در کتاب علوم پایه چهارم دوره ابتدایی می‌توان چنین عمل کرد: وقتی دو یا چند ماده مختلف با یکدیگر به تدریج بیامیزند که بتوانیم آن‌ها را از هم جدا کنیم و در عین حال هر ماده‌ای خاصیت خود را حفظ کند، مخلوط تشکیل شده است. مخلوط‌ها در زندگی ما نقش ویژه‌ای بر عهده دارند و بسیاری از خوراکی‌هایی که می‌خوریم، مانند سالاد، شیر، آب میوه و

و... آورده‌اند. به کارگیری این راهبرد پیوندی مطلوب و معنی‌دار بین آموخته‌های کلاسی و تجارب روزمره دانش‌آموزان برقرار می‌کند و انتقال یادگیری و آموزش از کلاس درس را به خارج از آن تسهیل می‌کند.

۴. تکالیف و وظایفی برای دانش‌آموزان

تعیین کنید که شبیه آن در زندگی واقعی آنان رخ می‌دهد. برای مثال، خرید از مغازه را در نظر بگیرید. ما هر روز اجناس مورد نیازمان را از مغازه یا فروشگاه محلی خرید می‌کنیم. پس چه بهتر است که این فعالیت را در کلاس درس مطرح کنیم و از دانش‌آموزان بخواهیم محاسبات ریاضی لازم را انجام بدهند. به مثال زیر توجه کنید:

افشین رفت نانوايي و چهار دانه نان بربری خرید. اگر قیمت هر دانه نان ۷۰۰۰ ریال باشد، او چقدر بابت خرید نان به نانوا پرداخته است؟ بنابراین، باید آموزش ریاضیات در کلاس درس و گنجاندن آن در برنامه درسی بر پایه کاربرد آن در زندگی و رفع نیازهای دانش‌آموزان صورت بگیرد نه صرفاً ریاضی دان کردن آن‌ها.

۵. تصاویری را برای آموزش در کلاس

درس انتخاب کنید که با آنچه دانش‌آموزان روزانه با آن‌ها مواجه هستند، منطبق باشد. برای مثال، گذشتن از روی خط عابر پیاده در خیابان را مورد توجه قرار دهید. به این منظور، می‌توانید عکسی واقعی تهیه کنید و آن را در کلاس درس به نمایش بگذارید.

معلم گرامی، در این مقاله، پنج راهبرد برای انتقال یادگیری مورد بحث قرار گرفت. ما منتظر ارائه سایر موارد و تجارب شما در این باره هستیم تا آن‌ها را به نام خودتان در مجله به چاپ برسانیم.

* پی‌نوشت‌ها

1. Edward Lee Thorndike
2. transfer of training
3. formal discipline

* منابع

۱. هرگنهان، بی. آر و السون، میتوآچ. (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری (ترجمه علی‌اکبر سیف). دوران. تهران. (سال انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۷).
۲. والبرگ، هربرت جی و پیک، سوزان جی. (۱۳۷۹). رویه‌های مؤثر آموزشی. ترجمه دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی آموزش و پرورش. دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی آموزش و پرورش. تهران. (سال انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۵)

غذاهای مختلف به حالت مخلوط هستند. اصولاً زنده ماندن ما بستگی به وجود مخلوط‌ها دارد. در مخلوط ممکن است مواد مخلوط شوند (همگی جامد (فولاد)، مایع (گلاب) و یا گاز (هوا) باشند، یا یکی جامد و دیگری مایع (آب قند)، یکی جامد و دیگری گاز (گرد و غبار)، یکی مایع و دیگری گاز (نوشابه) باشند. وقتی یک حبه قند را در چای می‌اندازیم تا شیرین شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ (من به طور عملی، این فعالیت‌ها را به دانش‌آموزان نشان می‌دهم). اگر به خوبی دقت کنیم در این مخلوط، ذره‌های قند از هم جدا می‌شوند و بین ذره‌های چای قرار می‌گیرند. در واقع مخلوط یکنواختی درست می‌شود و در نتیجه قند در آب حل می‌شود. به این نوع مخلوط همگن یا محلول می‌گویند. در بعضی از مخلوط‌ها مانند آب لیمو، اجزای سازنده به طور یکنواخت در همه جای مخلوط پخش نشده‌اند و در بیشتر موارد نیز می‌توان همه یا شماری از اجزای مخلوط را به آسانی تشخیص داد. به این نوع از مخلوط‌ها ناهمگن یا معلق می‌گویند. جدول زیر را بر پایه مشاهده روزانه خودتان کامل کنید:

نوع مخلوط	
ناهمگن یا معلق	همگن یا محلول
آب گل آلود = آب + خاک	آب نمک = آب + نمک
-	-
-	-
-	-
-	-
-	-
-	-
-	-

۳. محتوای آموزش را به تجربه‌های روزمره

دانش‌آموزان مرتبط کنید. به این منظور، ضمن تقویت رفتار مطلوب دانش‌آموزان در کلاس درس و پروردن محتوا در فرایند تدریس، موضوع تدریس را به معلومات و تجارب قبلی و روزمره دانش‌آموزان متصل کنید و بنای کار خود را بر آن اساس قرار دهید. زیرا این تجربه‌ها و معلومات قبلی دانش‌آموزان فرهنگی را در بر می‌گیرند که آن‌ها از خانه

تبریزگردی در کلاس

پشت میز و نیمکت کلاس

اشاره

در این نوشته، تجربه آموزشی یکی از همکاران گرامی، یعنی آقای حسن رضاترابی، معاون آموزشی دبستان شهید سندروس بیرجند، به قلم خودشان به طور مصور به رشته تحریر در آمده است. آنچه این نوشته را برجسته می کند، یکی نگاه آموزشی به یک موقعیت شغلی اداری است که نویسنده در عمل به خوبی از عهده آن بر آمده است و دیگر این که ایشان از انواع رسانه های آموزشی برای جذاب و ماندگار کردن یادگیری دانش آموزان استفاده کرده که شوق یادگیری را بنا به گفته خود ایشان در پی داشته است.

در روزهایی که همکارانم در مدرسه حضور ندارند، به کلاسشان می روم و در تدریس، از تجربیات سفرهایم استفاده می کنم. موضوع درس دهم فارسی پنجم و همچنین درس ششم فارسی ششم ابتدایی مرتبط با تبریز و شاعر گران قدر محمدحسین بهجت تبریزی، شهریار بود، با پخش صدای شهریار که شعر حیدر بابا را با زبان آذری می خواند، درس را شروع کردم. از دانش آموزان خواستم حدس بزنند این شعر از کیست؟ بچه ها که تاحدودی با لهجه های مختلف آشنا بودند و شعر را هم شنیده بودند، سریع پاسخ را گفتند. من هم درباره شهریار و زادگاهش توضیحاتی دادم. تبریز را با تمام زیبایی ها، قدمت و سرگذشتش معرفی کردم. در ادامه صحبت هایم، عکس ها و کلیپ هایی را که از سفر به تبریز تهیه کرده بودم، همراه قسمت هایی کوتاه از فیلم «تبریز در مه» به نمایش گذاشتم.

آن روز شعر شهریار آغاز سفری بود به نام تبریزگردی در کلاس. با دانش آموزان به مرکز استان آذربایجان شرقی که ۴۵۰۰ سال قدمت دارد رفتیم. شهر تبریز به شهر اولین ها در ایران مشهور است. اولین کتابخانه عمومی، اولین سینمای ایران، اولین عکاس خانه، اولین چاپخانه، اولین مهمان خانه و اولین پایگاه لرزه نگاری در این شهر بنا شده اند.

سوار بر بال تصاویر به روستای کندوان، از بهترین مناظر طبیعی ایران، رفتیم؛ روستایی که از خانه های مخروطی شکل و با طبقات مختلف در دل کوه ساخته شده است. این خانه های سنگی از توده ها و گدازه های مذاب آتش فشانی به وجود آمده اند و روستاییان

کلیدواژه ها: یادگیری فعال، پیوند آموزش با زندگی، انگیزش و یادگیری، تکنولوژی آموزشی و تدریس



مقبرة الشعرا



موزه قاجار



موزه آذربایجان



روستای کندوان



منزل استاد شهریار

توانسته‌اند درون سنگ‌های مخروطی شکل را خالی کرده و در آن‌ها مستقر شوند.

بعد از کندوان، سری به رودخانه نسبتاً پر آب و خروشان ارس زدیم. این رود از کشور ترکیه سرچشمه می‌گیرد و مرز آبی کشورهای ایران و آذربایجان و ارمنستان را تشکیل می‌دهد.

سپس سوار اتوبوس تبریزگردی شدیم و به خانه بکر و دست نخورده شهریار که به موزه تبدیل شده است رفتیم. چون صاحب‌خانه را نیافتیم، به سرای ابدی‌اش، «مقبره الشعرا یا آرامگاه شاعران»، رفتیم و فاتحه‌ای خواندیم.

در پی آن، گذر کوتاهی داشتیم به موزه قاجار، موزه آذربایجان، میدان ساعت، موزه شهرداری و همچنین سایت موزه عصر آهن که برای دانش‌آموزان جذاب‌ترین قسمت بود. از تک‌تک قبور عکس گرفته بودم. دانش‌آموزان با دقت خاصی به عکس‌ها نگاه می‌کردند. مدام سؤال می‌پرسیدند و من هم با اطلاعاتی که از راهنمایان گردشگری تبریز گرفته بودم، به همه سؤالات در خصوص نحوه تدفین قبل و بعد از اسلام و دلیل دفن اشیای همراه مردگان، پاسخ می‌دادم. بعد از آن به مسجد کبود رفتیم و به سخنان راهنما گوش دادیم و دانستیم تنها بنایی که از ۳۰۰ سال قبل تاکنون توانسته در برابر هجوم بلایای طبیعی ظاهرش را تا حدودی حفظ کند، این مکان مقدس است. زیبایی و عظمت این مسجد هر بیننده‌ای را محو تماشای می‌کرد.

در پایان سفر، عکس‌های یادگاری را در قاب ذهن دانش‌آموزانم چیدم تا در سفرهای آتی تصاویر جدیدی را جایگزین کنم.



میدان ساعت



اشاره

از بحث برانگیزترین مقوله‌های نظام آموزشی، توانمندی معلمان در امر تدریس است و بحث در مورد راهکارهای افزایش این توانمندی به چالش‌های بسیار کشیده شده است. «درس پژوهی»^۱ نیز از مقوله‌هایی است که در صدد است معلم را از عنصری صرفاً یاددهنده به سمت عنصری یادگیرنده سوق دهد. البته تأثیر درس پژوهی در بهینه‌سازی روش‌های آموزش و تبدیل مدارس به «سازمان‌هایی یادگیرنده»^۲ انکارناپذیر است. این مقاله به بررسی روش‌های بهبود ظرفیت مدارس برای «یادگیری سازمانی»^۳ و گسترش فرهنگ مشارکتی درس پژوهی بین معلمان می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: درس پژوهی، توانمندسازی، سازمان یادگیرنده، بهینه‌سازی، دانش حرفه‌ای، عناصر فرهنگ حرفه‌ای

الگوی پرورش حرفه‌ای معلمان

در آغاز کار، درس پژوهی با مشکلات زیادی همراه است، ولی به تدریج معلمان و دانش‌آموزان حضور و مشارکت سایر همکاران را در کلاس درس عادی و فقط برای یادگیری از هم می‌انگارند و می‌آموزند که بررسی چگونگی تدریس یک معلم به معنای ارزیابی کار شخص او نیست. در این جلسات بیشتر بر روش تدریس مؤثر و یادگیری در کلاس درس تأکید می‌شود نه شخص معلم.^۴

بیش از یک دهه از معرفی و ترویج درس پژوهی در ایران می‌گذرد (سرکار آرانی، ۱۳۷۸). پژوهشگران آموزشی آن را به مثابه الگوی پرورش حرفه‌ای معلمان در مدرسه ترویج

می‌کنند (خاکباز، ۱۳۸۷).

«نظریه بهینه‌سازی مدارس»^۵ چند سال است که توسعه یافته است، اما ایده «مدارس به معنای سازمان‌های یادگیرنده»، پس از ترویج نظریه سازمان یادگیرنده توسط پیتر سنگ^۶ مورد توجه قرار گرفته است. او بر این باور است که «مدارس می‌توانند از نو بازسازی شوند و در فرایندی مداوم، منظم و خود-پایدار بهینه‌سازی شوند» (سنگ، ۱۹۹۴).

این پژوهش در آغاز، نقش درس پژوهی را به منظور ایجاد محیط فرهنگی مؤثر در مدرسه برای یادگیری معلمان از یکدیگر و توسعه «آموزش یادگیری-محور»^۷ که به نیازهای واقعی دانش‌آموزان توجه دارد، بیان می‌دارد.

سپس راهکارهای مؤثر در بازسازی مدارس و ترویج یادگیری سازمانی به منظور «بهینه‌سازی خود-پایدار»^۸ مؤسسات آموزشی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

ماهیت درس پژوهی

درس پژوهی الگوی عملی بازبینی مداوم الگوهای ذهنی و بازنمایی به منظور «بهبود کارگزاران آموزشی و الگویی مؤثر برای بهبود مستمر آموزش در مدرسه محسوب می‌شود (استیگلر و هیبرت، ۱۳۹۰). «درس پژوهی به‌عنوان روش جدید پژوهش در عمل»^۹ و هسته‌های کوچک تحول در آموزش، بر فرایند یادگیری گروهی و بهینه‌سازی مداوم، تدوین

«درس پژوهی به‌عنوان روش جدید پژوهش در عمل» و هسته‌های کوچک تحول در آموزش، بر فرایند یادگیری گروهی و بهینه‌سازی مداوم، تدوین برنامه، اجرا، بازبینی و بازاندیشی، یادگیری و ترویج یافته‌ها استوار است و فرصتی برای شراکت معلمان در تجربه‌های یکدیگر فراهم می‌کند

برنامه، اجرا، بازبینی و بازاندیشی، یادگیری و ترویج یافته‌ها استوار است و فرصتی برای شراکت معلمان در تجربه‌های یکدیگر فراهم می‌کند.

این مدل پژوهش در کلاس درس عملاً بر پایه یادگیری گروهی، کیفی، مشارکتی و مداوم دست‌درکاران آموزشی شامل مراحل پنج‌گانه تبیین مسئله، طراحی، عمل، بازاندیشی، و یادگیری، استوار است. ابتدا معلمان مسائل آموزشی را بررسی و سوالات پژوهش در کلاس درس را مشخص می‌کنند. سپس طرحی برای انجام پژوهش مشارکتی خود پیشنهاد می‌دهند. آن‌گاه یکی از معلمان آن را به اجرا در می‌آورد و در عمل روند اجرا را به دقت مشاهده می‌کند. سپس به ارزیابی و بازنگری تدریس انجام شده می‌پردازد. در این فرایند، یادگیری معلمان از یکدیگر به‌صورت مشارکتی شکل می‌گیرد و در عمل، ظرفیت مدارس برای تولید و به‌کارگیری دانش حرفه‌ای در مدرسه و گسترش امکان «تغییر خود-پایدار»^{۱۰} و مستمر افزایش می‌یابد. معلمان با بازنگری و بازسازی طرح درس اجرا شده و بحث‌هایی درباره آن، پیشنهادهای جدیدی برای بهینه‌سازی فرایند آموزش و یادگیری ارائه می‌دهند و بر اساس آن‌ها طرح درس جدیدی ارائه می‌کنند. به‌علاوه، فرایند درس پژوهی را در چرخه جدید یادگیری دوباره آغاز می‌کنند و تجربه‌های به‌دست آمده از عمل گذشته را می‌آزمایند. گزارش‌های مکتوب، کاربردی و پژوهشی تهیه شده در فرایند تبیین مسئله، طراحی، عمل، بازاندیشی، یادگیری و ترویج آموخته‌ها نیز به‌عنوان دانش حرفه‌ای معلمان در مدرسه ترویج می‌شود.

فرایند گروهی و مشارکتی طراحی، اجرا و بازاندیشی، معلمان را به یادگیری از یکدیگر، بهبود تدریس و ترویج یادگیری سازمانی قادر می‌سازد. همچنین این فعالیت‌ها به معلمان فرصت می‌دهد تا توانایی‌های حرفه‌ای خود را ارتقا و روابط خود را با دانش‌آموزان بهبود بخشند. درس پژوهی معلمان را در انجام وظایف حرفه‌ای خود توانمندتر می‌سازد و به افزایش

ظرفیت مدارس برای ترویج یادگیری سازمانی از طریق مشارکت معلمان یاری می‌رساند.

درس پژوهی و مدارس به‌عنوان سازمان یادگیرنده

پژوهش‌های مربوط به بهینه‌سازی سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی نشان می‌دهند که سازمان یادگیرنده، سازمانی است که یاد می‌گیرد، در عمل و پیش فرض‌های ذهنی خود بازاندیشی دارد، آهنگ تغییرات اجتماعی را رصد می‌کند و هم‌گام توان تغییر را در خود افزایش می‌دهد، دانش حرفه‌ای تولید می‌کند و به‌طور مستمر به راهبردهای بهینه‌سازی خود و ساخت دانش بهینه‌سازی می‌اندیشد (لوئیس و پرینتی، ۲۰۰۰ نقل از هیبرت و موریس، ۲۰۱۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهند، درس پژوهی یکی از اثربخش‌ترین فرایندهای توانمندسازی معلمان به منظور یاری رساندن به خود و همکارانشان برای «یادگیری حین عمل»^{۱۱}، غلبه بر ترس از تغییر، ترویج خلاقیت و تفکر انتقادی، و به آزمایش در آوردن پیش‌فرض‌های ذهنی است.

پرش اساسی و فراگیر معلمان و مدیران آموزشی این است که: «چگونه می‌توان فرهنگ حرفه‌ای معلمان و کارگزاران آموزشی را تغییر داد و نقطه آغاز تبدیل مدارس به سازمان‌های یادگیرنده کجاست؟» به‌نظر می‌آید، درس پژوهی فرایند فکورانه کار معلمان بر پایه شواهد عینی^{۱۲} است. بنابراین تمرین مشاهده فعال، تفکر انتقادی، مشارکت در گفت‌وگوهای حرفه‌ای و بحث درباره «سناریو»^{۱۳} های آموزشی و نحوه تهیه، اجرا، بازبینی و تغییر آن‌ها، نیازمند زمان و تمرین مستمر است (استیگلر و هیبرت، ۱۳۹۰).

راهبردهای ترویج درس پژوهی در عمل

گاروین می‌گوید: «سازمان‌های یادگیرنده، یک شبه ساخته نمی‌شوند، بلکه اغلب نمونه‌های موفق از نگرش‌های دقیق پرورش یافته، فرایندهای مدیریتی اثربخش و تعهدات پایدار اعضا هستند که به آرامی و به شکل مستمر

ایجاد شده‌اند» (گاروین، ۱۹۹۳).

در اینجا راهکارهایی که بیشترین فراوانی و ضریب نفوذ را در بازسازی فرهنگ مدارس برای به‌کارگیری درس پژوهی و تبدیل مدرسه به سازمان یادگیرنده دارند، تبیین می‌شوند:

◆ **گردهمایی در محیط‌های غیررسمی و دوستانه برای گفت‌وگوهای حرفه‌ای:** فرصتی فراهم کنید تا معلمان و پژوهشگران آموزشی صرف نظر از موقعیت شغلی، دوستانه با هم گفت‌وگو کنند و در تجربه‌های یکدیگر سهیم شوند.

◆ **ایجاد شبکه‌های اجتماعی و اینترنت برای سهیم شدن در ایده‌ها و تجربه‌های یکدیگر:** ایجاد گروه در شبکه‌های اجتماعی یکی از این راهکارهاست.

◆ **تعیین نقش هر یک از شرکت‌کنندگان در پژوهش مشارکتی برای بهینه‌سازی فرهنگ آموزش**

◆ **بهره‌گیری از زبان مشترک در گفت‌وگوهای حرفه‌ای و حوصله تا حصول فهم جمعی:** زمان زیادی لازم است تا زبان و فهم مشترکی ساخته شود. در فرایند عمل مشارکتی، بسیار مهم است که معلمان دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف خود را به روشنی به اشتراک بگذارند.

◆ **توجه موزون به فرآیندها و پیامدها:** شایسته است انتظارات همراه و هم‌وزن فرایندها مشخص و ترویج شوند تا در تعامل دو یا چند جانبه، هم فرایندها، ماهیت و کیفیت عمل آن‌ها بهبود یابد و هم انتظار از پیامدها واقعی باشد.

◆ **تبیین عینی و روشن زمینه‌های عمل مشترک:** سعی کنید نکاتی برای اشتراک بین والدین، معلمان، مدیران و کارگزاران آموزشی بیابید. این امر نیازمند توانایی گوش دادن به سخن و ایده دیگران است.

◆ **ترویج ارزش‌های حرفه‌ای مشترک برای توانمندسازی معلمان:** برای مثال، معلم می‌تواند از معلمان بخواهد تا دیدگاه‌های شخصی خود را درباره بهینه‌سازی آموزش به روشنی بنویسند و آن‌ها را با یکدیگر به

سازمان‌های یادگیرنده، یک شبه ساخته نمی‌شوند، بلکه اغلب نمونه‌های موفق از نگرش‌های دقیق پرورش یافته، فرآیندهای مدیریتی اثربخش و تعهدات پایدار اعضا هستند که به آرامی و به شکل مستمر ایجاد شده‌اند

بحث بگذارند. این روش فرصتی را فراهم می‌آورد تا محیط یادگیری را بیافرینند که به «خودادراکی»^{۱۴} آن‌ها کمک می‌کند. این نشست‌ها بنیان‌های اخلاق جمعی را استوارتر می‌سازد و به‌عنوان منبع انرژی روانی-هیجانی، همکاری جمعی برای تغییر را تشویق می‌کند و «شوق تغییر»، احساس مسئولیت جمعی و صمیمیت برای تلاش جمعی را ترویج می‌دهد.

♦ **ترویج همکاری و فرهنگ مشارکت و تعامل:** برای شروع، ما نیازمند تغییر نگرش معلمان نسبت به هدف بازاندیشی آموزش هستیم. در فرایند درس‌پژوهی ارزیابی آموزش مهم است، نه صرفاً ارزشیابی معلم. به دلیل روابط سنتی و نگاه بالا به پایین، بعضی از معلمان دوست ندارند که درهای کلاس خود را به روی دیگران بگشایند. برخی از آن‌ها احساس می‌کنند که دانشگامیان می‌توانند از مدرسه و عملکرد معلمان انتقاد کنند، بدون اینکه راه حلی عملی برای مسائل ارائه دهند.

درس‌پژوهی ابزاری برای ارزشیابی معلمان نیست، بلکه تمرکز بیشتر بر چگونگی بهینه‌سازی سناریوهای آموزشی (ترویج آموزش گروهی و مشارکتی و فردی‌سازی یادگیری) است. البته به خاطر داشته باشید که تغییر نگرش همکاران زمان‌بر است و «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

♦ **تفکر عمیق در این موضوع که «تغییر» زمان‌بر است و «تداوم»، لازمه بهینه‌سازی است:** هم‌زمانی، هم‌فکری و همکاری،

مشارکت در تجربه و آموختن از یکدیگر و انجام پژوهش‌های مشارکتی در مدرسه و کلاس درس زمان‌بر است. پژوهش‌های پیتر سنگه و همکارانش نشان می‌دهند که چالش اصلی برای تداوم بهینه‌سازی مدرسه‌ها و تبدیل آن‌ها به سازمان‌های یادگیرنده، بیشتر شامل کمبود وقت، نبود حمایت‌های سازمانی لازم، فقدان ارتباط بین اهداف و عملیات، نبود تداوم در پیگیری هدف‌های معین، و ترس و فشارهای عصبی ناشی از ارزشیابی است (استیگلر و هیبرت، ۱۹۹۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به‌کارگیری درس‌پژوهی، برای بازسازی مدرسه‌ها به‌عنوان سازمان‌های یادگیرنده، به توسعه فرهنگ حرفه‌ای نوین در مدرسه یاری می‌دهد. فعالیت‌های مشارکتی، شریک شدن در تجربه‌های یکدیگر، ترویج تصمیم‌گیری مشارکتی، آموختن از یکدیگر، ترویج تفکر انتقادی، غلبه بر ترس از یادگیری و «هراس از اصلاح»، بهینه‌سازی رهبری آموزشی، طراحی و اجرای طرح درس‌های نوآورانه برای ترویج آموختن برای زیستن، تأمل در اندیشه و نیاز دانش‌آموزان، و مشاهده و ثبت دقیق داده‌های مربوط به پژوهش در کلاس درس برای بهینه‌سازی سبک‌های آموزش و یادگیری، مهم‌ترین عناصر فرهنگ حرفه‌ای جدید هستند.

راهکارهای ترویج درس‌پژوهی به گسترش این ایده یاری می‌رساند که «آموزش

امری فرهنگی است»^{۱۵} و توانمندسازی معلمان در فرایند تغییر تدریجی سناریوهای آموزشی محقق می‌شود (استیگلر و هیبرت، ۱۳۹۰). این راهکار همگان را برای یادگیری از یکدیگر تشویق می‌کند و تغییرات مداوم، خود-پایداری و یادگیری-محور را در مدرسه و کلاس درس بنیاد می‌نهد. در این شرایط، بیشتر معلمان به تدریج این احساس را خواهند داشت که برای یادگیری به مدرسه می‌آیند و این پیش‌فرض رایج را که «وقتی من آموزش می‌دهم، دانش‌آموزانم یاد می‌گیرند» بازبینی می‌کنند و به تدریج به این بینش تازه می‌رسند که «وقتی من یاد می‌گیرم، دانش‌آموزانم یاد می‌گیرند».

پیشنهاد می‌شود معلمان گرمایی درس‌پژوهی را به‌عنوان الگوی اثربخش در عمل بیازمایند. برای شروع درهای کلاس درس خود را به تدریج به روی همکاران بگشایند، آن‌ها را به مشاهده فرایند تدریس خود دعوت کنند، پس از تدریس با آن‌ها درباره کلاس درس و روش تدریس خود گفت‌وگو کنند، و در تجربه‌های یکدیگر برای بهینه‌سازی تدریس شریک شوند. در مرحله بعد، طرح درس مشترکی طراحی و با مشارکت فعال یکدیگر و همکاری پژوهشگران آموزشی آن را اجرا و بازبینی کنند. به این ترتیب همه ما در فرایند یادگیری (تبیین مسئله، طراحی، عمل، بازاندیشی، و یادگیری) فعالی قرار می‌گیریم که به بهینه‌سازی سناریوهای آموزشی کمک می‌کند و همه ما را به توانمندی‌های بیشتر و چشم‌اندازهای روشن‌تری می‌رساند (سرکار آرانی، ۱۳۹۰).

* پی‌نوشت‌ها

1. Lesson Study
2. Learning Organization
3. Organizational Learning
4. focus on teaching, not teacher
5. School Improvement Theory
6. Peter Senge
7. learning-centered education
8. self-sustaining change
9. lesson study as action research
10. self-sustainable change
11. learning by doing
12. reflection and evidence-based practice in action
13. script
14. self-realization
15. teaching is a cultural activity

* منابع

۱. سرکار آرانی، محمدرضا (۱۳۷۸). «پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس: تجربه‌ی زاین در پرورش حرفه‌ای معلمان در مدرسه». فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت، سال پانزدهم، شماره ۳.
۲. — (۱۳۸۹). فرهنگ آموزش و یادگیری: پژوهشی مردم‌نگارانه با رویکرد تربیتی. انتشارات مدرسه. تهران.
۳. خاکباز، عظیمه سادات؛ محمدرضا فدایی و نعمت‌الله موسی‌پور (۱۳۸۷). «تأثیر درس‌پژوهی بر توسعه حرفه‌ای معلمان ریاضی». فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت، شماره ۹۴.
۴. استیگلر، جیمز و جیمز هیبرت (۱۳۹۰). شکاف آموزشی: بهترین ایده‌ها از معلمان جهان برای بهبود آموزش در کلاس درس، ترجمه محمدرضا سرکار آرانی و علی‌رضا مقدم، انتشارات مدرسه. تهران. چاپ ششم.
5. Garvin, D. A. (1993). Building a Learning Organization, Harvard Business Review, July-August 1993, pp. 78-91.
6. Hiebert, J. & Morris, A.K. (2012). Teaching, Rather Than Teachers, As a Path Toward Improving Classroom Instruction, Journal of Teacher Education 63(2):92-102.
7. Senge, P. M. et. al. (1999). The Dance of Change: The Challenges to Sustaining Momentum in Learning Organization, USA: Doubleday.
8. Senge, P. M. (1990). The Fifth Discipline: The Art & Practice of The Learning Organization, USA: Doubleday.
9. Stigler, J.W. & Hiebert, J. (1999). The Teaching Gap: Best Ideas from the World's Teachers for Improving Education in the Classroom, New York: The Free Press.

دندان‌پزشکان کوچک ایفای نقش، روشی برای آموزش بهتر



اشاره

هدف از اجرای الگوی تدریس ایفای نقش کمک به دانش‌آموز است تا شخصیتی منحصر به فرد تربیت شود. الگوی تدریس ایفای نقش، فرصتی را ایجاد می‌کند که در آن یادگیرندگان در تحصیل موقعیت‌ها به صورت همیار و مشترک فعالیت کنند. در این الگو، یادگیرندگان برای پرداختن به انواعی از واقعیت‌های اجتماعی شیوه‌ای آزادمنشانه را به وجود می‌آورند. یادآوری می‌شود که جریان ایفای نقش، نمونه زنده‌ای از رفتار انسان را نشان می‌دهد که به مثابه ابزاری در خدمت دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا آنان:

- احساسات خود را بروز دهند.
- از بینش خود در نگرش‌ها، ارزش‌ها و برداشت‌های خود سود جویند.
- نگرش‌ها و مهارت‌های حل مسئله را به وجود آورند و گسترش دهند.
- مواد درسی را از طرق گوناگون بررسی کنند.

کردم و گفتم که راه‌حل‌های شما دردم را موقتا تسکین می‌دهند، اما بهتر است دندان دردم را اساسی پیگیری کنم و تأکید کردم برای درمان هر بیماری، مراجعه به پزشک متخصص، بهترین کار است. من هم به دندان‌پزشکی خواهم رفت.

آن‌گاه دندان‌پزشکان کوچک کلاس راه‌های مواظبت از دندان را به بچه‌ها توصیه کردند. آن‌ها مواردی مانند مسواک زدن مرتب، استفاده از نخ دندان و دهان‌شویه، شست‌وشو با آب نمک، نشکستن پسته و بادام با دندان، نخوردن نوشابه و خوراکی‌های شیرین و... را با اجرای پانتومیم و ایفای نقش نشان دادند.

بعد از آن، ماکت دندان را به کلاس آوردیم و از زبان مسواک طریقه صحیح مسواک کردن را به بچه‌ها آموزش دادیم. درس را با معرفی نشانه «ن» و نوشتن کلمات جدید ادامه دادیم.

را لای پنبه بگذارید و آن را روی دندانان بگذارید، دردش آرام می‌شود.

محمد امین: شما مثل مامان بزرگم در سوراخ دندانان سیر له شده بگذارید، فکر کنم خوب باشد!

ابوالفضل: چند دانه شکر را روی شعله گاز بسوزانید، سپس در سوراخ دندانان بگذارید، دردش تمام می‌شود.

سید ابوالفضل: اگر یک قرص استامینوفن را روی دندان خود بگذارید، مطمئنم خوب می‌شود.

حسن: خانم، مامانم زنجبیل خیس شده لای پنبه کرد و روی دندانم گذاشت، کمی سوخت، ولی دردش زود خوب شد.

علی هم گفت: خانم اجازه، به نظر من بهترین کار آن است که از همان ابتدا که دندانان درد گرفت، به دندان‌پزشکی بروید تا آن را پر کند یا بکشد.

من او را به خاطر این نظر خوبش تشویق

دندان‌پزشکان کوچک کلاس

برای آموزش نشانه «ن» از کتاب فارسی، تدریس را با علوم تلفیق و این‌گونه ایجاد انگیزه کردم:

با نقش فردی که دندانش درد می‌کند وارد کلاس شدم و از بچه‌ها خواستم با اجرای نقش دندان‌پزشک، درد مرا درمان کنند. چند نفر داوطلب شدند و یکی یکی روی صندلی ویژه دکتر نشستند. من نزد آن‌ها رفتم تا راه‌حلی برایم بیان کنند. بچه‌ها با استفاده از تجربه‌های بزرگ‌ترها در خانه، هر کدام نسخه‌ای برای من پیچیدند:

محمد: شما در سوراخ دندانان میخک بگذارید، زود بی‌حس می‌شود.

حسین: به نظر من حوله گرم روی لپتان بگذارید تا دردتان کم شود.

امیر علی: یک تکه یخ لای پارچه بپیچید و روی صورتتان بگذارید تا ورم نکنند.

علی اکبر: اگر نمک یا چای خشک

گفت و گو با اعظم خیر خواه، کارشناس و دبیر ادبیات

مطالعه ۱۲ کتاب برای پاسخ به یک سؤال دانش آموز

هنوز تجربه‌ای در تدریس نداشت و مثل امروز دسترسی به اینترنت برای پیش میسر نبود که بعد از درس «زندگی در قطب شمال»، یکی از شاگردانش در کلاس چهارم ابتدایی دست بلند کرد و پرسید: «خانم! در کتاب علوم نوشته که در قطب شمال کشاورزی امکان‌پذیر نیست. پس خرگوش قطبی هویج از کجا برای خوردن پیدا می‌کند؟» جوابی در آستین نداشت، اما گفت: «جواب این سؤال را جلسه بعد به شما خواهیم داد.»

به سرعت ۱۲ جلد کتاب خرید و مطالعه کرد تا بداند هر جانور با توجه به شرایط محیطی زندگی خود چگونه تغذیه می‌کند. جلسه بعد به شاگردش گفت: «حیوانات قطبی شش ماه خواب هستند و در شش ماه دیگر از خزها و گل‌سنگ تغذیه می‌کنند. این سؤال درس عبرتی برایش شد تا برای تدریس فقط به کتاب درسی اکتفا نکند.

آن‌قدر شوق معلمی داشت که بعد از دیپلم، کار آموزش را آغاز کرد. تصمیم گرفت تدریس و تحصیل را با هم داشته باشد که در میانه راه با مخالفت روبه‌رو شد. ناچار تدریس را انتخاب و تحصیل را رها کرد. چندی بعد دوباره سراغ تحصیل رفت و امروز با مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و ۲۶ سال سابقه تدریس، دانش و تجربه‌اش را در اختیار دانش‌آموزان پایه‌های هفتم تا نهم مجتمع متقین منطقه ۱۲ تهران قرار می‌دهد.

سرگروهی آموزشی ادبیات فارسی منطقه کهریزک و شهرستان‌های استان تهران، داوری جشنواره تدریس برتر، عضویت در کمیته بهبود و کیفیت‌بخشی آموزشی و عضویت در کمیته بررسی نظام پیشنهادات منطقه کهریزک، از جمله مسئولیت‌ها و تجربه‌های اعظم خیر خواه به شمار می‌روند. درباره پیوند میان زبان و ادبیات فارسی و تکنولوژی آموزشی با او به گفت‌وگو نشستیم.

صحیح را به او یادآوری می‌کنند. بعد خودم متن املا را بررسی می‌کنم و به گروه نمره می‌دهم.

■ فرض کنیم درس خاصی مثل آموزش فعل در بین است. روش تدریس شما چگونه خواهد بود؟

● تصور کنید امروز می‌خواهم فعل را در پایه هفتم آموزش بدهم. فقط تعریف فعل و آوردن مثال به یادگیری آن‌ها کمک نمی‌کند. اگر هم یاد بگیرند، طوطی‌وار خواهد بود (در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم درباره فعل و اسم و صفت خوانده‌اند). چند فعل، اسم و صفت مانند نشستیم، میز، خوب، گفتم، مهربان، کتاب، نوشت، بزرگ و درخت) روی تخته می‌نویسم. سپس از آن‌ها می‌خواهم به صورت گروهی این نوشته‌ها را در یک برگه دسته‌بندی کنند و اسامی گروه خود را هم بنویسند. برگه‌ها را نگاه می‌کنم. درست‌ها را جدا می‌گذارم. یکی از گروه‌ها پای تخته می‌آید و کاری را که به سرانجام رسانده‌اند، روی تخته نشان می‌دهند: «(نشستیم، گفتم، نوشتیم)، (میز، کتاب، درخت)، (خوب، مهربان، بزرگ)» علت دسته‌بندی را از آن‌ها می‌پرسم. جواب این است که گروه اول فعل، گروه دوم اسم و گروه سوم صفت است. بعد دوباره خودم توضیح کاملی می‌دهم و دلیل این تعریف‌ها و دسته‌بندی را برایشان تشریح می‌کنم.

■ بین ادبیات فارسی و تکنولوژی آموزشی چگونه ارتباط برقرار می‌کنید؟

● بیشتر اوقات از روش‌های تدریس فعال، شعر، داستان، بازی، فعالیت گروهی، رایانه و کتاب استفاده می‌کنم. انواع روش تدریس فعال مانند روش بارش مغزی، بدیعه پردازی، استقرایی، حل مسئله، تدریس اعضای تیم، پرسش و پاسخ و... را به کار می‌گیرم. فرض کنید در پایه هفتم قرار است بچه‌ها درباره «گل» انشا بنویسند. با روش بدیعه پردازی، ابتدا از تک‌تک دانش‌آموزان می‌خواهم درباره گل جمله‌ای بگویند و آن را روی تخته یادداشت می‌کنم. در مرحله دوم می‌پرسم گل را به چه تشبیه می‌کنند؟ در مرحله سوم می‌خواهم فکر کنند اگر جای گل بودند چه احساسی داشتند؟ در مرحله چهارم هم با استفاده از نوشته‌های روی تخته کلاس درباره گل انشا می‌نویسند.

در روش گروهی هم برای مثال در املا دانش‌آموزان را به گروه‌های چهار نفره تقسیم می‌کنم. در هر گروه یک دانش‌آموز را که در درس املا نمره بالایی هفده ندارد قرار می‌دهم و از دیگران می‌خواهم به ترتیب یک خط املا بنویسند و سه نفر بعدی دقت کنند هم‌گروهی‌شان اشتباه ننویسد. اگر نویسنده املا کلمه‌ای را اشتباه بنویسد، سه نفر دیگر کلمه



جذاب و آهنگین را هم با پاورپوینت در اختیارش می‌گذاشتم. او که قبلاً حتی تکالیفش را هم نمی‌نوشت و نمرهٔ املايش از ۲ فراتر نمی‌رفت، کار را به حدی رساند که دیگر نمراتش کمتر از ۱۷ نبودند.

■ شما معتقدید انشا را باید آموزش داد. روال شما در این درس چگونه است؟

● زمانی که سراغ معلمی و تدریس آمدم، کتاب خاصی برای آموزش انشا نمی‌شناختم. اما از همان ابتدا اعتقاد داشتم انشا باید آموزش داده شود. گرچه عده‌ای از همکارانم معتقد بودند خوب نوشتن انشا ذاتی است و اکتسابی نیست. در گروه آموزشی شهرستان‌های استان تهران که بودم، بارها این موضوع را در جلسات عنوان می‌کردیم. کاری که آن سال انجام شد این بود که روش‌های آموزش انشا را از کتاب‌ها و از نظرات همکاران جمع‌آوری کردیم. اما متأسفانه با همهٔ تلاشمان، جزوه چاپ نشد و من سال بعد از آن، در منطقهٔ ۱۲ شروع کردم به آموزش این مهم بر اساس همان جزوه. خوشبختانه معاون آموزشی مجتمع «متقین»، خانم میرسلیمانی، از

● شعری در پایهٔ هشتم از قآنی شیرازی دربارهٔ فصل بهار و زیبایی‌های آن داریم که سرشار از تشبیه و استعاره است. من شعر را با لحن مناسب می‌خوانم. سپس با پرسش و پاسخ موضوع را به سمت بهار و زیبایی و خالق آن پیش می‌بریم. بچه‌ها شعر را معنا می‌کنند و بعد خودم آن را دوباره شرح می‌دهم. ارتباطی میان قرآن و مضمون آن شعر برایشان برقرار می‌کنم و بعد بچه‌ها، برای جلسهٔ بعد آیه‌ای مرتبط را می‌یابند و در کلاس مطرح می‌کنند.

■ نگاهتان به علم و فن در تکنولوژی آموزشی چگونه است؟

● آن را مانند دو بال در خدمت آموزش می‌دانم. در عصر کنونی، با توجه به پیشرفت تکنولوژی و استفادهٔ دانش‌آموزان از فضای مجازی، تمام توانم را به کار می‌بندم تا اگر نتوانم از دانش‌آموزانم جلوتر باشم، حداقل عقب‌تر نباشم. تلاش می‌کنم درس را جذاب کنم و سطح یادگیری را در شاگردانم ارتقا بخشم.

■ این روزها پاورپوینت به عنوان یک ابزار تکنولوژی مورد استفادهٔ معلمان و دبیران رشته‌های مختلف است. در حوزهٔ تدریس شما این تکنولوژی چه نقشی دارد؟

● دانش‌آموزی داشتم که در «املا» نمرهٔ تک می‌گرفت و به هیچ وجه راضی نمی‌شد تکلیف بنویسد. هر روشی را به کار می‌بردم، موفق نمی‌شدم تا روزی که برای یاد دادن کار با پاورپوینت به سایت رفتیم. وقتی کمی با پاورپوینت آشنا شد، چنان شور و حالی او را فرا گرفت که با هیجان آن را به من اعلام کرد. احساس کردم فرصت خوبی برای رفع مشکل املايي او پیش آمده است. او را تشویق کردم تا کلمات مشکل درس را در قالب یک کار کارگاهی در پاورپوینت گردآوری کند. به تدریج کتاب‌خوان هم شد. متن pdf کتاب‌های الکترونیکی مناسب سن او را برایش داخل سی‌دی می‌ریختم تا مطالعه کند. متن‌های

■ برای تدریس شعر یا روان‌خوانی دروس فارسی هم تدبیری دارید که بچه‌ها درس را بهتر یا عمیق‌تر فرا بگیرند؟

● در تدریس شعر، ریتمیک کردن آن می‌تواند برای حفظ شعر ایجاد انگیزه کند. همان‌طور که برای تدریس افعال و قواعد دستوری، با ساختن شعر و گفتن داستان و ساخت پاورپوینت توسط خود دانش‌آموزان آموزش را تسهیل می‌کنم و اشتیاق را در آنان افزایش می‌دهم، برای روان‌خوانی نیز از نمایش رادیویی در همان فضای کلاسی و در حالی که پشت میز و صندلی‌های خود حضور دارند، بهره می‌بریم. هر کسی در این داستان نقشی برعهده می‌گیرد و خودم هم با دانش‌آموزانم همراهی می‌کنم. اگر بنا باشد فقط یک نفر متن را روخوانی کند و بقیه شنونده باشند، به هدف آموزش نمی‌رسیم.

در یک درس مثل «کژال» در پایهٔ هفتم، شخصیت‌های متعددی داریم. هر کسی یک نقش را از متن درس برعهده می‌گیرد و با هم آن را به صورت نمایش می‌خوانیم.

■ آیا استفاده از نمایش رادیویی در آموزش شما و فراگیری شاگردانان تأثیری دارد؟

● هدف فعال کردن دانش‌آموزان و کشف استعدادهای آن‌ها و ایجاد انگیزه در آنان است. وقتی انسان انگیزه نداشته باشد، دچار رخوت، سستی و بی‌حوصلگی می‌شود. ما سعی می‌کنیم در این فعالیت از توانایی و استعداد بچه‌ها هم کمک بگیریم. برای مثال، یکی به خاطر صدای خویش می‌تواند مجری باشد و دیگری با حالت تقلید می‌تواند بازیگر خوبی شود. من معتقدم، با روش‌های فعال و مشارکت دانش‌آموز در تدریس، یادگیری مهارت‌های زندگی هم بیشتر می‌شود. هر شیوهٔ جالبی که دانش‌آموزان را به تفکر وادارد، در تدریس من حائز اهمیت است.

■ لطفاً مثالی در این باره بزنید.

این حرکت استقبال کرد و کتابچه انشا را برای بچه‌ها تکثیر کردیم.

اوایل سال بیشتر دانش‌آموزان در نوشتن مشکل دارند؛ حتی متن شاگرد ز رنگ کلاس هم ضعیف است. با جمله ساختن و روش بدیعه‌پردازی - به کار بردن کلمه در جمله - بچه‌ها را برای نگارش انشا تشویق می‌کنم. فرض کنید انشایی در موضوع « نماز » داریم. هر دانش‌آموز یک جمله در این باره پای تخته می‌نویسد. جمله‌ها نباید تکراری باشند. سپس با ترکیب و جا به جا کردن این جمله‌ها، سعی می‌کنیم یک متن بنویسیم. البته الان هم که کتاب انشا هست و هر فصل آن یک روش را آموزش می‌دهد.

■ **گاهی در مباحث ادبی مثل فعل، فاعل، مصدر، صفت و موصوف، بچه‌ها نکته‌ها را به سختی درک می‌کنند و قادر نیستند نمونه و مثال به یاد بیاورند تا مشخص شود مبحث را درک کرده‌اند یا نه؟ برای آن‌ها چه تدبیری به کار می‌برید؟**

● دانش‌آموزان معمولاً در یادگیری سه دسته هستند. دسته اول درس را سریع یاد می‌گیرند. برای دسته دوم باید مثال‌های بیشتری بیاوریم و از خودشان بخواهیم مثال‌ها را در کتاب پیدا کنند. دسته سوم هم دیرتر یاد می‌گیرند. افراد هر دسته که بیشتر باشند، روش‌های من هم به نفع آن دسته تغییر می‌کنند. ممکن است در یک کلاس از شعر برای آموزش فعل‌های اسنادی «است و بود و شد» استفاده کنم و در یک کلاس نه.

بعضی وقت‌ها کنار شاگردان دیرآموز می‌نشینم و آرام آرام آموزش می‌دهم و نمونه‌ای از فعل یا مصدر را برایشان می‌گویم و از خودشان می‌خواهم آن‌ها را در متن کتاب پیدا کنند.

■ **نگاه دانش‌آموزان به درس ادبیات چگونه است و شما با چه تدابیری در مثبت اندیشی درباره این درس با آنان برخورد می‌کنید؟**

● متأسفانه نه تنها نگاه دانش‌آموزان و اولیا،

که حتی نگاه بعضی همکاران رشته‌های علوم و ریاضی هم به ادبیات و علوم انسانی مثبت نیست. در صورتی که برای درک مسئله‌های ریاضی یا علوم، تا دانش‌آموزان معنی واژه‌ها و جمله را ندانند، امکان حل مسئله هم میسر نمی‌شود. من معتقدم، بخشی از ضعف در علوم و ریاضی از ضعف در ادبیات آن‌ها ناشی می‌شود. در این باره، مقصر اصلی به نظر من ما دبیران ادبیات هستیم.

من ابتدای هر سال در باره «هدف از خواندن درس ادبیات» با دانش‌آموزان و خانواده‌ها صحبت می‌کنم. در طول دوران مدرسه هم مسابقه کتاب‌خوانی برگزار می‌کنیم. زنگ‌های انشا به کتابخانه می‌رویم. چند وقت یک بار در زنگ‌های انشا به تک‌تک آن‌ها کتاب می‌دهم تا آن را در حضور دیگران بخوانند و طرز رفتار و نوع برخورد هر شاگرد با کتاب و مطالعه را یادداشت می‌کنم. برای مثال، فلان دانش‌آموز زیاد معنی لغت می‌پرسد. یکی بی‌حوصله می‌خواند و دیگری با اشتیاق. از شاگردانی که علاقمند به مطالعه هستند هم می‌خواهم تا آنچه را مطالعه کرده‌اند برای دیگران بازگو کنند. هدفم برطرف کردن ضعف و یاد دادن نحوه خواندن کتاب برای لذت بردن از آن است.

گاهی هم اگر فرصتی باشد، در کلاس مسابقه مشاعره داریم. از شبکه‌های مجازی هم برای معرفی و ارائه کتاب‌های رایگان و حتی کتاب‌های صوتی به بچه‌ها استفاده می‌کنم.

■ **از مسابقه کتاب‌خوانی و معیاران برای انتخاب کتاب‌ها بیشتر بگویید.**

● بچه‌ها ابتدا کتابی را که مدرسه از قبل تهیه کرده است مطالعه می‌کنند. گاهی از کتاب سؤال درمی‌آورند یا آن را خلاصه‌نویسی می‌کنند و خلاصه‌شان را برای دیگران می‌خوانند. معیار بنده برای انتخاب کتاب، گروه سنی بچه‌هاست. اعتقاد دارم آن‌ها باید با توجه به گروه سنی خود کتاب بخوانند. کتاب‌خوانی

کار هفتگی بچه‌هاست. دانش‌آموزان کوشا در این باره تشویق می‌شوند و امتیاز می‌گیرند.

هدفم از این برنامه تقویت روان‌خوانی، گسترده شدن دایره لغات و کمک به انشانویسی بچه‌هاست.

■ **با نشریه رشد تکنولوژی آموزشی چقدر آشنایی دارید؟ اگر آن را مطالعه می‌کنید، نظر تان در باره موضوع‌های آن چیست؟**

● سال ۷۲ مدیر مدرسه «مرعشی نجفی» در قلعه نوجاده ورامین، سرکار خانم موسوی، مرا با این مجله آشنا کرد. ایشان اعتقاد داشت همه معلمان باید نشریه‌های پیوند، رشد معلم و رشد تکنولوژی را مشترک باشند. او خود، مباحث شورای آموزگاران را از مطالب این مجلات انتخاب می‌کرد و ما هم به نوبت مباحثی را که خوانده بودیم در جلسه مطرح می‌کردیم. البته الان هم نشریه را از مدرسه امانت می‌گیرم و مطالعه می‌کنم. بخش اطلاع‌رسانی جالب است و من از مباحث «آموزش و مهارت‌های حرفه معلمی» بیشتر استفاده می‌کنم.

■ **و سخن آخر؟**

● اگر در ماهنامه تکنولوژی آموزشی برای همه رشته‌های تحصیلی مطلب تهیه شود و یا در تقسیم‌بندی محتوا به موضوعاتی مثل ادبیات فارسی بیشتر اهمیت داده شود، معلمان و دبیران بیشتری از آن استفاده می‌کنند. برای انتخاب مطالب ماهنامه نظرخواهی شود و بهترین و جامع‌ترین نظرات که اکثر معلمان به آن‌ها اشاره کرده‌اند، انتخاب شود. بخشی را هم به عنوان پرسش و پاسخ در نظر بگیرند. هر ماه چند نفر مشکلات تدریس را عنوان کنند و همکارانی که تجربه‌های بیشتری دارند در این باره پاسخگو باشند تا بر تجربه افراد جدید افزوده شود. رشد تکنولوژی آموزشی باید با علم و فناوری روز همراه باشد. داشتن یک کانال در شبکه‌های مجازی فرصت خوبی برای ارتباط مستمر با معلمان و دبیران است. ■ **سپاس از حضور تان در این گفت‌وگو.**

مشارکت دانش آموزان در امور مدرسه موانع و راهکارها

اشاره

امروزه مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای مدرسه‌ای در افزایش انگیزه و پیشرفت تحصیلی نقشی انکارناپذیر دارد، اما این امر خود با مشکلاتی مواجه است. چالش‌های متعددی از قبیل فرهنگی - اجتماعی، مدیریتی، ساختاری، انگیزشی، فردی و قانونی در مقابل مشارکت دانش آموزان قرار دارند. رفع این موانع و چالش‌ها باعث تقویت حس مسئولیت‌پذیری دانش آموزان و بالا رفتن اعتمادبه‌نفس و افزایش انگیزه در آنان می‌شود. در شرایطی که هم و غم کارشناسان و کارگزاران آموزش و پرورش، سوق دادن دانش آموزان به کارهای گروهی است، مشارکت آن‌ها در امور مدرسه می‌تواند عاملی مهم در نیل به هدف‌های آموزشی و پویا شدن مدرسه باشد.

کلیدواژه‌ها: موانع مشارکت، شورای دانش آموزی، فعالیتهای مدرسه

و جامعه شرکت داده شوند، جامعه و مدرسه بیشتر به سوی تعالی می‌روند و از قدرتهای فکری، جسمی و خلاقانه دانش آموزان استفاده بیشتری به عمل می‌آید و این موجب افزایش مسئولیت‌پذیری و اعتمادبه‌نفس دانش آموزان نیز خواهد شد (سلطانی، ۱۳۸۱).

جهان به سوی مشارکت گام برمی‌دارد

جهان امروز در حال تغییر است و معیارهای موفقیت در زندگی نیز با گذشته تفاوت‌های بسیار یافته است، به همین جهت آموزش و یادگیری مهارتهایی مانند روابط انسانی، توانایی حل مسئله، تجزیه و تحلیل اطلاعات و تفکر انتقادی برای دانش آموزان ضروری به نظر می‌رسد (خوش‌خلق، ۱۳۸۲). تربیت شهروندی که از وظایف مهم آموزش و پرورش است، در واقع بستری مناسب برای مشارکت دانش آموزان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌بومی فراهم می‌کند. البته امروزه وظیفه آموزش و پرورش سنگین‌تر شده است، زیرا علاوه بر سطوح محلی و ملی، از شهروند جهانی و شهروند الکترونیک نیز صحبت می‌شود (Watson, 2004: 259-271).

نقش مشارکت افراد در تعیین سرنوشت خود و جامعه مورد تأیید همه صاحب‌نظران است. به اعتقاد یونگ (۱۳۸۷)، «جامعه‌ای که برای رسیدن به اهداف خود مشارکت همه مردم را جلب کند، قهرمان تاریخ جهان خواهد بود». مشارکت افراد در فعالیتهای اجتماعی، ابتدا در آموزش و پرورش تحقق می‌یابد. هر اندازه در نظام آموزش و پرورش توانایی‌های دانش آموزان بیشتر شناخته شود و آن‌ها از طریق فعالیتهای اجتماعی، در مدرسه



دانش‌آموزان است. او موانع انگیزشی را نیز از موانع چالش‌انگیز در مشارکت دانش‌آموزان می‌داند (مکنیل ۱۹۹۸).

بنابر تحقیقات حسن بگلو و نوید ادهم (۱۳۷۲)، تشکیل انجمن‌های فرهنگی و هنری موجب رشد و تقویت روحیه جمعی و گرایش به فعالیت‌های گروهی و ایفای نقش مثبت و همچنین غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان و در نهایت رشد روحیه مشارکت در آنان می‌شود. در حالی که، به اعتقاد رحیمی (۱۳۷۲)، عواملی از قبیل وجود تبعیض در واگذاری مسئولیت‌ها، نبود تشویق، نبود اعتمادبه‌نفس، انزوا، کمبود وقت و سخت بودن دروس بر مشارکت نکردن دانش‌آموزان در فعالیت‌ها تأثیر منفی می‌گذارند.

سبحانی‌نژاد (۱۳۸۲) اعتقاد دارد، در نظام آموزش و پرورش کشور ما، برای تحقق بخشیدن به اهداف مشارکتی، تلاش‌هایی صورت گرفته و تلاش شده از همه امکانات و فرصت‌ها به صورت مطلوب استفاده شود تا دانش‌آموزان از حالت سکون و انفعال بیرون بیایند و به شکل کاملاً جدی و فعال در فعالیت‌های کلاس درس و مدرسه و حتی جامعه شرکت کنند. آیین‌نامه اجرایی مدارس، مصوب سال ۱۳۷۹ ارکان تصمیم‌گیری در مدارس را مدیر، انجمن اولیا و مربیان، شورای مدرسه، شورای معلمان و شورای دانش‌آموزی دانسته است. بنابراین، شورای دانش‌آموزی با هدف مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در مدارس ایجاد شده است و می‌کوشد مشارکت دانش‌آموزان را جلب کند. اما متأسفانه پس از استقرار شورای دانش‌آموزی، فهم دقیق و روشنی از موانع موجود در سر راه مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس که مبتنی بر یافته‌های علمی هم باشد، در دسترس نیست. پس چه باید کرد؟!

یافته‌های پژوهش در خصوص موانع مشارکت

در پژوهشی که نگارنده با جمع‌آوری اطلاعات در خصوص موانع مشارکت دانش‌آموزان در مدارس متوسطه شهر مرزن‌آباد در سال ۱۳۹۳، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و روی دو گروه دانش‌آموزان و معلمان - مدیران انجام داد، موانع فعالیت‌های مشارکتی به شرح زیر بیان شد:

۱. فرهنگی - اجتماعی: شامل روحیه فردگرایی و خودمحوری، نبود انسجام و همدلی، اعتقاد نداشتن به فعالیت‌های مشارکتی، کمی دانش درباره مشارکت، داشتن روحیه برتری‌طلبی قومی و نژادی، منفی بودن دیدگاه خانواده‌ها نسبت به



میزان مشارکت در مدارس کشور

تحقیقات جامعی که در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ انجام شده‌اند، نشان می‌دهند که مدیریت مشارکتی، به‌خصوص در سازمان‌های دانش‌محور (مدارس و دانشگاه‌ها) باید با خلاقیت‌ها و انگیزه‌های درونی خود، سازمان را در رسیدن به اهداف آموزشی به پیش ببرد. این در حالی است که مدیران مدارس در کشور ما، با شک و تردید و با اطلاعات ناکافی و گاه براساس تجربیات شخصی خود تصمیم‌ها را اخذ می‌نمایند و ممکن است در اغلب موارد این تصمیم مورد قبول افراد زیرمجموعه آن‌ها نباشد و نتایج دلخواه را بار نیاورد (Branch, 2002). در حالی که تصمیم‌گیری مشارکتی باعث افزایش کیفیت تصمیمات اخذ شده، نوآوری و خلاقیت و همچنین قضاوت جامع در مورد تصمیم و در پایان موجب درست‌تر بودن آن خواهد شد (نیکنامی، ۱۳۸۱).

شوراهای دانش‌آموزی در مشارکت‌دهی افراد نقش مهمی ایفا می‌کنند. در پژوهش ورنبرگ (۱۹۹۰) نشان داده شده است که فعالیت‌های فوق برنامه در برنامه‌های مدارس نقش مهمی بر عهده دارند. مشارکت می‌تواند حتی سطح مهارتی و آگاهی دانش‌آموزان از فعالیت‌های مدرسه‌ای و اجتماعی را نیز بالا ببرد. اصلی‌ترین مشکلات مدارس از نظر مکنیل ۱۹۹۸ در طراحی و ارائه برنامه مشارکتی، تأمین نبودن از لحاظ مالی، بی‌علاقگی دانش‌آموزان به مشارکت، مشکلات نظارتی و تلف شدن وقت

شورای
دانش‌آموزی
با هدف
مشارکت‌دهی
دانش‌آموزان در
مدارس ایجاد
شده است و
می‌کوشد مشارکت
دانش‌آموزان را
جلب کند

**عواملی از
قبیل تبعیض
در واگذاری
مسئولیت‌ها،
سختگیری‌های
بی‌مورد در
محیط مدرسه،
نبود تشویق و
قدردانی، نبود
اعتماد به نفس
در دانش‌آموزان،
گوشه‌گیری،
کمبود وقت و
سنگینی درس‌ها
تأثیرگذارترین
عوامل در میزان
مشارکت هستند**

تفسیر و جمع‌بندی

بر اساس یافته‌های این پژوهش، اعضای دو گروه نمونه موانع مشارکت را بیشتر به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند. دانش‌آموزان می‌گویند موانع را بیشتر به محیط آموزشگاه و مدرسه (انگیزشی) نسبت دهند، در حالی که مسئولان و دبیران سعی دارند موانع را بیشتر به عوامل فردی و قانونی نسبت دهند. به همین دلیل، دانش‌آموزان موانع فردی و مسئولان و دبیران موانع مدیریتی را در اولویت آخر خود قرار داده‌اند. از همین جا می‌توان دریافت، مهم‌ترین مانع مشارکت و چالش برانگیزترین مانع، همین طرز نگرش و تلقی ناملموس افراد نسبت به موضوع مشارکت است. به طوری که هر یک از افراد در محیط خود به دنبال موانع می‌گردند، بدون اینکه به نقش خود، به عنوان یک مانع بر سر راه مشارکت، توجهی داشته باشند. بنابراین، مسئولان نظام آموزش و پرورش باید بکوشند با ارائه آموزش‌های لازم، اهمیت نقش خود را برای افراد در رده‌های مختلف تفهیم کنند که یکی از راه‌های آن برگزاری کلاس‌های توجیهی توسط مشاوران محترم در مدارس و اختصاص ساعتی خاص در برنامه مدارس برای این موضوع است. همچنین، مسئولان باید مقدمات لازم برای شفاف‌سازی آیین‌نامه‌های مربوط به فعالیت‌های مشارکتی را فراهم کنند

به‌طور قطع، اهتمام آموزش و پرورش برای ساختار سازی مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه‌ها از طریق شوراهای دانش‌آموزی زمانی اثربخش است که همه عوامل در کنار هم مورد توجه قرار گیرند. لازمه این امر آن است که نگرشی نظام‌مند در آموزش و پرورش به وجود آید و در کنار عامل ساختاری، به عوامل انگیزشی، قانونی و مدیریتی نیز توجه خاص شود. تنها در این صورت است که می‌توان به سوی تحقق رویای مدارس دولتی مشارکتی گام برداشت.

مشارکت، نبود فرصت اظهار نظر، سختگیری در محیط و تبعیض در واگذاری مسئولیت‌ها

۲. **ساختاری:** شامل نبود نهادهای کارآمد برای بیان خواسته‌ها و پیشنهادهای، نخبه‌گرایی و اختصاص حقوق ویژه برای یک یا چند طبقه خاص و ساختار متمرکز قدرت (بوروکراسی)

۳. **فردی:** شامل کمی علاقه و انگیزه فردی، گوشه‌گیری، نبود اعتماد به نفس، نبود آشنایی و تجربه با شوراهای دانش‌آموزی، درگیری در مسائل درسی و کمبود وقت و کنجکاو نبودن

۴. **مدیریتی:** شامل سطحی انگاشتن و اعتقاد نداشتن مدیران به تصمیمات مشارکتی، هزینه‌بر دانستن این فعالیت‌ها، خودمحوری در تصمیم‌گیری، حضور فعال نداشتن مدیران در فعالیت‌ها و بی‌توجهی آنان به دستورالعمل‌های صادره در خصوص تشکیل شوراهای دانش‌آموزی.

۵. **انگیزشی:** شامل نبود نظام قدردانی و تشویق، کم انگاشتن منافع حاصل از مشارکت نسبت به امور دیگر مدرسه و تخصیص نیافتن بودجه کافی برای فعالیت‌های مشارکتی

۶. **قانونی:** شامل شفاف نبودن قوانین در رابطه با نقش افراد و مشارکت و نیز انطباق نداشتن قوانین با شرایط و موقعیت‌های مدارس.

یافته‌های این پژوهش نشان داد، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس با موانع متعددی روبه‌رو است که براساس نظرات دانش‌آموزان مورد پرسش، این موانع به ترتیب بازدارندگی شامل موانع انگیزشی، قانونی، ساختاری، مدیریتی، فرهنگی - اجتماعی و فردی می‌شوند. در نقطه مقابل، از نظر مسئولان و معلمان، ترتیب این موانع چنین است: قانونی، فردی، انگیزشی، فرهنگی - اجتماعی، ساختاری و مدیریتی. علاوه بر این، به جز موانع اصلی، گروه‌های مختلف مدرسه اعم از دانش‌آموزان، مربیان و مدیران موانع دیگری را نیز گزارش کرده‌اند که موانعی بر سر راه مشارکت به شمار می‌روند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند، عواملی از قبیل تبعیض در واگذاری مسئولیت‌ها، سختگیری‌های بی‌مورد در محیط مدرسه، نبود تشویق و قدردانی، نبود اعتماد به نفس در نزد دانش‌آموزان، گوشه‌گیری، کمبود وقت و سنگینی درس‌ها تأثیرگذارترین عوامل در میزان مشارکت هستند.

* **منابع:**

۱. یونگ، کیم (۱۳۷۸). سنگ‌فرش هر خیابان از طلاست. ترجمه محمد سوری. نشر سیمین. تهران.
۲. حسن بگلو، محسن و مه‌ری نوید ادهم (۱۳۷۲). بررسی میزان استقبال و دستیابی به اهداف انجمن‌ها و کلوب‌های فرهنگی و هنری آموزشگاه‌های کشور. معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
۳. خوش خلق، ایرج (۱۳۸۲). بازنگری در روش‌های سنجش و نقش آن در اصلاحات آموزشی. مجموعه مقالات اولین همایش ارزشیابی تحصیلی. نشر تزکیه. تهران.
۴. رحیمی، عزیزاله (۱۳۷۲). بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عوامل آموزشی بر میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های دبیرستان‌های شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
۵. سیحانی‌نژاد، مهدی و محسن ایمانی (۱۳۸۲). بررسی و ارزیابی نقش شوراهای دانش‌آموزی بر مشارکت دانش‌آموزان در امور مدارس راهنمایی اصفهان. فصل‌نامه آموزه. شماره ۲۳.
۶. سلطانی، ایرج (۱۳۸۱). نقش نظام آموزش و پرورش در نهادینه کردن تفکر مشارکتی. فصل‌نامه مدیریت در آموزش و پرورش. دوره هشتم. شماره ۳۰-۲۹.
۷. نیکنامی، مصطفی (۱۳۸۱). تمرکززدایی و تصمیم‌گیری‌های مشارکتی: رویکردی مؤثر در جهت ارتقای کارایی، اثربخشی و نظام پاسخگویی مدرسه محوری. مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش.
8. Branch, Kristi M (2002). Participative Management and Employee and Stakeholder Involvement
9. Mc Neal Jr. b (1998). High school Extracurricular Activities. Journal of Educational Research. V 91. N3.
10. Vornberg, J.A (1990). Student Activities Program. Evaluate Repor. Educational Testing Service. ETS-RR-37-93.
11. Watson, Jacqueline (2004). Educating for Citizenship. British Journal of Religious Education. V26. N 3.

نقش معلم و دانش آموز در مدیریت یادگیری

اشاره

معلم و دانش آموز در فرایند یادگیری دو عنصر انسانی مهم و کلیدی هستند که تعامل آن‌ها با یکدیگر بر پایه محتوا و هدف‌های آموزش، فرایندی به نام یادگیری را شکل می‌دهد. برای اینکه یادگیری با مختصات مطلوب شکل بگیرد، هر یک از این دو باید به نقش‌های تعریف شده عمل کنند. در نظام آموزشی ایستا، معلم نقش بسیار پررنگی دارد و دانش آموز در حاشیه قرار دارد. در نگاه پویا به نظام آموزشی هم معلم و هم دانش آموز در فرایند یادگیری نقشی پررنگ دارند. در مقاله حاضر به بررسی این موضوع از زاویه مدیریت یادگیری می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: مدیریت یادگیری، نقش معلم، نقش دانش آموز، یادگیری، هدایت یادگیری

برای مثال، در زیر نقش فراهم کننده منابع علمی، معتقدان به واگذاری این مسئولیت به یادگیرنده تأکید دارند و هرگونه دخالت معلم، برنامه درسی و مدرسه را در این امر منتفی می‌دانند و ملاک را علاقه دانش آموز می‌دانند. در مقابل، معتقدان به رویکرد ایستا چندان علاقه‌مند به دخالت دانش آموز نیستند و برنامه‌ریزی اکثر فرایندهای مرتبط با یادگیری را وظیفه معلمان و افراد بزرگسال می‌دانند. نگاه بینابینی نیز وجود دارد که عمدتاً به رویکردهای شناختی باز می‌گردد که به مشارکت معتقدند.

آنچه اهمیت دارد، یادگیری است و در فرایند یادگیری که گاهی طولانی مدت نیز است، هم معلم و هم دانش آموز، باید به وظایف خود عمل کنند تا بتوان به موفقیت فرایند یادگیری امیدوار بود. در گزارشی که «سرویس خدمات آزمون» (۲۰۱۲) منتشر کرده است، حوزه‌های اصلی زیر را به عنوان وظایف معلم در فرایند تربیت تعریف کرده است:

پرورش فرهنگ مشارکت برای حمایت از رشد و توسعه آموخته‌های دانش آموزان؛

♦ دسترسی به پژوهش و استفاده از آن برای بهبود یادگیری؛

♦ ارتقای یادگیری حرفه‌ای و بهبود مداوم آن؛

معلم و دانش آموز دو عنصر مهم و کلیدی در فرایند یادگیری هستند که ایفای نقش هر یک وابسته به دیگری است و ارتباط این دو عنصر است که فرایندی به نام یادگیری را شکل می‌دهد. در بسیاری از متون حوزه تعلیم و تربیت اولویت نقش هر یک از این دو، موضوع بحث بوده و هنوز هم هست. در اکثر کتاب‌های روش تدریس نیز به این موضوع پرداخته می‌شود. الیس (۲۰۱۳) می‌گوید، نقش معلم و دانش آموز در فرایند یادگیری تابع فلسفه تربیتی حاکم، نوع برنامه درسی و رویکرد تربیتی است. برای مثال، نقش این دو در برنامه‌های درسی مبتنی بر یادگیرنده و مبتنی بر رفتارگرایی کاملاً با هم متفاوت و در جاهایی در تناقض با هم است.

هاریسون و کیلیون (۲۰۰۷) معتقدند، معلم در فرایند تربیت نقش راهنما و راهبر را به عهده دارد و این نقش اصلی زیر نقش‌هایی خواهد داشت، مانند: فراهم کننده منابع علمی، عمل به عنوان متخصص برنامه درسی، عمل به عنوان متخصص آموزش، نقش حامی در کلاس درس، تسهیل کننده یادگیری، مربی، یاریگر مدیریت مدرسه، یاریگر دانش آموزان، تسهیل کننده تغییرات و یادگیرنده. هر کدام از این زیر نقش‌ها را می‌توان با نگاه ارتباط معلم و دانش آموز تحلیل کرد.



**نظام‌های
آموزشی باید
به دانش‌آموزان
چگونه آموختن را
نیز بیاموزند. این
امر مهم محقق
نمی‌شود، مگر در
سایه‌ی وارد کردن
دانش‌آموزان به
عنوان بازیگر
اصلی فرایند
آموزش**

توصیه من به برنامه‌ریزان آموزشی و درسی این است که ظرفیت فکری و توان عملیاتی دانش‌آموزان را دست کم نگیرید و از آن برای سهولت مدیریت فرایندهایی که در مدرسه در حال انجام هستند استفاده کنید. به عنوان سخن پایانی باید گفت، یادگیری علامت حیات اثربخش بشر است و بخش اعظم چارچوب‌های این فرایند بسیار مهم و کلیدی در مدرسه شکل می‌گیرد. همان‌طور که گفته شد، نظام‌های آموزشی باید به دانش‌آموزان چگونه آموختن را نیز بیاموزند. این امر مهم محقق نمی‌شود، مگر در سایه‌ی وارد کردن دانش‌آموزان به عنوان بازیگر اصلی فرایند آموزش. توجه‌نکردن به این امر مهم در سال‌های قبل منجر به هدر رفتن ظرفیت و انرژی میلیون‌ها دانش‌آموزی است که می‌توانستند در مدیریت یادگیری به عنوان بازوی مدرسه و معلم عمل کنند، اما سیستم‌های آموزشی با خودخواهی آن‌ها را یا نادیده گرفتند و یا بی‌اهمیت دانستند. تمرین ایفای نقش در جامعه باید از مدرسه آغاز و خطاهای آن شناسایی و تجربه شود.

◆ تسهیل و بهبود مداوم آموخته‌های دانش‌آموزان؛
◆ استفاده از سنجش و داده‌های حاصل از ارزشیابی؛
◆ حمایت از یادگیری و فراهم کردن محیط مناسب یادگیری.

انجمن ملی تعلیم و تربیت آمریکا در گزارش «استانداردهای تدریس حرفه‌ای» (۲۰۱۴)، برای معلم و دانش‌آموز نقش‌های جدا از هم قائل نشده است و یادگیری معنی‌دار و پایدار را محصول عمل صحیح معلم و دانش‌آموز به وظایف خود می‌داند. در این گزارش، چهار عنصر پوششی شامل «عمل، انتقال، رشد، و ظهور و بروز» نقش‌های معلم و دانش‌آموز را در کلاس درس تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهند. در گزارش فوق آمده است، اگر معلم و دانش‌آموز به دوسویه بودن ایفای نقش در فرایند یادگیری واقف باشند، می‌توان امیدوار بود که تربیت در مسیر اصلی خود به حرکت ادامه دهد.

رهبری فرایند یادگیری در نظام‌های آموزشی ایستا بر عهده معلم است. در این شیوه، دانش‌آموزان در حالت انفعالی قرار می‌گیرند و ظرفیت عظیم تصمیم‌سازی و مشارکت ایشان تا حد زیادی در طول فرایند یادگیری تحلیل می‌رود و آن‌ها تا مدت‌ها پس از ترک مدرسه نمی‌توانند در فرایندهای آموزشی، اجتماعی و ... شرکت کنند. بر این اساس، در اکثر متون مرتبط با مدیریت یادگیری، تأکید شده است، همان اندازه که نظام آموزشی در بعد کلان، رهبری فرایند یادگیری را بر عهده دارد، دانش‌آموزان نیز باید در بعد خرد در فرایند یادگیری سهیم باشند.

بسیاری از منتقدان واگذاری مسئولیت به دانش‌آموزان معتقدند که شاگردان در سنین مدرسه به رشد عقلی لازم نرسیده‌اند تا بتوانند مسئولیتی را در فرایند یادگیری به عهده بگیرند. این راهبرد در سیستم‌های تربیتی جدید و جاهت خود را از دست داده است. در اکثر نظام‌های تربیتی، واگذاری مسئولیت به کودکان (حتی در سنین خیلی پایین) و تصمیم‌سازی آنان تجربه شده است.

در سیستم‌های آموزشی در حال توسعه و در بند الزامات سنتی، شاید هرگز قابل تصور هم نباشد که تصمیم‌سازی در مدرسه به دانش‌آموزان واگذار شود، اما می‌توان با تکیه بر تجارب موفق در سطح دنیا گام‌هایی را در این زمینه طی کرد. والدز (۲۰۱۵) در گزارشی که وزارت تعلیم و تربیت آمریکا تهیه کرده است، می‌گوید: تجارب موفق تربیتی در سطح دنیا نشان می‌دهد، معلم فقط یک نقش کلیدی دارد و آن هم فراهم کردن محیط حمایت‌کننده است. سایر نقش‌ها در سایه این نقش قرار می‌گیرند و هویتی مستقل ندارند. او می‌گوید،

* منابع

1. Barth, R. (2007). The teacher leader. *Uncovering teacher leaders*, 9-36.
2. ETS (2014). *Teacher Leader Model Standards*. <https://www.ets.org>
3. Ellis, A. K. (2013). *Exemplars of curriculum theory*. Routledge.
4. Harrison, C., & Killion, J. (2007). Ten roles for teacher leaders. *Educational leadership*, 65(1), 74.
5. NEA (2014). *The Teacher Leadership Competencies*. National Education Association.
6. Valdez, M (2015). *Transforming Teacher Leadership to Help Students Succeed*. U.S. Department of Education.



سواد رسانه‌ای و توسعه تفکر

اشاره

همه ما تحت تأثیر پیام‌ها و برنامه‌های انواع رسانه‌ها قرار می‌گیریم. آگاهی از تأثیر این رسانه‌ها در آموزش و یادگیری، «سواد رسانه‌ای» قلمداد می‌شود که در نیم قرن اخیر کشورها آن را جدی گرفته‌اند. این سواد در برگیرنده مهارتی است که با کمک آن می‌توان از میان حجم انبوه تولیدات رسانه‌ای، موارد منطقی و لازم را انتخاب کرد. تاریخچه آموزش سواد رسانه‌ای از سال ۱۹۹۲ در انگلیس آغاز و از معلمان خواسته شد مهارت خاص تحلیل و ارزش‌گذاری فیلم‌ها را به دانش‌آموزان بیاموزند. در ژاپن، از سال ۱۹۹۲ و در آمریکا و کانادا از سال ۱۹۹۰ سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود. در دنیای امروزی که مجموعه‌ای از رسانه‌های قدیم و جدید جوامع را احاطه کرده‌اند، انسان‌ها باید متفکرانی منتقد و شهروندانی فعال و هوشمند باشند. تغییرات گوناگونی که در حوزه تعلیم و تربیت در سایه حضور چشمگیر و پر دامنه فناوری‌های نوین به وجود آمده است، اهمیت این موضوع را دو چندان می‌کند، زیرا وقتی عامه مردم به‌طور مستقیم با این رسانه‌ها ارتباط دارند، آن‌ها از یک سو رقیبی برای فعالیت‌های علمی و آموزشی هستند و از سویی دیگر زمینه‌ساز ایجاد چالش‌های فکری و علمی در بین آحاد اجتماعی. بنابراین، وجود این چالش‌ها ضرورت توجه هوشمندانه و متفکرانه افراد جامعه را نسبت به محتوا و همچنین عملکرد رسانه‌ها ایجاد می‌کند. در این مقاله، درباره چیستی و چرایی سواد رسانه‌ای بحث می‌شود.

تعریف سواد رسانه‌ای

اصطلاح «سواد رسانه‌ای»^۱ برای افراد متفاوت معانی متفاوتی دارد. تعریف‌های زیادی از سواد رسانه‌ای وجود دارد که همه به یک محور اشاره دارند. به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از چشم‌اندازهاست که ما به‌طور فعالانه برای قرار گرفتن در معرض رسانه از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنیم تا معانی پیام‌هایی را که با آن‌ها مواجه می‌شویم تفسیر کنیم (جیمز پاتر، ۲۰۰۵، ترجمه کاوسی).

سواد رسانه‌ای در تعریف بسیار کلی عبارت است از نوعی درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد (شکرخواه، ۱۳۸۶).

همچنین، تعریفی که موسسه آو کام از این نوع سواد ارائه داده چنین است: «سواد رسانه‌ای توانایی دسترسی، درک و ایجاد ارتباطات در بافت‌های گوناگون است».

بر اساس این تعریف‌ها تحلیل و بررسی اهداف رسانه‌ها و داشتن نگاه انتقادی نسبت به محصولات آن‌ها سواد رسانه‌ای محسوب می‌شود. مخاطب اگر بتواند به جای تسلیم بودن، رابطه‌ای فعال و تعاملی با رسانه‌ها داشته باشد، آن وقت قادر خواهد بود از میان حجم انبوه محصولات، محتوای مورد نظرش را شناسایی و دریافت

کلیدواژه‌ها: سواد رسانه‌ای، آموزش رسانه‌ای، تفکر تحلیلی

**سواد رسانه‌ای
مجموعه‌ای از
چشم‌اندازهاست
که ما به‌طور فعالانه
برای قرار گرفتن
در معرض رسانه از
آن‌ها بهره‌برداری
می‌کنیم تا معانی
پیام‌هایی را که
با آن‌ها مواجه
می‌شویم تفسیر
کنیم**

- توسعه تفکر انتقادی، خلاقانه و موشکافانه در بین دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به محتوای رسانه‌ها.
- شناخت اشکال بصری ارتباطات در کنار مهارت‌های خواندن، نوشتن و شنیدن.

ضرورت سواد رسانه‌ای

دنیای امروز خواه ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد (شکرخواه، ۱۳۸۶). در نتیجه این اشباع، حجم اطلاعات نیز بالا خواهد بود و لازم است در انتخاب نیازهای اطلاعاتی با دقت و درست عمل کنیم. امروزه رسانه‌ها یکی از اجزای اصلی زندگی به‌شمار می‌روند و همگام با آموزش‌های رسمی و مدرسه‌ای، در تکمیل مهارت‌ها و دانستنی‌های گوناگون مردم نقش اساسی دارند. زمانی که در بزرگراه‌های اطلاعاتی حرکت می‌کنید، سواد رسانه‌ای می‌تواند به شما بگوید چه مقدار از وقتتان را در چه سایت‌هایی، اعم از شناخته شده و ناشناخته، و چه مقدار از آن را فرضاً در پت روم‌ها بگذرانید (پیشین). بنابراین، کسانی که از سواد رسانه‌ای بهره‌مند هستند، قادر خواهند بود با نگاهی انتقادی، تحلیلی، پژوهشی و مطالعاتی برنامه‌ها را دنبال کنند، چرا که رسانه‌ها منابع کسب اطلاعات ما از دنیای پیرامون هستند. داشتن سواد رسانه‌ای شرایطی را فراهم می‌کند تا انسان به‌صورت انتقادی پیام‌ها را تحلیل کند و بتواند هدف و دیدگاه پیام و فرستنده آن را بشناسد. امروزه کنترلی که بر رسانه‌های مکتوب وجود دارد، هیچگاه در رسانه‌های الکترونیکی وجود ندارد. بنابراین، ما با تکیه بر سواد رسانه‌ای است که محتوای یک رسانه را انتخاب و به دیگری بی‌توجهی می‌کنیم. در واقع کنترل مورد نظر را برای خود ایجاد می‌کنیم. متأسفانه در حال حاضر ادامه حیات رسانه‌ها با توان و قدرت تجارتي آن‌ها گره خورده و برای هر فرد برخورداری از تفکری تحلیلی لازم است تا بتواند رسانه مورد نیازش را پیدا کند. مخاطب برای اینکه بتواند در میان میلیون‌ها پیام فرستاده شده به انتخابی منطقی دست بزند، چاره‌ای جز مجهز شدن به سواد رسانه‌ای ندارد.

* پی‌نوشت‌ها *

1. Media Literacy
 2. Ofcom
- نهادهی که در انگلستان در زمینه سواد رسانه‌ای کار می‌کند

* منابع *

۱. بصیریان جهرمی، حسین (۱۳۸۵). درآمدی به سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی. فصل‌نامه رسانه. شماره ۴.
۲. جیمز پاتر، دبلیو (۲۰۰۵). مبانی سواد رسانه‌ای. ترجمه صدیقه بیران، افسون حضرتی، مهران بهروز فغانی (۱۳۹۱). نشر تأویل. تهران.
۳. جیمز پاتر (۲۰۰۵). سواد رسانه‌ای. ترجمه لیدا کاووسی. فصل‌نامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی. سال هفدهم، شماره ۶۸.
۴. حاتمی، دکتر عباس (۱۳۹۱). سواد رسانه‌ای. مجله تبیان، شماره ۸۷، صفحه ۶۸.
۵. حسین‌زاده و محمدی استانی (۱۳۸۹). سواد رسانه‌ای، ضرورت دنیای امروز. مجله اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی. شهریور ماه ۱۳۸۹.
۶. شکرخواه، دکتر یونس (۱۳۸۶). سواد رسانه‌ای چیست؟ ماه‌نامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران. سال هشتم، شماره ۵۰.

کند. بنابراین، سواد رسانه‌ای سعی دارد آگاهی تک‌تک افراد جامعه را به شکل‌های مختلف پیام، در زندگی روزانه افزایش دهد (حسین‌زاده و محمدی استانی، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۰). سواد رسانه‌ای همچنین توانایی ارزیابی باورهای مردم و نیز تأثیر در شکل‌گیری فرهنگ عمومی را دارد و دانشی است که کارکردهای متعددی در زندگی انسان دارد.

هدف سواد رسانه‌ای

هدف سواد رسانه‌ای، دادن قدرت کنترل برنامه‌های رسانه به افراد است. در واقع، هدف سواد رسانه‌ای این است که به مردم نشان دهد چگونه کنترل را از رسانه‌ها به خود معطوف کنند (جیمز پاتر، ۲۰۰۵). برنامه‌ریزی برای این تغییر کنترل خیلی مهم است، چرا که در برنامه‌ریزی‌های رسانه‌ها گستره انتخاب‌ها بسیار محدود است. البته کارشناسان معتقدند، این محدودیت‌ها برای دستیابی به اهداف اقتصادی هستند.

سنجش نسبت هر محتوا نسبت به اجتماع و مسائل آن نیز می‌تواند هدف رسانه‌ها و مخصوصاً رسانه‌های جمعی باشد، یعنی مشخص کند بین محصولات و محتوای رسانه با موضوعات اجتماعی تا چه اندازه تناسب و رابطه وجود دارد. علاوه بر موارد ذکر شده، هدف سواد رسانه‌ای رابطه‌ای منظم و هدفمند مبتنی بر سود - هزینه باشد. به این معنا که در برابر آنچه از دست می‌دهیم، چه چیزی به‌دست می‌آوریم. توانش فرستندگان در تولید محصولات رسانه‌ای، به توانش گیرندگان در تفسیر ارتباطاتی وابسته است که از طریق رسانه‌های جمعی توزیع می‌شوند.

رسانه‌ها به دنبال آگاهی دادن و هوشیارسازی مخاطبان خود هستند و مفاهیم متفاوتی را از خود انعکاس می‌دهند. بنابراین، تشخیص پیام نیز می‌تواند از اهداف سواد رسانه‌ها قلمداد شود. در نظام آموزشی ما و با توجه به هوشمندسازی مدارس و مدارس الکترونیکی و با توجه به اینکه دنیای فناوری اطلاعات مسائل آموزشی را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است، اهداف آموزشی سواد رسانه‌ای به قرار زیر است (حسین‌زاده و محمدی استانی، ۱۳۸۹):

- آگاه‌سازی و کاهش تأثیر منفی رسانه‌ها بر عامه مخاطبان و به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان.
- مصونیت مخاطب از اخبار، آگهی‌های رسانه‌ای و برنامه‌های سرگرم‌کننده غیر ضروری و غیر مفید.
- ارتقای مهارت‌های شناختی با توجه به اطلاعات و دانش استفاده‌کننده.

نشستی با مهین طهرانیان و حورا کاتبی دو معلم دیروز و امروز

از تیله‌های رنگی تا تدریس روی خط

گاهی شانس و اقبال، که من آن را خوشبختی می‌نامم، با سرانگشتان تدبیر بر پنجره زندگی می‌زند. هوشیار کسی است که در بگشاید. هنوز گواهی دیپلم را صادر نکرده بودند که اولین پیشنهاد تدریس به یک دانش‌آموز تجدیدی را دریافت کرد. بانویی با حدود ۳۰ سال سابقه تدریس کنارش بود. او را تشویق کرد تا اولین گام را بردارد. آخر تابستان، آن دانش‌آموز با پنج درس تجدیدی قبول شد. قبولی شاگرد امید را در وجود تعلیم‌دهنده پرتو افشان کرد. پس مسیر معلمی را برگزید. لیسانس مترجمی زبان انگلیسی گرفت. بعد هم کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی را در طول سال‌های تدریس بدان افزود. امروز در کارنامه‌اش، بعد از ۲۰ سال سابقه تدریس در دوره ابتدایی، تألیف چهار عنوان کتاب کار علوم هم دیده می‌شود.

همراهی مهین طهرانیان، مداری با ۴۰ سال تجربه تدریس در دوره ابتدایی با حورا کاتبی، دختری با ۲۰ سال سابقه فعالیت آموزشی، شانس فراگیری و عمق بخشیدن به آموخته‌های شاگردان را دوچندان می‌کند. استفاده از دانش روز، بهره‌گیری مستمر از دوره‌های آموزشی و کمک آموزشی حضوری و مجازی، همچنین تبادل تجربه با معلمان مجرب سایر کشورها، لذت آموختن را در شاگردان حورا کاتبی بیشتر کرده است. نشست این شماره ما به گفت‌وگو با این مادر و دختر اختصاص دارد. با هم می‌خوانیم:

مهین طهرانیان سال‌ها در مدارس منطقه ۲ تدریس کرده است و حورا کاتبی نیز امروز در مجتمع آموزشی فجر دانش منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران فعال است.

تکنولوژی آموزشی چه جایگاهی در آموزش‌های کلاس درس شما دارد؟

● کاتبی: عصری که در آن زندگی می‌کنیم، عصر انفجار اطلاعات نام‌گذاری شده است. پس معلم نمی‌تواند براساس شیوه‌های معمولی که فقط بر تقویت محفوظات تکیه دارد، با دانش‌آموزانش ارتباط برقرار کند. دوران برخی از روش‌ها مانند گفتن و شنیدن، گج و تخته و حتی ارزشیابی‌های دهه‌های پیشین تقریباً سر آمده است و روش‌ها و ابزارهای جدید جایگزین شده‌اند. تکنولوژی آموزشی، روشی منظم و علمی است که باید آن را بیشتر در آموزش احساس کرد. معلم کارآمد و حرفه‌ای، با استفاده از تکنولوژی آموزشی روز به اهداف مورد نظر برنامه درسی دست پیدا می‌کند. این روش دربرگیرنده الگوی طراحی، اجرا و ارزشیابی کل فرایند تدریس و یادگیری براساس هدف‌های معین است.

خاطرم هست، در سال ۸۵ برای مدت شش ماه یک پروژه مشارکتی مجازی با همکاری تعدادی از دانش‌آموزان مدارس بیم و تهران اجرا کردیم. قبل از اجرای این طرح، محتوای الکترونیکی بعضی از کتاب‌های درسی، توسط بنیادی که زیر نظر یونسف اداره می‌شد، تولید شد. قرار بود این محتوا در مدارس هوشمند شهر بیم (که تحت حمایت آن سازمان بود)، اجرا شود. ما به عنوان مجری طرح به آن مدارس رفتیم. باید در مورد زمین‌لرزه به بچه‌ها مطلبی را توضیح می‌دادم. با وجود آنکه مجموعه‌ای شامل عکس و فیلم و انیمیشن در قالب محتوای الکترونیکی در اختیار داشتیم، با

خودم یک ظرف پر از ماست، مقداری یونولیت و تعدادی مورچه سر کلاس بردم تا به مفهوم تئوری (نظریه) عینیت ببخشم. در واقع، بچه‌ها با دیدن مورچه‌ها که روی یونولیت لرزان حرکت می‌کردند، مفهوم درس را به راحتی درک کردند. ما آن موقع هم دچار مشکلات فناوری مثل کند بودن اینترنت و زمان‌بر بودن ارسال اطلاعات روبه‌رو بودیم. اما تلاش داوطلبانه تمامی بچه‌ها در کلاس، پروژه را به کار گروهی بی‌نقصی تبدیل کرد.

امروز تجربه آن پروژه در تدریس چه کمکی به شما می‌کند؟

● کاتبی: این برنامه تلنگری بود تا امروز بتوانم تجربه‌های آموزشی خودم را در کلاس، از طریق وبلاگ و بلاگی که ساختم، در اختیار والدین دانش‌آموزانم قرار بدهم.

این وبلاگ چه محتوایی دارد؟

● کاتبی: من ۹ سال است که فعالیت‌های کلاسی خودم را با چند تصویر و توضیحات مربوط، در وبلاگ قرار می‌دهم. خانواده‌های شاگردانم با مراجعه به این وبلاگ از کم و کیف فعالیت‌های فرزندانشان خود در کلاس مطلع می‌شوند. تکنولوژی آموزشی روشی علمی و منظم است، پس برای ارائه هر موضوع درسی باید ابزارهای آن را تهیه کرد. طراحی بازی‌های مختلف، ساختن پازل، درست کردن وسایل کمک آموزشی برای همه درس‌ها و آماده کردن اطلاعات به همراه فایل‌های تصویری، از جمله فعالیت‌های مستمر من برای کلاس به شمار می‌روند.

ابتدا بچه‌ها پازل را گروهی کامل می‌کردند. بعد براساس شکلی که در می‌آمد، از آن‌ها می‌خواستیم کلمه‌های هم‌خانواده، متضاد و حتی هم‌معنی مرتبط به تصویر به‌دست آمده را بسازند و در کاربرگی بنویسند.

● **طهرانیان:** در کلاس‌های پایین‌تر، برای اینکه یک ناهنجاری رفتاری و اخلاقی را آموزش دهیم، عروسک‌هایی با مقوا درست می‌کردم که به دست و پایشان نخ‌هایی وصل بود. با کمک عروسک‌ها، داستانی را تعریف می‌کردم تا موضوعی را که می‌خواستیم به بچه‌ها بگویم، از طریق شخصیت عروسک به آن‌ها القا کنیم.

■ **وجود معلم با ۴۰ سال تجربه کار آموزشی و تربیتی، در کنار شما، یک نعمت است. در این باره برایمان بگویید.**

● **کاتبی:** در طول این سال‌ها، همیشه از مشورت ایشان در آموزش و تربیت برخوردار شده‌ام. هنوز هم در مورد مسائل آموزشی، رفتاری و حتی مشکلات خانوادگی بچه‌ها با مادرم مشورت می‌کنم و از او راهنمایی می‌گیرم. در سال‌های اول تدریس، به توصیه ایشان وسایل کمک آموزشی می‌ساختم و در کلاس از آن‌ها استفاده می‌کردم تا آموزش برای بچه‌ها عینی‌تر باشد.

● **طهرانیان:** من مدت‌هاست از تدریس رسمی فاصله گرفته‌ام و قرار نیست به سیستم آموزش رسمی کشور برگردم، اما همچنان مجلات رشد را می‌خوانم. دلم می‌خواهد روش‌های جدید را بیاد بگیرم و هر جا که لازم است دخترم یا هر معلم دیگری را که امکانش باشد، کمک و راهنمایی کنم.

● **کاتبی:** نشریات رشد، به ویژه رشد تکنولوژی آموزشی و آموزش ابتدایی را غالباً مطالعه می‌کنم و راه کارهای مفید آن‌ها را یادداشت می‌کنم. من معتقدم، مطالعه این نشریات تلنگری برای تفکر است.

■ **از مشکلاتی بگویید که به کمک تکنولوژی آموزشی موفق به رفع آن‌ها شده‌اید.**

● **کاتبی:** گاهی در فضای آموزشی، دسترسی به برخی از مفاهیم درسی به صورت عینی وجود ندارد. برای مثال، وقتی برخی گیاهان و جانوران محور درس هستند، من معلم به نمونه آن گیاه یا جانور دسترسی ندارم تا ویژگی‌هایی را که درباره آن صحبت کردیم به صورت عینی به بچه‌ها نشان بدهم، این‌جاست که باید سراغ فیلم یا پاورپوینت برویم. برای مثال، فیلم چرخه زندگی قورباغه را برای بچه‌ها نمایش دادم. برای من معلم امکان نشان دادن این صحنه در



متکلم وحده نیستم و بچه‌ها باید خودشان به مفهوم دست پیدا کنند. بارها اتفاق افتاده است که بعد از پایان درس، با این سؤال بچه‌ها روبه‌رو می‌شوم که «خانم معلم! پس شما کی درس می‌دهید؟» زیرا در این روش‌ها، معلم نقش تسهیل‌گر را دارد و مستقیم درس نمی‌دهد. تلاش می‌کنم فعالیت‌هایی را طراحی کنم که مهارت‌های ذهنی شاگردان را افزایش دهد تا آن‌ها بتوانند مسائل را تجزیه و تحلیل و قضاوت کنند. بر تقویت روابط گروهی بچه‌ها هم تأکید دارم. استفاده از این روش‌ها در رشد اجتماعی مخاطبان ما تأثیر گذار است.

● **طهرانیان:** در پایه‌های بالاتر، از روز قبل بچه‌ها را تشویق می‌کردم در مورد موضوع درس روز بعد مطالعه کنند و با آمادگی بیشتری در کلاس حاضر شوند. خواندن مطالب از شب قبل و با آمادگی سر کلاس حاضر شدن، به بچه‌ها کمک می‌کرد مطلب بیشتر برایشان جا بیفتد.

■ **یکی دو نمونه از تجربه‌هایتان را به صورت مصداقی برایمان بگویید.**

● **کاتبی:** اوایل کارم بود که با عروسک، درس زوج و فرد را تدریس می‌کردم. شاگردانی داشتم که هنوز به تمرین بیشتری نیاز داشتند. ما در خانواده خودمان بازی «دبلسا» را دور هم انجام می‌دادیم. وسایل این بازی را سر کلاس بردم و با شاگردانم کار کردم. برای مثال، به آن‌ها می‌گفتم: بین عدد ۳۵ تا ۳۹ یک عدد فرد دیگر هم هست. آن را حدس بزنید. برای آموزش کلمات هم خانواده، هم معنا یا متضاد، با راهنمایی مادرم، پازل درست می‌کردم.

■ **خانم طهرانیان، شما ۴۰ سال سابقه تدریس در دوره ابتدایی را در کارنامه خود دارید. برخی از تکنولوژی‌های آموزشی امروزی، مانند رایانه، در آن روزگار وجود نداشتند. شما از چه روش‌هایی برای تدریس بهتر و عمیق‌تر استفاده می‌کردید؟**

● **طهرانیان:** درست است. در آن زمان شاید خیلی از ابزارهای آموزشی وجود نداشتند و تعداد دانش‌آموزان کلاس‌ها زیاد بودند، اما من سعی می‌کردم با ابزار ساده مفاهیم را توضیح دهم. درست کردن کارت‌های آموزشی، استفاده از چوب کبریت و درست کردن تخته‌های دست‌ساز با میخ‌های فلزی ساده، برای درک مفهوم محیط و مساحت، از جمله روش‌ها و ابزارهای من بودند. خاطر مهم هست، برای رسم دایره‌های بزرگ، چون پرگارهای بزرگ موجود نبودند، از کاموا و میخ استفاده می‌کردیم. حتی در زنگ علوم، برای درس گیاهان، حتماً از روز قبل به گل فروشی محله سر می‌زدم و چندین شاخه گل به کلاس می‌بردم. بچه‌ها هم از قبل حتماً دانه‌هایی را به عنوان تکلیف شب جمع‌آوری می‌کردند و به کلاس می‌آوردند. پس هر معلمی براساس امکانات زمانه خود ابزار کارش را برای تدریس موفق تهیه می‌کند.

■ **روش تدریس شما برای درک عمیق و ماندگارتر شدن مفاهیم و موضوعات درسی چیست؟**

● **کاتبی:** من سعی می‌کنم بیشتر از روش‌های فعال مانند روش اکتشافی یا روش تعاملی استفاده کنم. روش‌های تعاملی دو طرفه بیشتر بر فعالیت شاگردان تأکید دارند. در کلاس



■ در آموزش‌های خود، از این فیلم‌ها چگونه استفاده می‌کنید؟

● کاتبی: در تکالیف، فعالیتی را در قالب آزمایش به دانش‌آموزان می‌دهم که در منزل روی آن‌ها کار کنند و سپس نتیجه را سر کلاس ارائه دهند.

گاهی، قبل از آنکه نتیجه را از بچه‌ها بخواهم، فیلمی را در همان زمینه برایشان پخش می‌کنم. عکس‌العمل بچه‌ها در حین مشاهده فیلم یا پس از آن، به من نشان می‌دهد کدام‌یک در منزل این آزمایش را انجام داده و به نتیجه رسیده‌اند.

● طهرانیان: در زمان ما خبری از فیلم نبود. آن موقع‌ها با رسم شکل روی تخته، مفاهیم را توضیح می‌دادیم. خیلی وقت‌ها تخته پر می‌شد از نقاشی معلم با گچ‌های رنگی، چون تصاویر رنگی چندان موجود نبودند و معلم مفاهیم درسی را تصویرگری می‌کرد.

■ اینترنت به عنوان یک مرجع مطالعاتی می‌تواند مورد استفاده معلمان یا دانش‌آموزان قرار بگیرد. نگاه شما به این منبع چگونه است؟

● کاتبی: متأسفانه در دوره ابتدایی دانش‌آموزان در تحقیق‌ها و جست‌وجوهای اینترنتی خود در فضای مجازی، با منابع مناسب و معتبری مواجه نمی‌شوند. غالباً می‌توانم سایت‌های «رشد و تبیان» را فقط معرفی کنم. وقتی شما کلیدواژه‌های را در فضای مجازی وارد و جست‌وجو می‌کنید، به ظاهر سایت‌های بسیاری پیش چشم شما قرار می‌گیرند. اما وقتی وارد آن‌ها می‌شوید، تازه متوجه می‌شوید که اکثر آن‌ها فقط مطالب را کپی کرده‌اند. در واقع، یک مطلب هم‌جا تکرار شده است. از این رو، ابتدا باید منابع اطلاعاتی را در هر سطحی غنی کنیم تا دانش‌آموزان با اطمینان بیشتری بتوانند به تحقیق و پژوهش بپردازند.

■ سپاس از شما برای وقتی که در اختیار نشریه گذاشتید.

می‌توان به ارزیابی فعالیت‌های آموزشی پرداخت و کیفیت آن‌ها را بالا برد.

● طهرانیان: تجربه من می‌گوید، گاهی اوقات عکس به تنهایی گویای تلاش معلم و بچه‌ها نیست. بنابراین، گاهی که به وبلاگ خانم کاتبی سر می‌زنم، نکته‌هایی را در خصوص نوشتن زیرنویس برای عکس‌ها به ایشان یادآوری می‌کنم. گاهی نوشتن چند خطی درباره فعالیت، پیام آموزشی تصویر را کامل می‌کند. چون ممکن است برخی والدین که خیلی در کار آموزش نیستند، با تماشای تصویر یک بازی اهداف آن را متوجه نشوند.

■ گاهی معلم ابزار یا وسیله‌ای کمک آموزشی نیاز دارد که در دسترسش نیست. در چنین شرایطی باید تدبیری بیندیشد و کار تدریس را با درایت خود کامل کند. چنین تجربه‌ای داشته‌اید؟

● کاتبی: یک بار برای آموزش ریاضی نیاز به چینه داشتم و ابزار در اختیارم نبود. بازی را در پاورپوینت طراحی کردم. بچه‌ها در کلاس همان کار را روی رایانه انجام دادند و تدریس به خوبی انجام شد. من از بازی‌های رایانه‌ای و روی خط در کلاس استفاده می‌کنم.

● طهرانیان: در دوران ما امکانات امروز نبود، ولی تمام تلاش خودمان را می‌کردیم تا مفاهیم درسی به بهترین شکل به دانش‌آموزان انتقال یابند. برای مثال، آن زمان تیله‌های رنگی خیلی زیاد بودند. بچه‌ها تیله را به کلاس می‌آوردند و با طراحی بازی، مفهوم موضوع برایشان جا می‌افتاد. برای جمع و تفریق هم از چرتکه استفاده می‌کردیم.

■ شنیده‌ایم، ارتباط با معلمان موفق سایر کشورها و استفاده از سایت‌های آموزشی خارجی، از جمله ویژگی‌های کاری شماست. از تأثیر این مهم در کارهای آموزشی خودتان بر ایمان بگویید.

● کاتبی: من به طور مستمر سایت‌های علمی و آموزشی خارجی را برای افزایش تجربه‌های خودم مطالعه می‌کنم. از فیلم‌های آموزشی کوتاه هم برای ایجاد انگیزه و شروع کلاس استفاده می‌کنم. همچنین، از تجارب معلمانی که در سایر کشورها تدریس می‌کنند، ایده‌هایی را دریافت می‌کنم و بعد آن روش‌ها را بومی‌سازی و در کلاس از آن‌ها استفاده می‌کنم. من آرشیوی از فیلم‌های آموزشی و علمی برای خودم تهیه کرده‌ام و از آن‌ها در کلاس استفاده می‌کنم.



طبیعت وجود ندارد، اما نمایش فیلم آن به درک مفهوم کمک می‌کند.

■ این‌طور که ما شنیده‌ایم، شما علاوه بر استفاده از تجربه‌های خوب مادرتان، دوره‌های متعدد آموزشی را هم گذرانده‌اید؟

● کاتبی: در سال‌های اول خدمتم، خیلی از کلاس‌های ضمن خدمت به نیروهای غیر رسمی معرفی نمی‌شدند. بنابراین، من با هزینه خودم در کلاس‌ها شرکت می‌کردم. مدرکی هم بابت شرکت در کلاس نمی‌دادند. فقط برای یادگیری می‌رفتم و امروز هم خوش‌حالم که این دوره‌ها را گذرانده‌ام.

■ به وبلاگ خودتان، به عنوان نوعی تکنولوژی آموزشی اشاره کردید. از تأثیر این وبلاگ در برنامه‌های آموزشی بیشتر بر ایمان بگویید.

● کاتبی: سال‌های پیش‌تر، تعدادی از والدین می‌گفتند پسرمان در خانه حرفی از فعالیت‌های کلاسی نمی‌زند و ما نمی‌دانیم در کلاس چه می‌گذرد! این موضوع مرا ترغیب کرد تا وبلاگی را آماده کنم. حال فعالیت‌های کلاس را به صورت خلاصه و با استفاده از تصاویر در وبلاگ منعکس می‌کنم.

■ این وبلاگ چه تأثیری بر خود بچه‌ها دارد؟

● کاتبی: اول اینکه از دیدن تصاویر خودشان در دنیای مجازی خوش‌حال می‌شوند و آن را به دیگران هم معرفی می‌کنند. گاهی بچه‌ها، به ویژه کسانی که به دلایلی در کلاس غایب بوده‌اند، برای مرور درس به وبلاگ سر می‌زنند و با دوستان خود در مورد فعالیت‌ها گفت‌وگو می‌کنند. امسال هم سعی کردم از کانال مجازی، ارتباطم را با بچه‌ها بیشتر کنم و از این طریق هم زمینه آموزش بهتر را برای آنان مهیا کنم. پاسخ‌گویی به سؤال‌های دانش‌آموزان بعد از کلاس و از طریق کانال شبکه مجازی، فرصتی برای دانایی بیشتر است. گاهی با یک نظرسنجی ساده روی رسانه‌های مجازی،

معرفی کتاب:

یادگیری معکوس

کتاب حاضر به منظور توانمندسازی معلمان کشور و افزایش صلاحیت‌های حرفه‌ای آن‌ها در حوزه کاربرد و عمل در اختیار معلمان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور قرار می‌گیرد. این کتاب می‌کوشد معلمان را در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های آموزشی یاری کند و به آن‌ها در دنیای دیجیتال رهیافتی عملیاتی ارائه دهد.

از آنجا که تفکر به داشتن اطلاعات نیاز دارد، از این‌رو، فکر کردن بدون اطلاعات همان قدر ناصواب است که اطلاعات بدون فکر کردن. برای این که جهانی فکر کنیم، به اطلاعات جهانی نیز نیاز داریم.

در این کتاب، شیوه کلاس‌داری معکوس، به صورت بسیار ساده مطرح شده است. به این طریق که: ابتدا آموزش مستقیم به وسیله فیلم یا هر وسیله آموزشی دیگر انجام می‌شود. دانش‌آموزان باید بتوانند به صورت انفرادی و قبل از آمدن به کلاس، فیلم را ببینند. به عبارت دیگر، آموزش مستقیم در خارج از کلاس درس و به صورت فردی صورت می‌گیرد و زمان کلاس برای کار گروهی یا رسیدگی به نیازهای فردی و برنامه‌ریزی صرف می‌شود.

کتاب در ۱۴ فصل به ترتیب زیر تنظیم شده است:

- فصل ۱/ الگوی یادگیری معکوس
- فصل ۲/ برداشت‌های نابجا از کلاس معکوس
- فصل ۳/ محتوا، کنجکاوی و رابطه
- فصل ۴/ یادگیری عمیق‌تر، رو به آینده و ایجاد رابطه
- فصل ۵/ یادگیری عمیق در کلاس دانش‌آموز محور
- فصل ۶/ روی آوردن به یادگیری دانش‌آموز محور
- فصل ۷/ کلاس معکوس در تربیت‌دینی
- فصل ۸/ کلاس معکوس، گذار به یادگیری معکوس
- فصل ۹/ مردم سالارانه شدن یادگیری در کلاس معکوس
- فصل ۱۰/ درس زبان انگلیسی، درسی برای معکوس شدن
- فصل ۱۱/ مسیر من برای معلمی در جهان مدرن
- فصل ۱۲/ شناخت واقعی دانش‌آموزان
- فصل ۱۳/ سنجش نوآوری با بالندگی حرفه‌ای معکوس
- فصل ۱۴/ چاشنی شیرین آموزش.

نویسندگان: جان برگمن و آرون سمز

مترجمان: دکتر محمد عطاران و مریم فرحمن‌خانقاه

انتشارات: مرکز نوآوری آموزشی مرآت

قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال



با جمله‌های رشد آشنا شوید



معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
وزارت آموزش عالی

جمله‌های حافظش آموزش
به صورت ماهانه و نه همواره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

رشد کوک
برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد خوزه
برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز
برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجموعه‌های حافظش آموزش
به صورت ماهانه و هفت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

رشد و جوان
برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان
برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوان
برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجموعه‌های نبرگسال عمومی
به صورت ماهانه و هفت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی
رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجموعه‌های نبرگسال تخصصی:

- به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.
- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش غیر • رشد آموزش همساز • رشد آموزش تربیت‌دینی
- رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کارشناسی • رشد آموزش پیش‌فهمی

مجموعه‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان ادارات محارم، دانش‌جویمان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و ... تهیه و منتشر می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان ایران‌شهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶

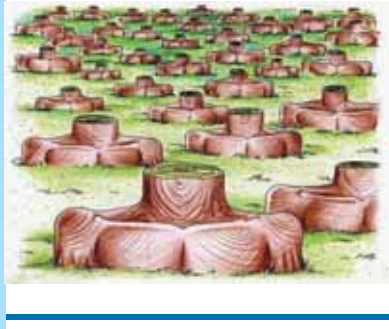
تلفن و فکس: ۰۲۱-۸۸۲۰۸۸۸
وبگاه: www.roshdmag.ir

معمومه حدادی قره‌قیه
دبیر آموزش و پرورش بروجرد

مهرنوش لطفعلی
دبستان آیت‌الله طالقانی



آذر ۱۳۹۴ - شماره ۲۵۱
تصویر و تفسیر



سلام بر درخت که در همهٔ عمر از هیچ نمی‌نالد؛ نه از نالهٔ تندر، نه از ارهٔ آدرخش.
سلام بر درخت
سلام بر درخت پاسبان بی‌توقع طبیعت
و چه غم‌انگیز است!
و چه بی‌رحمانه است!
سر بریدن این نگهبانان تنومند و استوار
یادش بخیر آن روزها که به ما می‌آموختند «در
هر درختی فرشته‌ای است. آن را حرمت بدارید.»
و چگونه حرمت می‌نهند؟!
و چگونه پاس می‌دارند!!

مهر ۱۳۹۴ - شماره ۲۴۹
تصویر و تفسیر



خداحافظ عروسک‌های دورهٔ کودکی. خداحافظ بازیچه‌هایی که ساعت‌ها با شما سرگرم بودیم و زندگی را در کنار تان تمرین می‌کردیم. با شما از آرزوهایمان می‌گفتیم و از شما مراقبت و بزرگ‌سالیمان را مشق می‌کردیم. چقدر زود دنیای مجازی و ابزارآلات آن وارد زندگی کودکانمان شدند و ما هم این فضا را برایشان مهیا کردیم و ندانستیم که سلامت جسمی‌شان را به علت عدم تحرک و فعالیت و سلامت روحی‌شان را با بازی‌های خشن و غیراخلاقی و وب‌گردی‌هایی که از کنترل آن‌ها عاجز مانده‌ایم، به خطر انداخته‌ایم و همهٔ این‌ها به تشکیل نسلی می‌انجامد که منزوی، گوشه‌گیر، پرخاشگر و بدون انعطاف است. چقدر ما دل‌بستهٔ اسباب‌بازی‌های خود بودیم، ولی حال آن‌ها کوله‌بارشان را بسته‌اند و انگار برای همیشه کودکان را ترک می‌کنند و کودکان آن‌قدر مشغول دنیای مجازی هستند که گویی نمی‌دانند در اطرافشان چه روی می‌دهد و زمانی از این غفلت بیدار می‌شوند که دیگر همهٔ عواطف و احساساتشان را از دست داده‌اند. ای کاش تا دیر نشده است کودکانمان را با اسباب‌بازی‌هایشان آشتی دهیم!

نامه‌های رسیده

- ✉ مریم کاوندی (زنجان)
- ✉ رامین مرادی (کرمانشاه - دینور)
- ✉ محمد نیکویی (مازندران)
- ✉ فاطمه سلطانی (مازندران - فریدونکنار)
- ✉ مصطفی محمدی (کرمان)
- ✉ فاطمه منفرد (شیراز)
- ✉ حسین باقری (بوشهر - دوراهک)
- ✉ حجت‌الله وهابی آذرخوارانی (اصفهان)
- ✉ سیدمحمد فاطمی (اصفهان - حسن‌آباد جرقویه)

خوانندگان ارجمند برای اطلاع از نتیجهٔ ارزشیابی مقاله‌های خود می‌توانند با دفتر مجله به شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۸ تماس حاصل فرمایند.

اقتصاد مقاومتی: اقدام و عمل

نشردار

نحوهٔ اشتراک:
پس از واريز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۲۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبهٔ سنراه آزمايش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگهٔ اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شدهٔ اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۷۷۳۳۶۶۵۶. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

♦ استان:

♦ خیابان:

♦ پلاک:

♦ شمارهٔ فیش بانکی:

♦ مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله بوده، شماره اشتراک خود را بنویسید:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱۵۵۴۹۷۹

♦ تلفن: بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۳۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینهٔ اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هفت شماره): ۲۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینهٔ اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال